

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قلعه‌تای پرنی آمل ولایت رجان

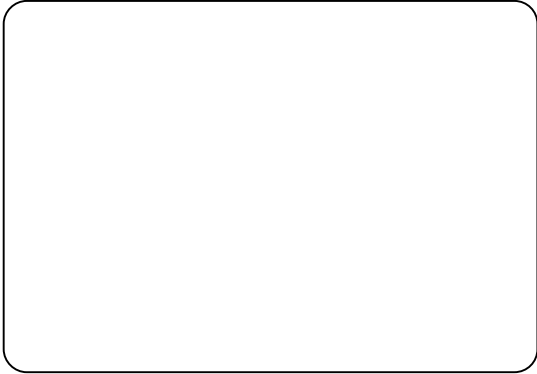
آمل شناسی (۳)

پژوهش و نگارش:

رشید محمدی لیتکوهی



انتشارات اودیسه



ISBN: 978-622-6763-63-9



شناسنامه کتاب:

قلعه‌های تاریخی آمل و لاریجان
رشید محمدی لبتکوهی
شهرام فیروزی
پژمان فیروزی
۵۰۰ نسخه
اول - ۱۳۹۹
اودیسه (www.odyse.ir)
فیروز چاپ
گاندی
۸۰۰۰ تومان

نام کتاب:
نگارنده و پژوهشگر:
طراح جلد:
صفحه آرایي:
شمارگان:
نوبت چاپ:
ناشر:
چاپخانه:
صحافی:
قیمت:
شابک:



انتشارات اودیسه

حق چاپ محفوظ است.

مرکز پخش: آمل، پخش کتاب اودیسه (فیروزی) ۰۹۱۱۱۲۷۵۲۲۷-۰۱۴۱-۰۱۱۴۳۲۲۰

فهرست مطالب

فهرست مطالب

۲۰	مقدمه.....
۲۸	فصل اول: پیدایش و پیشینه آمل.....
۳۱	موقعیت و ویژگی های جغرافیایی آمل.....
۳۲	تقسیمات سیاسی آمل.....
۳۴	وجه تسمیه آمل.....
۳۷	آمل، شهر دفاعی و ایده آل.....
۴۲	آمل، مادر شهرها.....
۴۳	فصل دوم: مقولات قلاع شناسی.....
۴۵	مقولات پیشنهادی قلاع شناسی در آمل.....
۴۵	رابطه‌ی واژه شناسی با قلعه شناسی.....
۴۶	رابطه‌ی سفال شناسی با قلعه شناسی.....
۵۴	نتیجه‌ی بحث.....
۵۸	پیشنهاد.....

۵۸ رابطه‌ی سکه شناسی با قلعه‌شناسی
۶۶ نتیجه‌گیری
۶۷ دین‌شناسی مردم آمل و ارتباط آن با قلعه‌شناسی
۷۱ نتیجه‌ی بحث
۷۲ رابطه‌ی بین نبردشناسی و قلعه‌شناسی آمل
۷۳ نبرد اسکندر مقدونی با آملی‌ها
۷۶ نبرد اشکانیان با آملی‌ها
۸۰ حمله‌ی مغولان به آمل
۸۱ حمله‌ی تیمور به آمل
۸۳ نتیجه‌گیری
۸۷ فصل سوم: پیشینه قلعه‌سازی در آمل
۸۹ پیشینه‌ی قلعه‌سازی در ایران
۹۳ قلاع نشینان
۹۳ دژبان
۹۳ دروازه‌بان

- منجنیق چی ۹۵
- تاریخ قلعه سازی در آمل ۹۶
- شیوه‌های تامین آب قلعه‌های آمل ۱۰۶
- الف: نهرها ۱۰۶
- ب: حفر چاه ۱۰۸
- ج: آب انبار ۱۰۹
- د: گنگ گذاری ۱۰۹
- ساختار تدافعی قلاع آمل ۱۱۰
- الف: ساختار طبیعی ۱۱۱
- صخره‌ها ۱۱۱
- دره‌ها و رودخانه‌ها ۱۱۲
- باتلاق‌ها و نی‌زارها ۱۱۲
- جنگل ۱۱۴
- ب: ساختارهای دفاعی مصنوعی ۱۱۵
- برج دیده‌بانی ۱۱۵

۱۱۶.....	حصار و بارو.....
۱۱۶.....	خندق و آب‌بندان.....
۱۱۷.....	باروهای دفاعی شهر آمل.....
۱۱۹.....	خندق‌های دفاعی شهر آمل.....
۱۲۱.....	دروازه‌های تاریخی شهر آمل.....
۱۲۴.....	دلایل وجود کثرت قلاع در آمل.....
۱۲۵.....	انواع قلاع در آمل.....
۱۲۶.....	الف: قلعه‌های نظامی - دیده‌بانی.....
۱۲۷.....	ب: قلعه‌های مسکونی - دفاعی.....
۱۳۰.....	ج: قلاع اوش / دوش.....
۱۳۳.....	ادوات قلعه‌گیری.....
۱۳۴.....	دبابه.....
۱۳۴.....	ساباط.....
۱۳۴.....	نفت‌انداز.....
۱۳۵.....	نردبان.....

شادوف و منجنيق	۱۳۵
خَرَك	۱۳۷
عراده	۱۳۷
قدور	۱۳۸
قلعه‌ی آمل	۱۳۸
فصل چهارم: قلعه‌های تاریخی بخش لیتکوه	۱۴۱
مختصری از تاریخ لیتکوه	۱۴۳
قلعه‌های تاریخی بخش بالا خیابان لیتکوه	۱۴۷
قلعه‌ی زَکریا / زَکریا	۱۴۹
قلعه‌ی فرنگیس	۱۵۰
قلعه‌ی چندر محله	۱۵۲
قلعه‌ی تابران / تلیران	۱۵۲
قلاکتی سامان دره	۱۵۳
قلاکتی میانرود	۱۵۳
قلعه‌ی وِشتان / قلعه‌ی وِشت	۱۵۴

- ۱۵۵..... قلعه‌ی کارچی کلا
- ۱۵۶..... قلعه‌ی سر آزدار
- ۱۵۶..... قلعه‌ی سنگر
- ۱۵۷..... قلعه‌ی فرخان شاه - [عَفَّار شاه]
- ۱۵۹..... بالا قلعه دشت و پایین قلعه دشت
- ۱۶۰..... قلاع لیکانی
- ۱۶۱..... قلعه‌ی تخت فریدون
- ۱۶۱..... قلعه‌ی چال کیاده / چاله کی
- ۱۶۲..... قلعه‌ی ورام ده / وهرام دیه
- ۱۶۴..... قلعه‌ی اسپند / اسپنت
- ۱۶۵..... قلعه‌ی پیل / پیل تپه خشواش
- ۱۶۶..... قلعه‌ی عامی محله‌ی خشواش
- ۱۶۷..... قلعه‌ی فتنه جا
- ۱۶۹..... قلعه‌های تاریخی بخش پایین خیابان لیتکوه
- ۱۷۱..... قلعه‌ی مهر / مه کنی / مرکتی

- ۱۷۴..... قلاع درزه دشت / درزی دشت.....
- ۱۷۶..... قلعه‌ی سِرَن کتی / سرهنگ کتی.....
- ۱۷۷..... قلعه‌ی کن کاس کتی.....
- ۱۷۸..... قلعه‌ی عبّاس کتی.....
- ۱۷۹..... قلعه‌ی نِرم / نی رِم.....
- ۱۸۰..... قلعه‌ی آهن کتی / آن کتی.....
- ۱۸۰..... قلعه‌ی دیده‌بانی کاس / کاسب‌محلّه.....
- ۱۸۱..... قلعه‌ی تبعیدی.....
- ۱۸۲..... قلعه‌ی کاس یا چا او سر.....
- ۱۸۵..... پیش قلاع قلعه‌ی چائوسر.....
- ۱۸۷..... قلعه‌ی کوس یا کوسه‌رز.....
- ۱۸۸..... قلعه‌ی سیاه‌کُشت.....
- ۱۸۸..... قلعه‌ی گِل کتی.....
- ۱۹۰..... فصل پنجم: قلعه‌های تاریخی بخش دشت سر.....
- ۱۹۲..... مختصری از تاریخ دشت سر.....

۱۹۸.....	قلعه‌ی فیروز شاه
۱۹۹.....	قلعه‌ی باو رود.....
۲۰۳.....	قلعه‌ی میله
۲۰۴.....	قلعه‌ی لاک کتی
۲۰۴.....	قلعه‌ی دین تپه / دیوان تپه / دیو تپه / دی تپه
۲۰۶.....	قلعه‌ی کافر
۲۰۸.....	قلعه‌ی نوده عطایون
۲۰۹.....	امام قلعه.....
۲۰۹.....	قلعه‌های بلیران
۲۱۱.....	قلعه‌ی اردشیران
۲۱۳.....	سایر قلاع
۲۱۵.....	فصل ششم: قلعه‌های تاریخی بخش دابو.....
۲۱۷.....	مختصری از تاریخ بخش دابو
۲۱۹.....	دابو از نگاه رابینو.....
۲۲۰.....	قلعه‌ی ماهانه‌سر یا گیل محله.....

- ۲۲۳.....قلعه‌ی پلنگ لی / پلنگ کتی ترویجان.....
- ۲۲۵.....قلعه‌ی دو تیره.....
- ۲۲۵.....شهر کتی.....
- ۲۲۶.....پلهم کتی / پلیم کتی.....
- ۲۲۶.....شیران کتی / شیرم کتی.....
- ۲۲۷.....قلعه‌ی جالی کلا.....
- ۲۲۸.....قلعه‌ی دزک / دژک غیاث کلا.....
- ۲۲۹.....قلعه‌ی مریج محله.....
- ۲۳۱.....فصل هفتم: قلعه‌های تاریخی بخش هرازپی.....
- ۲۳۳.....مختصری از تاریخ بخش هرازپی.....
- ۲۳۶.....وجه تسمیه هرازپی.....
- ۲۳۸.....قلعه‌ی دونکا یا داناکان.....
- ۲۳۹.....قلعه‌ی کتی / بختیار کتی.....
- ۲۴۱.....فصل هشتم: قلعه‌های تاریخی بخش چلاو.....
- ۲۴۳.....مختصری از تاریخ چلاو.....

۲۵۰	قلعه‌ی چلاو.....
۲۵۲	قلع حسین کیای چلاوی.....
۲۵۳	قلعه‌ی بیه ماه منگل.....
۲۵۳	قلعه‌ی دارا.....
۲۵۴	قلعه‌ی سامان.....
۲۵۵	قلعه‌های اوش چلاو.....
۲۵۶	قلعه / قلاگردن.....
۲۵۶	قلعه‌ی تیمور.....
۲۵۷	قلعه‌ی خُرْم.....
۲۵۸	قلعه‌ی نشل / نی شیل.....
۲۵۹	فصل نهم: قلعه‌های تاریخی بخش لاریجان.....
۲۶۱	آشنایی مختصر با لاریجان.....
۲۶۴	قلعه‌ی لاریجان.....
۲۶۴	قلعه‌ی ملک بهمن / شونا دشت.....
۲۶۶	قلع اوش امیری / سه طاق امیری.....

- ۲۶۹..... قلعه‌ی کارو.....
- ۲۷۰..... قلاع نوا.....
- ۲۷۰..... قلعه‌ی پغلا در دلارستاق.....
- ۲۷۱..... قلعه‌ی شیر دره / شیر درّه.....
- ۲۷۳..... قلعه کوه.....
- ۲۷۴..... قلعه و تخت شاه طهماسب.....
- ۲۷۴..... قلعه‌ی اوش کرد چالکک نمارستاق.....
- ۲۷۵..... تفنگگاه.....
- ۲۷۵..... قلعه‌ی پنج او.....
- ۲۷۶..... قلعه‌ی لومار.....
- ۲۷۷..... قلعه‌ی لوندر.....
- ۲۷۷..... قلعه‌ی گلندان / گل اندام.....
- ۲۷۷..... قلعه‌ی دختر.....
- ۲۸۰..... قلعه‌ی ماز یار.....
- ۲۸۱..... قلعه‌ی قارن.....

- ۲۸۱ قلعه‌ی ایلال
- ۲۸۲ قلعه‌ی روخان
- ۲۸۲ قلعه‌ی مون
- ۲۸۲ قلعه‌ی مرجانه
- ۲۸۲ قلعه‌ی انگمار
- ۲۸۲ قلعه‌ی آفنه سر
- ۲۸۳ قلعه‌ی محمد علی بیگ
- ۲۸۴ قلعه‌ی اوش نیاک / قلا اوش نیاک
- ۲۸۴ قلعه‌ی محمد علی بیگ
- ۲۸۵ قلعه‌ی سنگ دک پلور
- ۲۸۵ قلعه‌ی خاص پلور
- ۲۸۶ قلعه‌ی اوش شیخ محله
- ۲۸۷ قلاع ناشناخته
- ۲۸۷ دژ گاه
- ۲۸۸ قلعه‌ی شعبو دشت

۲۸۹.....	فصل دهم: نگاره‌ها.....
۳۱۳.....	منابع و ماخذ.....
۳۱۵.....	منابع.....
۳۳۳.....	مصاحبه شونده‌گان.....
۳۳۷.....	عکس برداران.....
۳۴۱.....	نمایه.....

مقدمه

« ۲۰ »

موضوع دفاع از جان، شهر و شهروندان یکی از موضوعات مهم زندگانی بشری می‌باشد و بر هر کس واجب است از تمامیت جان و مال و موطن خویش به خوبی مواظبت نماید. لزوم دفاع از جان و وطن این تفکر و سنت را پیش می‌کشد که افراد چگونه بنابر شرایط محیط زندگی و توان علمی، مالی و روانی خویش اقدام به تاکتیک و تکنیک دفاعی بپردازد. تاریخ جنگ‌ها حکایت از آن دارد که انسان‌ها شیوه‌های مختلفی برای دفاع به کار برده‌اند و می‌برند. در این میان، قلاع که حاصل تفکر و علم معماری جنگی است، بیش از همه در تاریخ جنگ و دفاع انسان‌ها خودنمایی و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. قلعه نوعی معماری و سازه‌ی جنگی - دفاعی است که بنابر موقعیت جغرافیایی و میزان پیشرفت علوم نظامی و معماری در تمامی نقاط جهان بدان توجه شده است.

از ساخت اولین قلعه در جهان هیچ گونه اطلاع موثقی در دست نیست؛ هم چنین نمی‌توان از ساخت اولین قلعه در ایران سند معتبری پیدا نمود. هر چند منابع تاریخی پیشینه‌ی ساخت قلاع در ایران را به دوران اساطیری می‌رسانند، (اقتباس رضایی، ۱۳۸۱: ۵۱). اما در فرایند بررسی علمی تاریخ قلاع، این گونه اطلاعات مورد توجه قرار نخواهد گرفت.

مازندران یا تبرستان - سرزمین دیوهای سفید- در اسناد و منابع تاریخی از جمله نقاطی است که شهرهای آن با توجه به شرایط و موقعیت جغرافیایی،

همواره مورد هجوم بیگانگان و مهاجمان بومی و غیربومی قرار می‌گرفت و لزوم ساخت قلاع در این سرزمین سرسبز، پرآب و پر حادثه، مورد توجه بوده است و از میان شهرهای تبرستان، آملی‌ها به جهت دلایلی که در متن کتاب بدان اشاره می‌گردد، بیش از مردم سایر شهرها، موضوع قلعه‌سازی و سازه‌های دفاعی را در نظر داشتند.

در این پژوهش اثبات شده است که شهر آمل از کثرت و بیشترین قلاع نسبت به سایر شهرهای مازندران و شاید ایران برخوردار بوده است^۱ و نویسنده از همین نکته استناد و یاری می‌جوید و شهر آمل را لقب «شهر هزار قلعه» می‌دهد، چنانچه موضوع دفاع و سازه‌های دفاعی در سال ۱۳۶۰ ه.ش در این شهر^۲، سبب گردید که لقب شهر «هزار سنگر» از طرف بنیانگذار حکومت جمهوری اسلامی - امام خمینی (ره) - داده شود.

در این کتاب به شناسایی و معرفی تعدادی از قلاع شهرستان آمل پرداخته می‌شود که حاصل سی سال پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ی نویسنده با افراد آگاه است. خاطرات پژوهش‌های میدانی در طول این سی

^۱ این ادعا در بخش بررسی معنایی ناموازه‌ی آمل بیشتر اشاره خواهد شد.

^۲ در تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۶ خورشیدی گروهی به نام «فداییان خلق» برای شروع بر اندازی حکومت جمهوری اسلامی که در جنگلهای جنوبی آمل پناه گرفته بودند به این شهر حمله مسلحانه نمودند، ولی دفاع و مقاومت نیروهای نظامی و انتظامی و در کنار آن نیروهای مردمی سبب گردید کمتر از یک نیم روز این دسته از مهاجمین را شکست دهند و آنان را متواری کنند.

سال خود می‌تواند، کتابی جداگانه باشد. در طول این سفرها و بازدیدهایی که از قلاع شهرستان آمل به عمل می‌آمد، گاهی از طرف ساکنین برخی از آبادی‌ها، مورد بازجویی و حتی تهدید قرار گرفته و شاید برای شما این خاطره جالب باشد، روزی به اتفاق همسرم برای جمع‌آوری اطلاعات به یکی از روستاهای بخش هرازپی رفته بودیم و وارد یکی از دفاتر مشاور املاک این آبادی شدم و از آقایی که حدود سی و پنج سال سن داشت در مورد روستا و یا در مورد شخصی که از این آبادی و قلاع آن اطلاعاتی دارد، سوال کردم. این آقا ابتدا مرا دعوت کرد که اگر نسخه‌ای از گنج دارید، بیا من و شما باهم به دنبال آدرس گنج بگردیم و زمانی که با برخورد جدی بنده مواجه شد که من فقط به دنبال اطلاعات تاریخی این آبادی هستم، مرا تهدید به دستگیری و تحویل به نهادهای امنیتی کرده است و اگر شجاعت و قاطعیت بنده نبود، شاید به راحتی با هماهنگی سایر افراد، مرا به تهمت گنج‌یابی تحویل مراجع امنیتی و قضایی می‌داد و یا هر روستایی که برای تحقیق می‌رفتم، پیشنهادهای مشابه به بنده می‌دادند و آنهایی که منصف‌تر بوده‌اند، بنده را دعوت به صرف نظر از گنج‌یابی می‌کرده‌اند و نیز آنهایی که نسبت به تاریخ موطن خویش، بی‌علاقه بوده‌اند، بنده را سرزنش می‌کرده‌اند در این زمان که هر کس دستش به جایی بند است، چپاول و غارت و اختلاس در پیش می‌گیرد، شما دنبال حفظ و احیای تاریخ روستاهای کوچک آمل هستید و نیز در ادامه چند جمله‌ی بی‌ارزشی که شرم از نوشتن آن‌ها دارم....

اگر تشویق و حمایت علمی و معنوی برخی از افراد علاقمند و تاریخ دوستان نبود، نوشتن کتاب حاضر امکان پذیر نمی‌شد. یاران نیکی که ذکر نام آنها به جهت ادای احترام و سپاسگزاری در جای خویش نشان قدردانی اندک نویسنده از آنان است. در تهیه‌ی این کتاب با افراد زیادی مصاحبه کرده‌ام با سپاس از روایان سخاوتمند که بی‌چشمداشت اطلاعات گرانسنگ خویش را در اختیارم گذاشتند.

شایسته است از پدر بزرگوارم، جناب حاج محمد محمدی یادی کنم، گرچه بیسواد است، اما با بصیرت، حافظه و خاطرش سرشار از خاطرات و رویدادهای تاریخ هفتاد ساله‌ی سرزمین و شهرم آمل می‌باشد. ایشان اطلاعات فراوانی از قلاع و آثار تاریخی بخش بالا و پایین خیابان لیتکوه دارند و با توجه به این که با بیماری جانکاه دیابت دست و پنجه نرم می‌کنند، ولی مذاقانه و مشتاقانه به سوالاتم پاسخ دادند.

هم چنین، از همراهی همسر ارجمندم، مهربانو طبری که در تمامی سفر و حضر همراه و یار من بودند، بی‌نهایت سپاسگزارم؛ زیرا ایشان تمامی متن مصاحبه‌ها و گفتگوهای بنده با افراد آگاه در تحقیقات میدانی را با دقت و به خوبی یادداشت نموده‌اند.

دیگر آن که از دوستان پژوهشگر گرانقدر، آقایان: نصرالله هومند، نادعلی فلاح، مصطفی راعی اسکی، علی ذبیحی و دکتر یوسف الهی که در

تصحیح، راهنمایی و بازخوانی اطلاعات کمک شایانی کردند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

نویسنده اعتقاد و باور به کاستی و اشتباهات احتمالی در این اثر و نیز سایر آثار خویش دارد، لذا از پژوهشگران و علاقمندان به این موضوع تقاضا دارد نظر اصطلاحی خویش را بر بنده دریغ نفرمایند و نکات اصلاحی و تکمیلی را به نشانی پست الکترونیکی و یا از طریق رسانه‌ی مجازی نویسنده^۳ را مطلع نموده تا در چاپ‌های بعدی با ذکر نام نیکشان در این کتاب منظور گردد.

جهت اختصار و جلوگیری از اطاله کلام چند نکته را خدمت خوانندگان عزیز به عرض می‌رساند:

* تعدادی کتاب و منابع، به صورت (pdf) مطالعه شده است و در این منابع، سال انتشار درج نشده و در زمان ارجاع دهی [درون متنی و پایانی] برای اینگونه منابع، سال نشر به شرح بی تاریخ یا به اختصار [بی تا] مشخص گردید.

* در آمل گاهی برای بیان کلمه‌ی قلعه، از واژه‌ی «قلا» نه «قلاع» استفاده می‌شود و این نشانگر جمع کلمه‌ی قلعه نخواهد بود.

^۳ - rashidmohammadi@yahoo.com و واتساپ - ۰۹۱۱۳۰۰۱۵۸۵

*در این تحقیق سعی شده است به منظور بازشناسی قلاع، تمامی تپه‌ها، پشته‌ها، خاک انباشت‌ها از دید پژوهشگر و نویسنده‌ی این کتاب به دور نماند، اما این بدان معنا نیست که هر تپه یا مکان مرتفع را قلعه دانسته، مگر این نقاط با گزارش ساکنین به خصوص سالخوردگان و داده‌های مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای پژوهشگر و اشیای به جا مانده، از جمله فلزات و سفال قابل اثبات و تطبیق باشد.

* هم چنین در این پژوهش تلاش گردید، از اظهار نظر قطعی در موضوع و رشته‌ی باستان شناسی تا حد امکان خودداری شود. زیرا ارائه‌ی نظر در این رشته، در تخصص پژوهشگر نبوده و مطالعات پراکنده و غیرآکادمیک پژوهشگر نمی‌تواند، پشتوانه‌ی محکمی برای اظهار نظر تخصصی باشد. چنانچه مطلبی به صورت انگاره و فرض گونه، در این پژوهش ذکر شده است در قالب و ساختار «فرضیه» بوده است که فرضیات این نوشتار می‌تواند مورد رد یا تایید صاحب نظران و متخصصان باستان شناسی قرار گیرد.

* هم چنین سعی شده است هر عکس یا تصویری که محقق از قلاع گرفته و یا دوستان علاقمند به او هدیه نمودند، نام عکاس و یا اهدا کننده و هم چنین تاریخ عکسبرداری به طور دقیق درج گردد تا این عکس‌ها بتواند مورد استفاده‌ی بهینه‌ی پژوهشگران آتی باشد و این یکی از مزیت‌های اثر پیش روست.

* به منظور ارائه‌ی اطلاعات بیشتر به خوانندگان و رفع ابهام برخی از اسامی اشخاص و اماکن و نیز تعدادی از واژه‌های ناآشنا به صورت پاورقی و برخی با ذکر منابع شرح داده شده است.

* به رسم احترام و امانت‌داری، نام تمامی اشخاصی که با آنان در فرایند جمع‌آوری مطالب، مصاحبه و گفتگو انجام شد با ذکر تاریخ دقیق و مکان مصاحبه در پاورقی ذکر گردید.

* به منظور عدم اختلال در تسلسل مطالب در حین مطالعه و برجسته‌سازی منابع در زمان ارجاع دهی درون متنی، نام منابع و سال نشر و صفحات مورد استناد با سبک کوچکتر از سایر کلمات متن نوشته شده است و تمامی منابع مورد استفاده در پایان کتاب به طور کامل معرفی می‌گردد.

رشید محمدی لیتکوهی

۲۰ خرداد ۱۳۹۹ خورشیدی - آمل

فصل اول: پیدایش و پیشینه آمل

موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی آمل

شهرستان آمل از شمال به شهرستان محمودآباد و از طرف شمال شرقی به شهرستان فریدون‌کنار و از طرف شمال غربی به شهرستان نور و سمت غرب آبادی‌های شهر چمستان و از طرف جنوب به استان تهران و جنوب غربی به بخش بلده‌ی نور و از طرف شرق و جنوب شرقی به شهرستان بابل محدود می‌باشد.



نقشه شماره (۱): موقعیت آمل در استان مازندران. (منبع: سایت استانداری مازندران)

شهرستان آمل از نظر ناهمواری به دو قسمت جلگه‌ای و کوهستانی تقسیم می‌شود؛ بخش جلگه‌ی آمل در دوران «کواترنری^۴» به وجود آمد. عوامل موثر در پیدایش جلگه‌ی آمل، شامل موارد زیر می‌باشد:

^۴ - کواترنری بخشی از زمان بندی زمین شناسی است.

میزان آب رودها، وسعت و حوضه‌ی رودخانه‌ها، مقاومت سنگ‌ها، عمق دریا و اختلاف زیاد بین سطح و پایه‌ی آب در ارتفاعات شمالی البرز.

به علت تغییرات شرایط آب و هوایی، نوسانات محسوسی در سطح دریای خزر به وقوع پیوسته و به همین علت این جلگه وسعت متغیری دارد. در مورد منطقه‌ی کوهستانی آمل باید گفت: «رشته کوه البرز به صورت دیواری، جلگه‌ی کنار دریای خزر را از قسمت داخلی ایران، جدا نموده که نتیجه‌ی حرکات کوهزایی آلپی (دوران سوم) می باشد.» (روح الله زاده کردی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۲).

مساحت آمل ۳۰۷۴.۴ کیلومتر مربع می‌باشد. ارتفاع این شهرستان از سطح آب‌های آزاد ۷۶ متر می‌رسد.

تقسیمات سیاسی آمل

آمل یکی از شهرستان‌های بزرگ و حایز اهمیت ایران و مازندران محسوب می‌شود؛ به همین خاطر همواره در تقسیمات کشوری و استانی نقش به‌سزایی در طول تاریخ داشته است. در کتاب «مجمع‌التواریخ و قصص» آمده است: «آمل جزء اقلیم چهارم است و «آرش» از قلعه‌ی^۵ آمل

^۵ - به طور حتم، کلمه‌ی «قله» درست است که احتمال اشتباه تایپی یا از نوع اغلاط شنیداری یا املایی نسخه‌ی اصلی باشد.

تیر انداخت.» (مجمع‌التواریخ و قصص، ۱۳۱۸: ۴۸۰ و ۴۳) آمل در سال (۱۳۲۵ه.ش) به عنوان شهرستان شناخته شده است.

در کتاب «فرهنگ جغرافیایی ملی ترکان ایران زمین» آمده است: «آمل جزء یکی از شهرستان‌های استان دوم بوده است و دارای دو آبادی می‌باشد که جمعیتی برابر ۱۰۲۵ نفر گزارش شده است.» (پناهیان، ۱۹۷۳: ۲۷۱). به نظر می‌رسد گزارش این کتاب در مورد شهرستان آمل با اشتباه همراه است، زیرا آمار جمعیت این شهرستان در زمان گزارش ناصرالدین شاه، بیش از این رقم بوده است و باید به دیده‌ی تردید به آن نگریست.

برابر آخرین مصوبات وزارت کشور در سال (۱۳۹۰ه.ش) شهرستان آمل از پنج شهر به نام‌های آمل، امام‌زاده عبدالله(ع)، دابودشت، رینه و گزنک تشکیل شده است که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نقطه‌ی شهری این شهرستان یعنی شهر آمل در بخش مرکزی می‌باشد و از سال (۱۳۹۳ ه.ش) این شهرستان به پنج بخش به نام‌های امام‌زاده عبدالله، مرکزی، دشت سر، دابودشت و لاریجان تقسیم گردیده و در همین سال، شهرستان آمل از ۱۱ دهستان تشکیل شده است.

دهستان‌های آمل عبارتند از: بالا لاریجان، لاریجان سفلی، چلاو، بالا خیابان لیتکوه، پایین خیابان لیتکوه، دشت سر غربی، دشت سر شرقی، دشت سر سفلی، دابوی جنوبی، دابوی میانی، هرازی می‌باشند.

جمعیت این شهرستان طبق سرشماری سال (۱۳۹۰ ه.ش) ۳۷۰۷۷۴ نفر بوده است. (ترزبان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۹).

وجه تسمیه آمل

درباره نامگذاری شهر آمل، چند انگاره وجود دارد، در کتاب «وجه تسمیه شهرهای ایران» درباره نامگذاری شهر آمل سه تئوری بیان شده است:

الف: بنای این شهر را به «آمله»، زن فیروز شاه نسبت داده‌اند و آمل تغییر یافته‌ی نام آمله می‌باشد.

ب- نام شهر آمل به زبان طبری «آهوش» [آهش] گفته‌اند و «هش» [هوش] و «مل» [مِل] مرگ را گویند و آمل کنایه از این نکته است که هرگز تو را مرگ مباد.

ج- آمل برگرفته از نام قوم «آمارد»^۶ می‌باشد. (قدکساز، ۱۳۷۵: ۱۰)

^۶ - در فرهنگ معین، «هش» به معنی خاموش و ساکت آمده است و به نظر می‌رسد «آن هش» یعنی ضدّ خاموشی و ساکت، سرزنده، چاپک، پرهیجان، سالم و تندرست.

^۷ - مل یا مر در فرهنگ واژگانی مردم کهسنال این شهر به معنی آرام، بدون حرکت و خاموش آمده است.

^۸ - این قوم در شمال ایران، به ویژه از رودبار گیلان تا آمل و در کرانه‌ی سفید رود، زندگی زندگی می‌کرده‌اند. از آن جایی که ساکنین اولیه‌ی مازندران و شهر آمل، زادگان این قوم می‌باشند، نام این قوم در عمق فرهنگ، باور و واژگان مردم این دیار به خصوص شهر آمل، ریشه دوانید و تاکنون یادگار واژگانی در گفتگوهای ساکنین این شهر به گوش می‌رسد که نشان از دلیری، مردانگی و شجاع بودن

«افشاری سیستانی» با تاکید بر روی تئوری سوم، درباره‌ی وجه تسمیه‌ی آمل معتقد است:

«واژه‌ی آمل که گونه‌ی پهلوی آن آموی است، بی‌گمان از نام تیره‌ی باستانی آمل، آمردها یا آمارد گرفته شده است. تاریخ نگاران اروپایی، نام این تیره را مردی یا آمردی آورده‌اند. دگرگونی واژه‌ی آمرد را به آمل چنین پنداشته‌اند: آمرد به آمله و آمله به آمل، نامی که موسی خورنی^۹ در کتاب خود نوشته است؛ یعنی آمل با بیان کنونی مردم آمل، یعنی آمل amel و نه آمل amol برابر و یکسان است.

این قوم می‌نماید. «مرد» کلمه‌ای است که ساکنین مازندران و آمل به اشخاص با ویژگی‌هایی هم چون: تنومند، با سخاوت و یکرنگ نسبت می‌دهند.

^۹ - موسی خورنی، تاریخ‌نگار، فیلسوف، الهی‌دان، مترجم، شاعر و نویسنده‌ی به نام ارمنستان در روزگار ساسانیان است. او نخستین کس از ارمنیان است که تاریخ ایران و ارمنستان را از روزگار باستان تا سده‌ی پنجم میلادی به رشته‌ی تحریر کشیده و کتاب او به «تاریخ ارمنستان» شهرت یافته است. آگهی‌های موسی خورنی درباره‌ی تاریخ ایران در روزگار ساسانیان بسیار ارزنده و گران بهاست. «رضاء بی تا: ۵۰-۴۹»



نقشه شماره (۲): قلمرو اقوام تاریخی در شمال ایران.

مارکوارت^۱ می‌گوید: واژه‌ی فارسی آمل بایست، واژه‌ی پنداری فارسی باستان "Amard" به معنای زیان‌آور و آمردی را واژه‌ی پنداری "Amarda" به معنی بسیار زیان‌آور انگاشته‌اند. (افشارسیستانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

برخی نوشته‌اند: «آمل از کلمه‌ی اسک، گرفته شده است که در زمان اشکانیان، روستای فعلی اسک را پایتخت اقلیمی خود کرده‌اند.» (صادقی و اشرفی، ۱۳۹۵: ۲۷) و این انگاره، نمی‌تواند به صحت نزدیک باشد.

^۱ - یوزف مارکوارت خاورشناس نامدار آلمانی می‌باشد که تحقیقات فراوانی در مورد ایران کرده است.

آمل، شهر دفاعی و ایده‌آل

ساخت و بنای اولیه‌ی یک شهر اتفاقی، بدون نقشه و طراحی نبوده و نخواهد بود. حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع)، یک شهر ایده‌آل از دیدگاه مهندسان شهرسازی، چنین تعریف شده است: «شهر باید مربع باشد، منظم باشد، جمعیت دار باشد، محصور باشد، دارای دروازه باشد، دارای راه‌های ارتباطی باشد، معنی جهت‌ها در آن مستتر باشد و دوگانگی چپ و راست در آن مشخص باشد و تحقق خواسته‌های مذهبی یکی از اهداف مشخص و قاطع چنین شهر بود، آداب و رسوم، مکان و فضا به خوبی با یکدیگر تطبیق داده شود.» (بحرینی و طیبیان: ۴۲).

با توجه به آن چه ذکر شد و با دقت در ساختار جغرافیایی، فیزیکی و معماری شهر آمل در ادوار گذشته، می‌توان ادعا نمود در فرایند آغازین شکل‌گیری این شهر، تمامی ویژگی‌ها و شرایط شهرسازی در آن منظور و قابل مشاهده بوده و هست.

«ژاک دمرگان» درباره‌ی پیشینه‌ی تاریخی شهر آمل نوشته است: «بنای آمل مربوط به عهدی بسیار باستانی است؛ مولفین مسلمان، آن را تا عهدی افسانه‌آمیز به عقب می‌برند. در هر حال اثر جدید بر روی خرابه‌های شهر قدیمی‌تر دیگری بر پا شده که آن نیز بر اثر آب‌ها و جنگ‌ها ویران بوده و دوباره ساخته شد.» (آذری دمیچی، ۱۳۵۳: ۲۹).

نقل است که شهر آمل به دستور «تهمورث»^{۱۱} بنا شده است؛ برای احداث و بنای اوئیهی شهر آمل، از مهندسان و معماران شهرسازی، کمک گرفته شد. ابن اسفندیار^{۱۲} در این مورد گزارش می‌دهد: «مهندسان بیامدند و بنیاد شهر، بدین موضع که اسبانه‌سرا می‌گویند، فرو نهادند.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۱). به گواهی تاریخ، مساحت اوئیهی این شهر چهار صد گری^{۱۳} و در برخی منابع چهار صد گز بوده است. (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۱).

ابن اسفندیار در جای دیگر، مکان اوئیهی شکل گیری شهر آمل را با دو نام «پای دشت» و «شهرستانه مرز» ذکر کرده است، ولی همه‌ی این نقاط [اسبانه‌سرا، پای دشت، شهرستانه مرز] از ویژگی یکسانی برخوردار بودند. گویا مکان اوئیهی بنای شهر، دور از رود هراز بوده و انتقال آب این نهر به شهر آمل، امکان پذیر نبوده است. برخی پژوهشگران از جمله داود ظفری و صفر یوسفی^{۱۴} این انگاره را پیش کشیدند:

^{۱۱} - «تهمورث» یا «طهمورث» یا «تهمورس» از شخصیت‌های اساطیری ایرانی است.

^{۱۲} - «بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب»، معروف به «ابن اسفندیار»، مورخ قرن ششم و هفتم و اهل شهر آمل می‌باشد. وی کتاب «تاریخ تبرستان» را در سال (۶۱۳ ق) به رشته تحریر در آورد.

^{۱۳} - در فرهنگ مردم آمل، یک «گری» یا «گیری» برابر یک هکتار می‌باشد.

^{۱۴} - دکترای تاریخ، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر حوزه‌ی مازندران‌شناسی.

«نقطه‌ی آهو دشت یا به دشت [بهدشت] واقع در سمت شرق شهر چمستان، می‌تواند، همان پای دشت و بناگاه اوئیه‌ی شهر آمل باشد.» (ظفری، ۱۳۷۹: ۳۰) و (یوسفی، ۱۳۹۱: ۵۳، ۵۲)

هم چنین اردشیر برزگر درباره‌ی موقعیت جغرافیایی پایدشت گزارش داده است: «نخستین مرکز تبرستان در هزاران سال پیش، شهر پایدشت بود که در نزدیکی‌های باختری [غرب] آمل امروزی قرار دارد.» (برزگر، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

نویسنده‌ی کتاب حاضر با توجه به آشنایی دیرین و نزدیک از آبادی‌های میان دو شهر آمل و چمستان و با کمک ریشه‌یابی نامواژگان آبادی‌های بخش مذکور، این انگاره را بیان می‌دارد:

«شارستانه مرز» محلّ اوئیه‌ی بنای شهر آمل بوده است و مکان دقیق آن مشخص نمی‌باشد. برخی این مکان را با پایدشت یکی دانسته‌اند. (رک یوسفی، ۱۳۹۱: ۵۴). نام این مکان در کتاب ابن اسفندیار آمده است و نیز میرظهیرالدین مرعشی در تاریخ تبرستان، شهرستانه مرز ثبت کرده است. شهرستانه مرز نام جدیدتر پایدشت و یا لااقل در زمان جا به جایی شهر پایدشت می‌باشد. بنابر استناد منابع تاریخی، از جمله تاریخ تبرستان برزگر، این نقطه را باید در غرب آمل امروزی، جستجو کرد. چرا که انتقال آب نهر هراز به آن نقطه، مشکل و شاید محال بوده است.

اگر فرضیه‌ی صفر یوسفی مبنی بر این که پایتخت همین نقطه‌ی بهدشت یا آهو دشت امروزی واقع در شرق شهر چمستان نور درست باشد، می‌توان گفت: شهرستان مرز باید در نزدیکی این نقطه قرار داشته باشد.



نقشه شماره (۳): فاصله نهر هراز با روستای شهربند.

قربان لفظی واژه‌ی شهرستان مرز با روستای «شهربند» امروزی چمستان که در نزدیکی «بهدشت» قرار دارد، این جرأت را به نویسنده‌ی کتاب حاضر می‌دهد که فرضیه‌ی «شهرستان مرز، همین روستای «شهربند» امروزی چمستان است.» را پیش کشد، چرا که در فرهنگ واژگانی مردم این دیار «بند» یا «ین» علاوه بر مفهوم مکان دفاعی مانند قلعه از آن استنباط می‌شود، نیز به مفهوم «حدود»، «محدوده»، «مرز»، «منطقه» و «بخش» آمده است



نقشه شماره (۴): موقعیت و فاصله دو آبادی «آهو دشت» و «شهر بند»

در نقشه‌ی شماره‌ی (۳) فاصله‌ی نهر هراز تا روستای شهر بند به خوبی مشخص شده است. در این نقشه هم می‌توان دریافت که انتقال آب از نهر هراز تا شهرستان مرز یا به قولی پایدشت امکان پذیر نبوده است.

هم چنین در روستای «سعادت آباد» امروزی یا روستای «نی» گذشته، مرتعی به «شهرکش» وجود دارد که انگاره‌ی موضع اولیه‌ی شهر آمل در حوالی این نقطه باشد، هم قابل بحث است.

آمل، مادر شهرها^{۱۵}

در برخی متون تاریخی، شهر آمل به «أم القراء» ذکر شده است. «در دوران اسلامی، شهرهای مرکزی و اداری را به عنوان «مادر شهر» با الفاظی مانند «ام القراء»، «ام البلدان»، «ام البلاد» می‌خواندند». (اشرف، ۱۳۶۸: ۲۹۹).

هم چنین شهرهای «پرواری» به معنی شهرهای دارای حوالی و پیرامون است. در کتاب «کارنامک» واژه‌ی پروار^{۱۶} به معنی حصار خارجی و محافظ شهر یا نواحی مسکونی پیرامون آن آمده است و گاهی معنی استان و بازار می‌دهد. (ن پیگولو، ۱۳۷۲: ۲۴۴). از بررسی منابع تاریخی چنین استنباط می‌شود با استناد به مطالب فوق، آمل به عنوان شهر بزرگ و دارای ویژگی مرکزیت، «ام القراء»، «ام البلدان» و «ام البلاد» و هم از نوع شهرهای «پرواری» بوده و می‌باشد. در برخی از منابع جغرافیای تاریخی این موضوع به خوبی ذکر شده است.

^{۱۵} - Mother of cities

^{۱۶} - در فرهنگ عمید، کلمه‌ی «پروار» به معنی قلعه و حومه آمده است. (عمید، ۱۳۶۹: حرف پ).

فصل دوم

مقولات قلاع شناسی آمل

مقولات پیشنهادی قلاع‌شناسی در آمل

برای قلعه‌شناسی آمل، از لحاظ قدمت‌یابی تقریبی، معماری و کاربری، پژوهشگر حاضر، مقولات زیر را در کنار مقولات گوناگون و مرسوم، پیشنهاد می‌نماید:

* واژه‌شناسی

* سفال‌شناسی

* سکه‌شناسی

* دین‌شناسی

* فراوانی نبردها در دوره‌های تاریخی آمل.

رابطه‌ی واژه‌شناسی با قلعه‌شناسی

دقت در نام‌واژگان برخی از آبادی‌ها و قلاع و ریشه‌یابی آنها، رهنمون این نکته است که این واژگان مربوط به دوران خاصی از تاریخ مازندران و با آمل بوده است و با استناد به این واژگان قدمت تقریبی قلاع تعیین خواهد شد.

واژگانی هم چون: کاس، آمارد یا مرد یا مر، مهر، اردشیر، مازیار، امام، کافر و ... که هر کدام در نامواژگان برخی از قلاع آمل به گوش می‌رسد. این واژگان راهنمای قدمت و پیشینه‌ی قلاع خواهد بود که در جای خویش بدان پرداخته می‌شود.

رابطه‌ی سفال‌شناسی با قلعه‌شناسی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای که به وسیله‌ی آن می‌توان سابقه‌ی زندگی و تمدن‌ها را تخمین زد، سفال‌ها می‌باشند. در برخی از نقاط شهر و آبادی‌های آمل، با اندک حفاری به انواع سفال می‌توان دست یافت. برای تعیین نوع و دوره‌های کاربری قلاع در آمل، نیازمند اطلاعات درباره‌ی سفال‌های موجود و مکشوف در بستر و اطراف هر یک از آن‌ها می‌باشد. «اگر سفال را به عنوان وسیله‌ای برای تعیین یک گاه‌نگاری نسبی با برقراری تسلسل فرهنگی مد نظر قرار دهیم، بدیهی است که باید توجه خویش را به شناخت گونه‌های مختلف سفال متمرکز کنیم. (علی یاری و غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۴۹). بنابراین کاوش‌های تخصصی، علمی و گروهی بر روی سفال‌های داخل و اطراف هر یک از قلاع می‌تواند تا حدی قدمت و پیشینه‌ی قلاع را تخمین زد.

«در استان مازندران، حدوداً سه هزار سال، سفالگران به فرهنگ و تمدن این مملکت خدمت کرده‌اند. کناره‌ی دریای مازندران (خزر) به نام اولین

قومی است که در آن قوم، کار سفال انجام گرفت؛ اولین قومی که سفال را شروع کردند، کاسپین‌ها بودند.^{۱۷} (غلامی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۰۷. به نقل از گلدوست، گلدوست).



سفال‌های ابتدایی در قلعه چلاو.

«مشخص‌ترین نوع سفالگری در دوره‌ی معروف به عصر مس و سنگ به رنگ‌های قرمز و زرد نخودی منقوش شده به رنگ سیاه و یا با طرح‌های هندسی که بیشتر به شیوه‌ی هاشور زنی هستند، دیده می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد پیشینه‌ی سفالگری منقوش در ایران به حدود هزاره‌ی پنجم پ.م باز می‌گردد که با استفاده از نقوش جانوری و هندسی نقاشی شده

^{۱۷}- در تایید این ادعا باید با احتیاط برخورد کرد، زیرا برای اثبات آن نیازمند کاوش‌ها و پژوهش‌های گسترده و تخصصی‌می‌باشد.

است. «تسلیجی، نیکویی، منوچهری، ۱۳۹۵: ۳». در تصویر زیر نمونه‌ای از این نوع سفال‌ها مشاهده می‌شود.



تصویر نمونه‌ای از سفال‌های قرمز هاشور زده. (محل کشف: روستای پرن، ۱۳۹۸/۸/۱۲ ش)

مهارت مردم قرون گذشته‌ی این شهرستان به خصوص دوره‌ی اسلامی، در ساخت سفال، باستان شناسان و سفال شناسان را بر آن داشت که سفال‌های این شهر را به نوع و گونه‌ی خاص معرفی کنند و در تقسیم بندی سفال‌های ایران از نوع «سفال آمل» نام ببرند.



نمونه سفال‌های ابتدایی از نوع سفال آمل. (محلّ مشاهده: روستای بلیران).



تصویر دسته‌ی کوزه‌ها. (محلّ مشاهده: روستای پرن).

سفال‌های نوع آمل، شکل تکامل یافته‌ی سفال‌های ابتدایی این شهر بوده که با پیشرفت ابزار سفالگری، نوع طراحی، رنگ‌آمیزی رشد بیشتر و

بهتری را به خود اختصاص داده است. «گمانه‌های اولیه‌ی انجام شده باستان‌شناسی در محوطه‌ی روستای «قلعه‌کش»^{۱۸} آمل، شامل سفال‌های دست‌ساز و چرخ‌ساز، مربوط به دوران مس سنگی با سفال، مفرغ و آهن دوره‌ی تاریخی و اسلامی است.» (امیرکلایی، ۱۳۸۹: ۸۱).



تصویر سفال سوراخ دار^{۱۹}. (محل مشاهده: روستای پرن).

هر چند سفال‌های نوع آمل با سفال‌های سایر بلاد ایران از جمله نیشابور، جُرجان و ری شباهت دارد، اما در نوع هاشور زنی، جنس خاک و میزان پخت با سفال سایر نقاط، تفاوت قابل محسوسی مشاهده می‌شود.

^{۱۸} - یکی از روستاهای دابو دشت، دهستان دشت‌سر.

^{۱۹} - به نظر می‌رسد این سفال، قسمتی از یک رنده یا آبکش بوده باشد.



سفال‌های سیاه از نوع سفال آمل. (محل مشاهده: قلعه‌ی کاس. چا اوسر محله‌ی لیتکوه).
(۱۳۹۵/۸/۹ ه.ش.)

«در دوره‌ی اسلامی، سفال نقاشی شده، متعلق به دوره‌ی سامانی، در نواحی غربی ایران و بیشتر در آمل و ایالت مازندران یافته شده است که سه نمونه‌ی آن در موزه‌ی «متروپولیتین» نگهداری می‌شود. بسیاری از ظروف آمل از نظر شکل و ساخت و طرز پایهی آن، حاکی از تکامل صنعت سفال‌گری هستند و باید آن‌ها را متعلق به قرن دهم میلادی دانست. در بعضی موارد به خصوص وقتی که طرح تزئینی ظروف اسلوب سلجوقی دارد، تاریخ آن را باید قرن دوازدهم میلادی به شمار آورد.» (آذر دمیچی، ۱۳۵۳: ۳۰).



پایه‌ی کاسه‌ی سفالی آمل.^{۲۰} (محلّ مشاهده: محوطه‌ی قلعه‌ی «کن کاس کتی» لیتکوه)

بیشترین فراوانی سفال‌های نوع آمل از لحاظ بن مایه‌ی رنگی، متعلق به رنگ سرخ حاصل از پختن گل می‌باشد. به کارگیری رنگ قرمز، سنت به جا مانده‌ی رنگ‌آمیزی دوران اوّلیه‌ی ساخت سفال‌ها در این شهر بوده است. در دوره‌ی اسلامی این سنت ادامه داشت تا به امروز بر حفظ این سنت پایداری ورزیده شد.

^{۲۰} این قطعه سفال از طرف جناب شهرام محمدی ساکن روستای سنگ‌کوبی به نویسنده‌ی کتاب اهدا شد.



نمونه‌ی سفال‌های قرمز آمل. (محلّ مشاهده: محوطه‌ی قلعه‌ی چلاو.)

«در دوره‌ی آل بویه، نوعی ظروف مشهور به گبری یا «شاملوه» تولید می‌شد که خمیر آن قرمز رنگ و دارای لعاب گلی غلیظ، دارای تزئینات نقش‌کنده بوده و با لعاب سربی به رنگ‌های سبز و زرد پوشانده می‌شد.

نقوش این سفال‌ها شامل گیاهی، هندسی، انسانی، حیوانی و اشکال ظروف آن کاسه، بشقاب، تنگ و مراکز ساخت آن زنجان، گروس، آمل، ساری و جرجان بوده است. تزئینات ظروف سفالین شاملوه با تزئینات فلزکاری و سفالگری ساسانی قابل مقایسه است.

سه نوع دیگر از ظروف نقش‌کنده در دوره‌ی سامانی شامل ظروف نقش‌کنده‌ی معروف به آمل، نقش‌کنده و لعاب‌پاشیده و ظروف معروف به

«آق‌کند» هستند. نوع سفال ساده معروف آمل، دارای تزیینات به صورت خطوط کنده، هاشورهای متقاطع، تزیینات طوماری شکل با نوشته‌ی خط کوفی، پرنده و حیوانات خیالی و لعاب شفاف سبز و زرد می‌باشد. (شاهسوارانی، صفاکیش، ۱۳۹۴: ۳).

نتیجه‌ی بحث

تلفیق مطالب فوق با نتایج تحقیقات پژوهشگر این کتاب در بررسی‌های میدانی و مشاهدات سفال در بستر و اطراف قلاع آمل به عمل آمده است، چنین نتیجه به دست می‌آید که بیشترین سفال نوع آمل در دوران پیش از اسلام و در دوره‌ی اسلامی، به خصوص در عصر سامانیان (۳۹۵-۵۲۶ ق) «آل بویه» (۴۴۷-۳۲۰ ق) در قلاع بخش‌های لیتکوه و دشت سر، چلاو و لاریجان مشاهده شد و کمتر در قلاع بخش دابو و هرازپی سفال‌های نوع آمل وجود داشت.

«بیشتر سفال‌های به دست آمده در لیتکوه آمل، از نوع سفال «اسگرافیاتو» می‌باشد. این نوع سفال‌ها دارای نقش و نگارهای بسیار جالب و زیبا می‌باشند که در هنگام تخریب و تسطیح جنگل «درزی دشت ۱»، توده

^{۲۱} - درزی دشت: جنگلی وسیع، حدود دویست هکتار با انواع درختان میان روستاهای سنگ‌کوبی، سانج محله، آغوزین، درز، انچه‌پل و شیرکاج قرار داشت که با توجه به نوع سفال‌ها، فلزات و قیور کشف شده در این جنگل، هنگام تخریب و تسطیح سطح آن در سال ۱۳۵۶ ه.ش محتمل است، این مکان در دوران بسیار دور دارای سکونت بوده باشد.

توده، سفال‌های نوع اسگرافیاتو به صورت شکسته و کامل از زیر خاک بیرون آمده‌اند.» (محمّدی لیتکوهی، ۱۳۸۶: ۴۰).

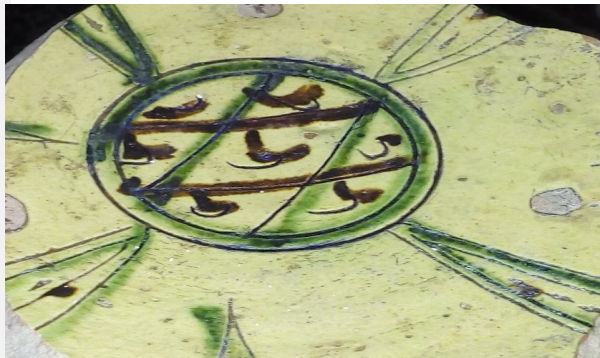
«رواج و تهیّه کلان این گونه سفال‌ها در اواخر قرن چهارم، در نواحی جنوب دریای مازندران و نیز حوزه‌ی آذربایجان مرسوم گردید. شناخته‌ترین نوع آن، سفال آمل در صنعت سفال‌گری شهرت یافته است.» (موسوی، ۱۳۷۲: ۱۳۶).

در ارائه‌ی سند برای تایید مطالب فوق و انگاره‌ی رواج و ساخت سفال در آمل، باید گفت تا به امروز در روستای «هسته‌پا»^{۲۲} یکی از روستاهای شهر چمستان در نزدیکی و غرب آمل، انواع سفال و تنوره‌های نان به صورت گلی و سفالی پخته و ساخته می‌شود که ادامه‌ی سنت سفالگری آماردها است.

^{۲۲} - این روستا در سمت غرب آمل و شرق چمستان و در بخش «میان‌رود» شهرستان نور قرار دارد و خاک این روستا و اطراف آن برای ساخت سفال بسیار مناسب می‌باشد؛ پخت و ساخت سفال از قرون گذشته تا کنون در این روستا رواج داشته است. رواج صنعت سفالگری در این آبادی سبب گردید که در زمان سجددهی نام خانوادگی «کوزه‌گر» به برخی از ساکنین این روستا اطلاق شود؛ قابل ذکر است، خاستگاه اژله‌ی کوزه‌گران این آبادی، روستای کوهستانی «کالج» رویان بوده است. هنوز صنعت سفالگری در این روستا هر چند کم رنگ رواج دارد و ساکنین شهرهای آمل و نور برای تهیّه و خرید ظروف سفالی ساده و به خصوص تنوره‌های گلی و سنتی به این روستا مراجعه می‌کنند. نام این روستا در فرایند فارسی نویسی از «هسته‌پا» به «هم صفا» تغییر یافته است. برخی نام این آبادی را «هسته‌فا» هم تلفظ می‌نمایند. «پا» یا «فا» در فرهنگ واژگان مردم آمل و نور به معنی باغ و گردشگاه می‌باشد.



سفال نوع آمل. (محلّ مشاهده: روستای خشک رود لیتکوه)



سفال نوع آمل. (محلّ مشاهده: قلعه‌ی کن کاس کتی لیتکوه.)



مجموعه نمونه سفال‌های آمل مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی

(۱۳۹۵/۸/۹، ش.)

(محل مشاهده: قلعه‌ی چا او سر / قلعه‌ی کاس)

با توجه به گزارش دیگر پژوهشگران و داده‌های سفال‌شناسی و تحقیقات میدانی از وضعیت و نوع سفال‌ها در اطراف و بستر قلاع آمل، این نتیجه به دست خواهد آمد که قدمت برخی از قلاع آمل به زمان‌های بسیار دور و به همان دوران ابتدایی ساخت سفال‌ها می‌رسد و این نتیجه به دست می‌آید که مشاهده سفال‌های ساده در بستر و اطراف قلاع آمل، هم چون قلعه‌ی چلاو، پیل تپه‌ی خشواش و پرن بیانگر آن است که مردم این دیار برای دفاع از حمله‌ی بیگانگان و حفظ جان خویش به طور دسته جمعی در استحکامات نظامی مانند قلاع، زندگی جمعی داشته‌اند، هم چنین وجود

سفال‌های ادوار مختلف در بستر یک قلعه، بیانگر نوع کاربری و به کارگیری دفاعی و نظامی آملی‌ها از یک قلعه در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است.

پیشنهاد

با توجه به گزارش‌های فوق به این نتیجه دست یافته می‌شود که برای قدمت‌یابی قلاع در هر منطقه، نیازمند به اطلاعات از سفال‌های موجود و مدفون در داخل یا پیرامون قلاع بوده و با توجه به اهمیت این موضوع، به شهروندان پایبند و علاقمند به تاریخ و فرهنگ دیار و سرزمین اجدادی، پیشنهاد می‌شود از جا به جایی سفال‌ها، فلزات، فسیل‌ها و هر نوع مدرک و آثاری را که بتوان از طریق آن، قدمت، نوع کاربری و فرهنگ قلاع نشینان را تخمین و یا کشف نمود، خودداری نمایند. چرا که «باستان‌شناسان امروزی تنها به فکر پیدا کردن اشیاء ذی‌قیمت، زیبا و تبلیغاتی نیستند، بلکه آن‌ها سعی می‌کنند، قطعات به ظاهر بی‌مصرف را ثبت کنند و از آن‌ها آمار بگیرند و درباره‌ی آن‌ها به مطالعه بپردازند.» (علی‌یاری، ۱۳۸۱: ۲۴۷).

رابطه‌ی سکه شناسی با قلعه‌شناسی

سکه‌ها همانند سفال‌ها، شاید دقیق‌تر از آن، یکی از ابزار شناسایی فرهنگ، دین، اقتصاد و تاریخ دوران حکومت‌ها و فرمانروایان می‌باشد. «سکه‌ها از طرفی تاریخ دقیق یک حکومت یا تمدن است و از طرف دیگر بیانگر

نقاط تاریک تاریخی است که حقایق آن بر ما پوشیده است.» (کیانی و کرمان، ۱۳۹۶: ۳).

تحقیقات و پژوهش‌ها، درباره‌ی سکه‌های آمل، بر خلاف سفال‌شناسی، کمتر انجام گرفته است و اطلاعات درباره‌ی سکه‌های این شهر اندک می‌باشد.^{۲۳}

«از جمله مواردی که بر اساس آن می‌توان، وضعیت قدرت و یا ضعف اقتصاد پولی حکومتی را ارزیابی کرد، میزان موجودی خزانه‌های حکومتی و تغییرات ایجاد شده در نظام پولی به خصوص سکه‌های هر دوره می‌باشد.» (سعادت‌ی و ناصری صومعه، ۱۳۹۷: ۳۰).

برخی بر آن باورند که در گذشته، قلعه‌ها به منزله‌ی بانک‌ها و یا مراکز محافظت پول و سکه کاربرد داشته است؛ بنابراین یکی از عوامل تخریب قلاع، کند و کاوهای است که افراد سودجو به منظور دست یافتن سکه‌ها انجام دادند.

«پس از سقوط دولت ساسانی و کشته شدن یزدگرد سوم، آخرین شهریار ساسانی در مرو به سال (۶۲۵ م) ضرب سکه‌های ساسانی در شمال ایران به

^{۲۳} - به نظر نویسنده، یکی از دلایل کمی پژوهش سکه‌شناسی در این شهر، ناشی از عدم دسترسی پژوهشگران به سکه‌ها می‌باشد. به جهت بر اهمیت بودن سکه‌ها از بُعد اقتصادی و نیز محدودیت‌های قانونی، دارندگان سکه‌ها، تمایل نخواهند داشت تا آن‌ها را در اختیار پژوهشگران قرار دهند.

وسیله‌ی یکی از خاندان‌های بزرگ محلی به نام «گاوبارگان» ادامه یافت.» (خلیلی: ۷). بازماندگان و وارثان حاکمان ساسانی در مازندران، به خصوص در شهر آمل به علت دور بودن از تیر رس خلفای اسلامی، تا مدت‌ها با آسودگی خاطر به فرمانروایی خویش هر چند در گستره‌ی اندک ادامه می‌دادند و برخی از این حاکمان به ضرب سکه نیز می‌پرداختند به همین خاطر در بررسی‌های سکه‌شناسی در دوران اسلامی ایران، سکه‌هایی از ساسانیان مشاهده می‌شود.

«بعد از اسلام تا مدت‌ها در ممالک ایران و روم در متصرفات اسلام، سکه‌های ایرانی و رومی متداول بود، ولی به تدریج، حُکام اموی و سپس عدّه‌ای از حُکام عبّاسی به ویژه حُکام تبرستان با حفظ شکل اصلی سکه‌های دوره‌ی ساسانیان به دور سکه، کلماتی هم چون «الله، الله ربّی، لا اله الا الله، محمّد رسول الله و...» را به خط کوفی اضافه کردند؛ هم چنین عدّه‌ای از آنان، اسامی خود را نیز بر روی سکه و مقابل تصویر خسرو دوم که در روی تمام سکه‌ها بوده به کوفی و گاهی به پهلوی ضرب می‌کردند.» (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۹۳).



تصویر سکه‌ی اسلامی در مازندران. (منبع: سایت باشگاه خبرنگاران)

«بعد از فتح اسلام، زبان و خط پهلوی در مازندران، بیشتر از سایر نقاط ایران، متداول و مستمر [رایج] بوده و چنان چه، بعد از آن که در سکه‌های تمام بلاد ایران، خط عربی جایگزین خط پهلوی شده بود، هنوز در سکه‌های مازندران، خط پهلوی باقی مانده است.» (میرجعفری، ۱۳۸۳: ۲۰).



شرب سیال ۶۰ امپهیدی



ضرب سال ۷۶ اسپهبدی



ضرب سال ۸۶ اسپهبدی



ضرب سال ۹۰ اسپهبدی

«جنس سکه‌های تبری از نقره و برنز و عمدتاً از جنس نقره هستند. بر روی سکه‌ها، تصویر خسرو دوم [پرویز] فرمانروای ساسانی در حالی که به سمت راست می‌نگرد، نقش گردیده است.» (همان: ۸).



سکه‌های ساسانی با تصویر خسرو دوم.

با ورود حُکام عرب به مازندران و استیلاء بر مناطق وسیع تبرستان و فرو نشانیدن گروه‌های بومیِ مخالف، برخی از حُکام عرب در گستره‌ی فرمانروایی خویش به ضرب سکه‌های اسلامی با ذکر نام خویش نمودند.



نمونه سکه‌های آمل.

«قدیمی‌ترین سکه‌هایی که از عهد حُگام عرب در مازندران به دست آمده است، درهم‌هایی است از سال‌های ۱۰۲ تا ۱۴۷ هجری قمری^{۲۴} به نام حاکمی موسوم به «روح بن حاتم» و سپس سکه‌هایی است از مس، مربوط به سال‌های ۱۴۵ و ۱۵۷ و در زمان حضور «عمر بن اعلاء». (مشکور، ۱۳۷۸: ۷۰۶). شهر آمل یکی از ضرابخانه‌های دروهی حکمرانی روح بن حاتم و عمر بن اعلاء بوده است.



نمونه‌ی سکه‌های آمل. (منبع: کانال تلگرامی آمل زیبا)

^{۲۴} - با دقت در تاریخ این سکه‌ها، می‌توان اذعان داشت که مازندران قبل از سال ۱۰۲ هجری تحت تصرف حاکمان عرب بوده است، در حالی که «میر ظهیر الدین» مرعشی معتقد است: آمل در سال (۱۳۷ هجری) به دست مسلمین افتاد و ابن اسفندیار سال (۱۴۰ هجری) را زمان تصرف آمل توسط مسلمانان می‌داند.



درهم‌های تبری مربوط به عصر دابویان آمل، دادمهر. (۷۲۰ میلادی-۷۳۲ میلادی). منبع عکس: کانال تلگرامی اطلاع‌رسانی آمل.

از شواهد تاریخی بر می‌آید، در شهر آمل در دوره‌های مختلف تاریخی، سکه ضرب می‌شد و «علامت (ام) [درست تر اُم] بر روی برخی سکه‌ها، بیانگر شهر آمل می‌باشد»^{۲۵}. (رضایی، ۱۳۹۷: ۳). کشف سکه‌های دوره‌ی

^{۲۵} شرحی بر « نام اموی بر سکه‌های ساسانیان»:

پادشاهان ساسانی حرف اول نام ضرابخانه را بر سکه‌ها ضرب می‌کردند و فقط در موارد استثنایی نام درست ضرابخانه ابر روی سکه ضرب می‌گشت. «مرداتمان» در مورد سکه‌ای با نام ضرابخانه «م وی» صحبت می‌کند که آن سکه سال پنجم خسروی هفتم است، لیکن به تحقیق تاریخ آن توفیق نیافته است (بود). «مورگان» در مقاله‌ی خویش در مورد ضرابخانه‌های ساسانیان به این سکه اشاره می‌کند و حرف‌های آن را چنین خوانده: «م وی».

گوید: «ین امویی ام وی ا شهریست نزدیک ارومیه (رضائیه) و امل جیحون نیست.» «فریدون جی پاراک» به این سکه اشاره کرده و گوید: «آن سکه‌ی پنج خسرو اول و نام ضرابخانه‌ی امویی است و مورگان آن را درست خوانده است. هفت سکه‌ی دیگر با ضرب «م» پیدا شده که از ضرابخانه‌ی آمل تبرستان است.» (جیوانجی و جی مد: ۱۴۵: ۱۹).

ایلخانان در روستای شحنه کلای دشت سر بیانگر تاریخ پر رونق آمل در این عصر می‌باشد.^{۲۶}

نتیجه گیری

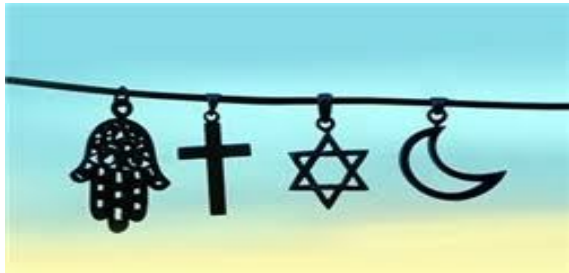
آشنایی با سکه‌های تبرستان در ادوار مختلف تاریخی، چنانچه سکه‌ای در داخل یا اطراف قلعه‌ای کشف شود، بررسی آن سکه می‌تواند قدمت و دوره‌ی تاریخی آن قلعه و بسیاری از سوالات پژوهشگران را پاسخ دهد. بنابراین سکه‌ها به دلیل روشن بودن و درج تاریخ و تصویر شاهان و شاهک‌ها، جنس و نوع خطوط به کار گرفته شده، می‌تواند یاریگر مطمئنی برای باستان‌شناسان و قلعه‌شناسان باشد.

اما در مورد ارتباط سکه‌شناسی با قلعه شناسی آمل باید گفت: پژوهشگر حاضر فقط به دو مورد از سکه‌های آمل دسترسی داشته است که آن هم نه در بستر قلاع، بلکه در محیطی خارج از آن [موزه‌ی آمل] که این موضوع نمی‌تواند رهنمای خوبی برای قلاع شناسی آمل باشد.

^{۲۶} - در موزه‌ی آمل چند نمونه از سکه‌های این دوره به نمایش گذاشته شده است.

دین‌شناسی مردم آمل و ارتباط آن با قلعه‌شناسی

دین‌شناسی هر شهر و منطقه می‌تواند در موضوع قلعه‌شناسی به پژوهشگران کمک نماید. با شناسایی و شناخت ادیان مردم شهر آمل، می‌توان از قدمت، نوع معماری و کاربری قلاع این منطقه آگاهی یافت.



تصاویر نمادهای ادیان ایرانی

مردم آمل در ادوار تاریخی، پیرو ادیان و مذاهب گوناگونی بوده‌اند؛ از بررسی آداب، سنن، باورهای مردم این شهر و نامواژگان مراتع، آبادی‌ها، قبور، چشمه‌ها و نهرهای آمل، چنین بر می‌آید که مردم این شهر پیرو دین «میترائی» و یا آئین «مهر» بوده‌اند؛ مراتعی هم چون: «مهر رُز»^{۲۷}، «کاسم مهر»^{۲۸}، «وارونا کاج»^{۲۹} و «اسپه هراز»^{۳۰} از نمونه مدارک قابل استناد به دین

^{۲۷} - مرتعی جنگلی در جنوب غربی آمل به معنی سرزمین خورشید.

^{۲۸} - مرتع جنگلی در جنوب غربی آمل. به معنی کلسی‌های مهر یا دیار مهر.

میتزائی مردم آمل می‌باشد.^{۲۹} در بسیاری از نقاط نام برده، به خصوص نقاطی که در ارتفاعات جنوبی و جنگلی شهرستان آمل قرار دارد، نشانی‌هایی از قلاع به چشم می‌خورد^{۳۰} و نیز می‌توان به فرض گفت که ارتفاع طبیعی این نقاط، موضوع امنیت بخشی و دیده‌بانی‌ها را برای پیروان دین میتزائی تامین می‌نمود.



نماد مهرپرستان ایرانی

^{۲۹} - نام جنگلی در غرب آمل و روستای «چالی کی» لیتکوه. «وارونا» الهی باران در دین میتزائی بوده است.

^{۳۰} - نه‌ری در روستای سوت‌کلای لیتکوه به معنی نهر سفید و پاک که در دین مهری، نهرهایی برای طهارت در نظر گرفته می‌شد.

^{۳۱} - برای اطلاع بیشتر از ادیان کهن مردم آمل به مقاله‌ی «بازیابی نشانگان آئین مهرپرستی و زرتشتی در نقاط جغرافیایی آمل، با پژوهش رشید محمدی لیتکوهی، در دو فصلنامه‌ی «فصل فرهنگ، سال دوم، شماره‌ی سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ه.ش، مرکز آموزش عالی علمی- کاربردی فرهنگ و هنر آمل، مراجعه شود.

^{۳۲} - به نقل از جناب عباسعلی محمدی و دبیر تاریخ جناب مصطفی منفرد، (۲۲ / مرداد / ۱۳۹۸ ه.ش)

هم چنین یکی از مواردی که پژوهشگران را کمک خواهد کرد، درباره‌ی ادیان مردم شهر آمل، اطلاعاتی به دست آورند، قبور می‌باشد. نحوه‌ی تدفین مردگان هر یک از ادیان با هم تفاوت داشته و بیشتر قبور و نقاط تدفین عصر باستان آمل را باید در ارتفاعات و صخره‌های دستکند جستجو کرد. در دوره‌های بعد، تدفین در دره‌ها، گودال‌ها و دخمه‌های طبیعی و دستکند هم انجام می‌گرفت. علی‌یاری و غفاریان در این باره گزارشی می‌دهند: «تدفین، معمولاً در گودال‌های ساده، درون تابوت گاهی در ساختارهای پر کارتر انجام می‌گیرد، اما متداول‌ترین آن‌ها به ویژه در دوران‌های پیش از تاریخ، در گودال‌های کم عمق و ساده بوده است.» (علی‌یاری و غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

تدفین در عصر باستان مراحل و اشکال گوناگونی به خود گرفت و از گودال‌ها به ارتفاعات پیش رفت. بنابراین نحوه‌ی دفن و ساختار قبور بیانگر نوع آئین و مذهب هر دوره می‌باشد.

«آماردها، پس از سکونت آریایی‌ها، دین مزدیسنی^{۳۳} را پذیرفتند» (مشکور، ۱۳۷۸: ۷۰۳) و این انگاره که دین میتراپی^۱ و زرتشتی تا مدت‌ها پس از تصرف اعراب مسلمان به تبرستان و آمل هر چند کم رنگ در این دیار رواج داشت، قابل توجه است.

^{۳۳} - مزدیسنی دین اصلاح‌شده‌ی زرتشتیان بوده است.

چنانچه بسیاری از آداب و رسوم شهر آمل از جمله: درود فرستادن بر روشنایی و نور، اعتقاد به انتقال ارواح بشری به حیوان مثل پروانه، تقدس برخی از درختان مانند شمشاد و... نمونه‌هایی از بازماندگان آداب دین مهری و زرتشتی و تایید رواج این ادیان در آمل می‌باشد؛ اما از زمان روی کار آمدن داعیان اسلام به خصوص از زمان علویان در قرن سوم هجری، سبب پیدایی نوعی از ترکیب جمعیت مذهبی در میان مردم آمل شده است که اجازه‌ی حضور و جولان پیروان ادیان دیگر به صورت گسترده داده نشد و مذهب «تشیع» به عنوان یگانه مذهب مورد قبول مردم این شهر محسوب شده و این موضوع در زمان مرعشیان، در قرن نهم و بعد از آن بیشتر نمایان گشت.

آمل از جمله شهرهایی بود که فرقه‌ی «اسماعیلیان» در آن فعالیت می‌کردند، نقاطی مانند: «امام قلعه» و «کافر قلعه» در نزدیکی روستای درویش خیل و قلعه‌کش، مخفیگاه و اقامتگاه‌های اسماعیلیان در آمل بوده است.

در دوره‌ی قاجار که استعمارگران به جهت اختلاف مردم ایران، دست به دین‌سازی و مذهب‌بازی زده‌اند؛ ترکیب جمعیتی آمل که برخاسته از یک وحدت قومی و عرق مذهبی بود، آن چنان فرصت پاگیری ادیان نوظهور را نداده است. هم چنین ادیان الهی دیگر به غیر از اسلام هم نتوانسته است

به جهت ساخت بندی پیکره‌ی جمعیت و نوع ساختار باورهای مذهبی مردم این شهر و تعمیق باورهای دینی- مذهبی میدان ظهور پیدا کند.

سعیدی شاهاندشتی^{۳۴} در این خصوص می‌نویسد: «در آمل فرقه‌ها خود را می‌باختند. بدین جهت ادیان یهود و عیسوی نتوانستند پا بگیرند. در نتیجه راه‌گریز یا انزوا را انتخاب می‌کردند.» (سعیدی شاهاندشتی، ۱۳۹۱: ۴۱).

گزارش شفاهی مردم این شهر، حکایت از آن دارد، امروزه تعداد انگشت شماری از پیروان ادیان و مذاهب دیگر مانند مسیحی، زرتشتی بدون ابراز عقاید و انجام آداب دینی، به عنوان مهاجرین در این شهر زندگی می‌کنند که از آمار دقیق آنها، اطلاعی در دست نیست.

نتیجه‌ی بحث

از نتایج دین‌شناسی مردم آمل و تلفیق آن با نتایج بررسی‌های به عمل آمده از قلاع آمل، باید گفت قلعه‌هایی که در عصر پیش از اسلام بنا گردیده است، نام آن‌ها می‌تواند برگرفته از نوع ادیان رایج بوده باشد. قلعه‌ی «وارونا» در جنگلی به همین نام در نزدیکی روستاهای خشک‌رود، تلیران و چاله‌کی لیتکوه، بیانگر این مطلب است که قدمت این قلعه به دوران مهرپرستی مردم آمل مربوط می‌شود و یا بررسی دو قلعه‌ی «کافر» و «امام»

^{۳۴}- ناصر سعیدی شاهان دشتی (۱۳۹۹-۱۳۱۲ خورشیدی) از پیشکوتان آموزش و پرورش آمل، دبیر جامعه‌شناسی و پژوهش‌گرحوزه‌ی جامعه‌شناسی تاریخی و مولف چند عنوان کتاب.

در نزدیکی روستای قلعه‌کش دشت‌سر می‌توان به این نتیجه دست یافت که دو واژه‌ی امام و کافر یادآور دوران اسلامی شهر آمل بوده است و این قلاع به طور حتم در دوره‌ی اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت، هر چند تحقیقات نشان می‌دهند قدمت این قلعه به دوران دورتر از پیدایش اسلام در این شهر می‌رسد.

رابطه‌ی بین نبردشناسی و قلعه‌شناسی آمل

آمل به جهت اهمّیت از لحاظ گوناگون، همواره در طول تاریخ، مورد توجه پادشاهان سلسله‌های مختلف و یا شاهان بومی مازندران بوده است و حوادث گاه خوشایند و گاه ناخوشایند را به چشم دیده است. بنابراین جهت دستیابی و تصرف این شهر، نبردهای گوناگونی انجام گرفت. این نبردها تاثیر و نقش مهم و مستقیمی را با ساختار، نحوه و شیوه‌ی تدافعی مردم و نظامیان این شهر داشته است. در این میان قلاع، یکی از مهم‌ترین مطمئن‌ترین وسیله‌ی دفاعی و تامین امنیت مردم هر شهر و روستا بوده است.

ریشه‌ی پیدایی برخی از آبادی‌های آمل با جنگ و نبرد همراه می‌باشد؛ به عنوان مثال می‌توان آبادی «حاره» [هاره] در امیری لاریجان اشاره کرد. «حاره یا هاره در زبان آرامی به معنی «اردوگاه» جنگی می‌باشد.» (دریایی،

۱۳۸۸: ۷۰). وفور قلاع در این بخش از لاریجان تایید کننده اهمیت نظامی منطقه است.

بنابراین برای تبیین و شناسایی قلاع آمل به تعدادی از مهم‌ترین نبردهای تاریخی مردم این شهر با مهاجمین اشاره خواهد شد:

نبرد اسکندر مقدونی با آملی‌ها

اسکندر مقدونی در سال (۳۳۰ پ.م) وارد خاک مازندران و بنا بر نشانی‌های منابع تاریخی، وارد سرزمین آمل شد؛ در این زمان، هیچ یک از سران و سرداران مازندران به استقبال او نرفتند و بدین طریق، اعلام داشتند که سروری و پادشاهی اسکندر را نمی‌پذیرند.

اسکندر به «فرهاد اول» که ساتراپ مازندران بود، اعتراض کرد و گفت: «خیلی غریب است که یک مشت «مرد»^{۳۵}ها نمی‌خواهند مرا فاتح خوانند.» (برزگر، ۱۳۸۷: ۵۱).

سپس با تعداد زیادی از سپاهیان ورزیده و جنگجوی خود که به «هیپاس پیست»ها یا سرخ پوشان مشهور بودند، روانه‌ی آمل شدند و در این جنگ، فرهاد را نیز به همراه داشت.

^{۳۵} - منظور قوم «آمارد» است.

اسکندر بخش دشت و جلگه‌ی مازندران را به تصرف خود در آورد، ولی بخش کوهستانی و نقاط مرتفع این دیار را نتوانست به سیطره بگیرد؛ سرانجام چاره در آن دید، این بخش را به فرهاد که قبلاً ساتراپ مازندران بود، سپارد و مازندران را برای همیشه ترک نماید؛ اما برخی از منابع اذعان می‌دارند «دو طایفه‌ی «تاپور» [تپور] و «آمارد» به دست اسکندر مقدونی شکست خوردند.» (میرجعفری، ۱۳۸۳: ۱۹). ولی داده‌های تاریخی این نتیجه را ارائه می‌دهند که آماردها و مردم آمل از اسکندر، شکست نخوردند و این برداشت نادرست برخی افراد از آن جا نشأت می‌گیرد که اسکندر برای غلبه بر آملی‌ها و تصرف این دیار دستور داد که تمامی جنگل‌های جنوبی شهر آمل را به آتش بکشند تا از این طریق، بتواند مردم پناه گرفته در بیشه‌زارها و جنگل‌های میان‌بند و کوهستانی را به اسارت خویش درآورد و یا آنان را نابود کند؛ بنابراین سران نظامی آملی، صلاح در آن دیدند تا این پناهگاه طبیعی، برای همیشه باقی بماند و نیز جهت جلوگیری از کشتار مردم، پیکی به نزد اسکندر و فرهاد - ساتراپ تبرستان - فرستادند تا مذاکراتی با اسکندر نمایند؛ در این مذاکره، بنا بر آن شد که اسکندر، اسب معروف خویش، «بوسفال»^{۳۶} را که به غنیمت آملی‌ها در آمده بود، پس بگیرد و بدون وقفه و خونریزی این دیار را ترک نماید؛ در واقع این

^{۳۶} - «بوسفال» نام اسب مورد علاقه‌ی اسکندر مقدونی می‌باشد.

مذاکره، نوعی امنیت‌گیری و پیروزی برای آملی‌ها در مقابل اسکندر مقدونی و سربازان خون‌آشام او محسوب می‌شود.

از تلفیق گزارش‌ها و روایات افراد آگاه با داده‌های تاریخی، می‌توان این انگاره را پیش کشید که اسکندر در روستای «نِشیل» یا «نی شیل» با آملی‌ها جنگید و در این منطقه، به خاطر برف و سرمای شدید، نفس سربازان او به بند آمد و مجبور به ترک دیار مازندران شد. به نظر می‌رسد این جنگ در مرتع^{۳۷} «اسکندر بند» روستای نِشیل رخ داده باشد و نیز این انگاره که آبادی «ورژنه»^{۳۸}ی بندپی بابل که در نزدیکی روستای نِشیل قرار دارد، نام خویش را از «برزن»^{۳۸} یکی از سرداران اسکندر مقدونی گرفته باشد، قابل طرح است.

^{۳۷} - در مناطق کوهستانی آمل به قطعاتی از اراضی و چراگاه‌ها که مساحت آن متغییر است، مرتع گفته می‌شود، ولی در مناطق جلگه‌ای آمل به قطعاتی از اراضی کشاورزی که معمولاً مساحت آن ۶ هکتار است، گوشته گفته می‌شود. (محمدی لیتکوهی، ۱۳۸۶: ۱۰) و نیز در این بخش آیش به زمین شالیزار بعد از درو را می‌گویند. (به نقل از نادعلی فلاج) اما برخی نوشته‌اند: «آیش به معنی عدم کشت هر محصولی در یک قطعه زمین به مدت یک یا چند فصل زراعی است.» (سادات اسمعیلان، ۱۳۹۰: ۳۵۴)

^{۳۸} - این شخصیت با «آریو برزن» سردار معروف دوره‌ی هخامنشی فرق دارد.

نداشتند و به اصطلاح امروزی، می‌توان گفت: نبرد بین آملی‌ها [آماردها] با اشکانیان، نوعی «جنگ ادیان» بوده است؛ بنابراین به گزارش مورخان، اولین نبرد مردم آمل با اشکانیان در زمان «اشک سوم» رخ داده است؛ در این نبرد، آماردها یا مردم آمل شکست خوردند و تسلیم حکومت مرکزی ایران، یعنی اشکانیان شدند.

از نبردهای دیگر مردم آمل با اشکانیان، مربوط به زمان «اشک پنجم» یا «فرهاد اول» می‌باشد. «فرهاد اول، بعد از پدر به تخت نشست و [مردم] پارت در زمان او به حرکت در آمدند. توضیح این که فرهاد، اسلحه‌ی خود را به طرف مردم مارد [آمارد] متوجه داشت. در باب این مردم، بعضی محققین، این افراد را از بومی‌های این صفحه، قبل از آمدن آریان‌های ایرانی به ایران می‌دانند و محلّ سکناى اینان، چنین به نظر می‌رسد که بین «کادوسیان» و «تپوری»ها بوده است؛ یعنی از رود آمل یا «آزار» و یا «هَرهَر»^{۴۱} [هَرهَر] به طرف مغرب، مثلاً تنکابن کنونی این مردم فقیر، ولی جنگجو بوده‌اند.

^{۴۱} - «هَر» در اوستا به معنی «جستن» و جهیدن آمده است. (پور داود، ۱۳۸۱: ۹۲).

به طور حتم، از آن جایی که این نهر بسیار پر آب و جهنده بوده است به نام «هَر» و به جهت تاکید بر جهندگی آن «هَرهَر» نام گرفت. امروزه نیز برای تاکید بر صفت و یا ویژگی چیزی، آن را دو مرتبه تکرار می‌کنند و در نقش قید حالت می‌آید، مانند: تند تند، کم کم، ریز ریز و ...



نقشه شماره (۶): قلمرو قوم آمارد یا امردان.

«ژوستن^{۴۲}» گوید فرهاد جنگ را به مملکت قومی نیرومند و شجاع برد.
 «آریان^{۴۳}» نوشته است: ماردها مردمی بودند بی بضاعت، ولی در کشیدن بار فقر و قحطی شجاع. «استرابون^{۴۴}» نام این مردم را «مارد» و «آمارد» نوشته است؛ از اینجا تصور می‌شود که نام آمل از اسم این مردم آمده است.
 (آمارد، آمالد، آملد و آمل)

^{۴۲} - یکی از مورخان اروپایی قرن دوم میلادی است که گزارش‌های تاریخی او درباره‌ی تاریخ باستان و پیش از اسلام قابل توجه می‌باشد.

^{۴۳} - لوسیوس فلاویوس آریان گزنفون (ح ۹۲-۱۷۵) فیلسوف و مورخ یونانی بود.

^{۴۴} - «استرابو» یا «استرابون» از تاریخ‌نگاران و جغرافی‌دانان یونانی بود که در کتاب جغرافیای خود به تمام اقوام و کشورهای شناخته شده عصر خویش پرداخته است.

جنگ فرهاد با مارددا چندین سال به درازا کشید؛ از این جا معلوم می‌شود، جنگ با این مردم سخت بوده است؛ از طرف دیگر، دیده می‌شود که سلوکی‌ها در این جنگ، هیچ دخالتی نمی‌کنند و حال آن که رسماً این صفحه، یکی از ایالات تابعه‌ی آنهاست.» (پیرنیا، ۱۳۴۴: ۱۹۵۳) و «فرهاد اول، آماردها را در منطقه‌ی آمل شکست داد» (مشکور، ۱۳۷۸: ۶۹۹).

پس از شکست دادن مردم آمل، او تعداد زیادی از آماردها را به «سمنان» و عدّه‌ای را نیز به «بخارا»^{۴۵} تبعید کرد و آملی‌های تبعید شده در بخارا به یاد موطن اولیه‌ی خویش، شهری به نام آمل در آنجا بنا نموده‌اند که در طول تاریخ به «آمل زم» و «آمل چارجوی» معروف است.

«اشک پنجم، مردهای تپورستان [ساکنان آمل] را مطیع خویش ساخت و آنان را وادار کرد که ابواب [ورودی‌های] بحر خزر را محافظت نمایند.» (رازی، ۱۳۷۹: ۴۴). روستای «اسک» و مرتع «اسک و ش»^{۴۶} لاریجان از یادگارهای دوران حُکمرانی اشکانیان در آمل می‌باشد؛ روستای اسک و مرتع اسک‌وش، نام خویش را از اشک [نام چندین پادشاه اشکانیان] گرفته که در گذر زمان به صورت اسک در آمده است.

^{۴۵} - پنجمین شهر بزرگ ازبکستان و مرکز استان بخارا است.

^{۴۶} - مرتعی در نزدیکی اسک که مراسم «ورف چال» در این مرتع بر پا می‌شود.

حمله‌ی مغولان به آمل

مغولان در پی دستیابی به سلطان خوارزمشاه و افراد خانواده‌ی او پس از متواری نمودن آنها، در مازندران به جستجوی او پرداختند و لاریجان از جمله از نقاطی بوده است که مخفیگاه افراد دربار خوارزمشاهیان محسوب می‌شد.

حمله‌ی برق‌آسای مغولان به ایران سبب گردید که شهرها هر یک به سهولت و سریع متروکه و مخروبه شود. هجوم مغولان به مازندران و آمل تلفات جانی و مالی فراوانی به همراه داشت و شاهک‌ها و خوانین مازندران را یارای مقابله با نیروهای مغول نبوده است و آنها به هر شهر یا دیاری پا می‌گذاشتند ساکنین آن جا را از دم تیغ خونین خود می‌گذراندند و شهرها را پس از کشتن ساکنین تخریب و به آتش می‌کشاندند. در چنین اوضاع و احوال بسیاری از قلاع شهر آمل تخریب و طمع‌هی آتش گردید، مگر این که برخی از قلاع مستحکم و وسیع را برای سکونت و پناگاه خویش در نظر گرفته بودند.

اطلاعات پیرامون قلاع آمل در زمان حضور مغولان اندک است و اظهار نظر قطعی در این مورد نمی‌توان نمود.

حمله‌ی تیمور به آمل

لشگرکشی تیموریان (۸۰۷-۷۷۱ ه.ق) به آمل از جهاتی شبیه حمله‌ی مغولان به ایران بوده است و از جهاتی با آن فرق داشت. حمله‌ی بیرحمانه به شهرها و روستاها، نابودی ساختمان‌های مسکونی، سوزاندن آثار تاریخی و مذهبی، مراتع، جنگل‌ها، باغات و مزارع، حتی کشتار ماکیان و احشام و قتل عام مردم و غارت دارایی‌های آنان از جمله وجوهای مشترک تیمور و چنگیز در جریان حمله به مازندران و آمل بوده است و باید گفت: تیموریان وارث اخلاق جنگی چنگیزیان بوده‌اند.

ظلم و جور حاکمان مرعشی [حاکمان نسل دوم] به مردم آمل، آن چنان عرصه را بر ساکنین این دیار تنگ کرده بود که مردم آرزوی منجی می‌کردند و به خیال خویش، تیمور می‌تواند آنان را از این گرفتاری‌ها رهایی ببخشد:

به همین خاطر در آغاز لشگرکشی تیمور، برخی مردم با او همراه بودند؛ همراهی مردم با تیمور به خصوص چلاویان، سبب سرعت بخشی حمله‌ی او به آمل شده است.

از موارد دیگری که سبب حمله‌ی برق‌آسای تیمور به آمل شد، بدگویی و سخن‌چینی‌های «اسکندر چلاوی» درباره‌ی حاکمان مرعشی این دیار بوده است. نوادگان افراسیاب چلاوی که دشمن دیرینه‌ی مرعشیان بوده‌اند، این

فرصت را غنیمت شمردند و به نیت براندازی دودمان مرعشی، تیمور را تشویق به حمله و تصرف شهر آمل نمودند و خودشان هم، راهنمای آنان در این جنگ بوده‌اند:

اطلاع‌یابی تیمور در پی گزارش دهی اسکندر چلاوی از میزان طلا و جواهرات و عتیقه‌جات پنهان شده در قلعه‌ی «ماهانه‌سر» آمل که این قلعه، پناهگاه سرداران مرعشی بوده است، باعث گردید که مرکز توجه حمله و کشتار تیمور به شهر آمل باشد. بنابراین جهت دست‌یابی به این جواهرات، به تضعیف هر چه بیشتر مردم آمل پرداخت. پس از چند نبرد توانست، مقداری از این گنج را به دست آورد و سران مرعشی را به «تُرکستان» تبعید نماید و این شهر را به گماشتگان خود بسپارد. (محمدی لیتکوهی و طبری، ۱۳۹۶: ۶۸).

اما مرعشیان هر اقدامی را که برای جلب رضایت تیمور و ممانعت ایشان مبنی بر حمله به آمل و مازندران نمودند، مورد قبول تیمور واقع نشد و تیمور آنان را در قلعه‌ی ماهانه‌سر که امروزه خرابه‌های این قلعه در مرتعی به نام «کتی»، واقع در ۷ کیلومتری جنوب شهر «سُرخ‌رود» قرار دارد، بعد از چندین حمله و تاکتیک‌های جنگی، قلعه را محاصره و تسخیر نموده است. در این زمان، سربازان تیمور جنگل‌های اطراف قلعه را آتش زدند و بسیاری از درختان جنگل‌های «دابوی بزرگ» و «هرازی» امروزی را قطع

و چوب آن را برای سوزاندن قلعه و ساخت ابزارهای جنگی و پل استفاده نمودند:



قلعه ماهانه سر. (۱۳۹۸/۲/۱۰)

نتیجه گیری

نتایج هر یک از حوادث مورد اشاره در این قسمت به همراه حوادث دیگر که ذکر آن‌ها در خور توان پژوهشگر حاضر و حوصله‌ی خوانندگان محترم این کتاب نبوده، ارتباط مستقیمی با قلاع‌شناسی خواهد داشت. جنگ‌های پی‌در پی، گاهی برتری قدرت مهاجمان، اهمیت و ضرورت دفاع از شهر آمل را برای حاکمان و شهروندان ایجاب می‌کرد.

واکاوی این حوادث که خود ریشه در حوادث پیشین خود داشته است، می‌تواند در سرنوشت آیندگان تاثیر بگذارد. به قول «آلبرت نورث وایتهد» انگلیسی، فیلسوف و مورخ فلسفی، «هر حادثه‌ای که پیش می‌آید در خود گذشته‌ای و جوانه‌ای از آینده دارد.» (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۸). واکاوی و علت‌یابی هجوم دشمنان و شکست لشگریان آملی در ادوار تاریخی، نشانگر آن است که استحکامات نظامی و قلاع آمل از لحاظ استراتژیک، معماری و تاکتیک‌ها و تکنیک‌های نظامی مورد توجه قرار نگرفت و نیز این پرسش را پیش روی خواهد گذاشت، آیا شکست در برهه‌ای از زمان، این تجربه و بینش و الزام را به حاکمان و مردم شهر آمل داده است که به استحکامات نظامی و دفاعی شهر توجه کنند؟

تعداد و میزان فراوانی قلاع در آمل در ادوار مختلف تاریخی بستگی به میزان قدرت و گستره‌ی فرمانروایی حاکمان بومی و قدرت اقتصادی و یا نوع توجه و میزان اهمیت دادن شاهکهای مازنی و حاکمان محلی و خوانین شهر آمل داشته است. چنان چه مشاهده می‌شود در برخی از دوره‌ها به خصوص در زمان علویان و زیدیان و به خصوص در زمان فرقه‌ی اسماعیلیان در شهر آمل، لزوم ساخت و بنای استحکامات نظامی و دفاعی از جمله قلاع در این شهر بیشتر احساس می‌شد و مردم شهر و روستاهای آمل به منظور تامین امنیت جانی و مالی خویش به ساخت

قلعه‌های بزرگ و کوچک مبادرت ورزیدند و یا به بازسازی، تعمیر، ترمیم قلاع و تامین ادوات جنگی و دفاعی اقدام نمودند.

به عنوان نمونه، در واریسی نبرد تیمور با مردم آمل، این نکته یافت می‌شود که مرعشیان نسل اول (۷۸۱-۷۶۰ ه.ق) برای دفاع، به ساخت، ترمیم و نوسازی قلاع و سایر استحکامات نظامی - دفاعی در این شهر، بیشتر از حاکمان قبل خود از جمله «چلاویان» همت گماشتند و در طول مدت حکومت خویش به استحکامات دفاعی شهر و آبادی‌های اطراف پرداخته‌اند.

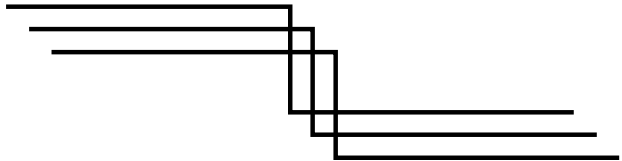
اما مرعشیان نسل دوم [۷۹۵-۷۸۱ ه.ق] در افزایش امنیت و ساخت و بازسازی قلاع در این شهر همتی از خود نشان ندادند و در زمان حمله تیمور به آمل، مورخان تنها از قلعه‌ی «ماهانه‌سر» که آن هم از روزگاران دورتر از این نسل، بنا گردیده بود، اشاره می‌کنند و از قلاع دیگر نامی به میان نمی‌آید.

از بررسی منابع تاریخی، این مطلب یافت می‌شود که استحکامات دفاعی و نظامی آمل و قلعه‌ی ماهانه‌سر در این زمان، مختص پناه‌گیری حاکمان و فرمانروایان مرعشی بوده است و امنیت سایر شهروندان، نادیده گرفته شد، به خصوص در زمان حمله‌ی تیمور، تمامی کسانی که در قلعه‌ی ماهانه‌سر با زن و فرزندان و اموالشان پناه گرفتند، از فرمانروایان و خانکهای مرعشی

بوده‌اند و مردم عادی در این قلعه جای نداشتند و این ادعا حتی از گزارش طرفداران و مورخان مرعشی به خصوص از گزارش «میرظهیرالدین مرعشی» در کتاب «تاریخ مازندران» به خوبی احساس می‌شود.

اما آن چه که از نبردشناسی مردم آمل به دست می‌آید این که شکست یا پیروزی آملی‌ها در جریان یک جنگ و نبرد، حکایتگر انواع و میزان وجود استحکامات دفاعی و قلاع و میزان دستیابی به ادوات جنگی و دفاعی و نحوه‌ی آشنایی با تکنیک‌های جنگی و تاکتیک‌های دفاعی بوده است و داده‌های حوادث و نبردهای تاریخی، ما را رهنمون می‌سازد تا اطلاعات فراوانی از قلاع این شهر در این دوره‌ها به دست آید.

فصل سوم: پیشینه قلعه‌سازی در آمل



پیشینه قلعه‌سازی در ایران

به طور دقیق نمی‌توان تاریخ قلعه‌سازی در ایران را تعیین کرد. برخی منابع گزارش داده‌اند: «ساخت دژها از دوران مادها در ایران رواج یافت و در دوره‌ی اشکانیان رو به گسترش گذاشت.» (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). به نظر می‌رسد، اولین قلاع برای سکونت و دفاع، بلندی‌ها و ارتفاعات طبیعی در کوهستان‌ها و جنگل‌ها بوده است؛ اما «از قراین تاریخی بر می‌آید که نخستین بنیان‌گذار دژها [قلعه‌ها] در ایران، مهاجرین آریائی بوده‌اند، زیرا که در گیر و دار جنگ با اقوام بومی، برای حفظ و حراست خود و احشام در برابر حملات ناگهانی دشمن به ایجاد قلعه‌هایی می‌پرداختند و بر فراز آن‌ها همواره آتشی زبانه می‌کشید و هر گاه خطر حمله‌ی غیر بومیان وجود داشت، نگهبانان آتش، بر حدت آن افزوده و اهل قلعه را از حمله‌ی قریب الوقوع آگاه می‌ساختند. در شاهنامه‌ی فردوسی از پاره‌ای دژها، به عنوان رزمگاه‌های بزرگ یاد شده است. نخستین آبادی‌ها از یک هسته‌ی مرکزی که دیوار و برج و بارو و خندق

داشت، تشکیل می‌شد که «کهن دژ^{۴۷}» نامیده می‌شود و شهرهای اولیه نیز توسعه‌ی مناطق اطراف همین کهن دژ یا به تازی «قهندز» بوده است.» (اشراقی: ۱۶).

دژهای اولیه را باید یادگار تمدن کشاورزی بشر دانست.» (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). از آن جایی که انسان‌ها در این دوره «یک‌جانشینی» را برگزیدند همواره خطر حمله و هجوم دیگر هم نوعان خود را احساس می‌کردند؛ تامین امنیت و لزوم دفاع، انسان‌های کشاورز و یک‌جانشین را بر آن داشت که به شناخت و ساخت پناهگاه‌ها و قلاع بپردازند. بنابراین ابتدایی‌ترین دژها و قلاع را می‌توان غارها، دخمه‌ها و سنگلاخ‌های ارتفاعات محیط کشاورزان یکجانشین دانست و بعدها با پیشرفت ابزار، مبادرت به ایجاد حفره‌های غارگونه و دست‌کندها نمودند.

«در دوره‌ی تهاجم اعراب دژهای گران سنگی که بر ستیغ کوه‌ها و یا در مناطق مشرف به پرتگاه‌ها ساخته شده بوده‌اند، مدت‌ها مقاومت کرد و این قلعه‌های کوهستانی، سال‌های دراز در مناطق شمالی و یا مناطق کوهستانی دیگر به صورت مظاهری از استقلال طلبی خودنمایی کردند.» (اشراقی: ۱۶). از جمله‌ی این قلاع می‌توان به قلعه‌ی شونا دشت لاریجان نام برد.

^{۴۷} - به معنی شهر و قلعه‌ی کهن است، «قهندز» و «قندز» معرب و مخفف آن و در هر ولایت بالنسبه قلعه‌ای قدیم بوده و خواهد بود. (دهخدا، حرف «ق»)

شرح وظایف قلاع نشینان

قلاع نشینان

حفظ و حراست از قلاع، مستلزم تقسیم کار بر اساس توانایی، مهارت و دانش افراد بوده است. بنابراین در سطور زیر به تعدادی از وظایف و سمت‌های قلعه‌نشینان اشاره خواهد شد:

دژبان

از مطالعه‌ی منابع تاریخی بر می‌آید که دژهای مسکونی و شاه‌نشین تحت سرپرستی اشخاصی ژبده و ورزیده به نام «دژبان» قرار داشتند که این افراد از میان سربازان و افسران جنگجو و ژبده و مطمئن از طرف شاه یا حاکمان با مشورت کارشناسان نظامی انتخاب می‌شدند.

دروازه‌بان

«دروازه یا همان ورودی از عناصر اصلی یک قلعه است و هیچ قلعه‌ای را بدون درب ورودی نمی‌توان تصور کرد.» (شریف کاظمی و عنانی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۱۲). دژهای مهم، مسکونی و شاه‌نشین دارای دروازه‌های سنگین و محکم بوده‌اند که باز و بسته نمودن آن باید با اجازه‌ی دژبان و با تایید و دستور حاکم و شاه در صورت لزوم، انجام گیرد. این گونه قلاع دارای افرادی به نام «دروازه‌بان» بودند که کلید در قلاع در دست آنان قرار

داشت و مسئولیت باز و بسته نمودن دروازه‌ها را بر عهده داشتند. اینان زیر نظر و با دستور دژبان کار می‌کردند. از آن جایی که دروازه‌های قلاع بسیار سنگین و محکم بودند، برای باز و بسته نمودن آن‌ها به قدرت زیادی نیاز بود، بنابراین دروازه‌بانان افرادی تنومند و بسیار قوی و از همه مهم‌تر، اشخاصی مطمئن بودند که دژبانان آن‌ها را انتخاب می‌نمودند. در زمان حمله‌ی دشمنان، دروازه بانان اولکین کسانی بودند که با مهاجمین روبرو می‌شدند.

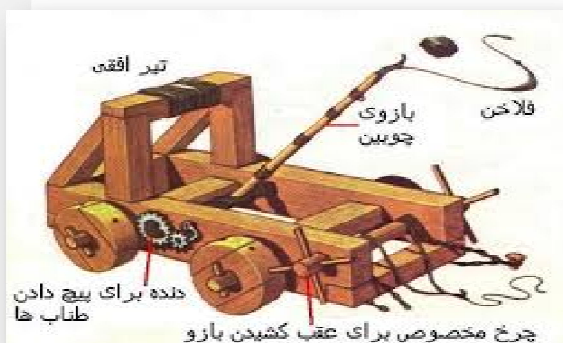


نمونه درب ورودی قلاع. (درب قلعه ساسانیان شهر ایزدخواست فارس،
(۱/۱) ۱۳۹۸ ه.ش)

بر اساس تحقیقات میدانی و مصاحبه با افراد آگاه، تاکنون بازمانده‌های هیچ دروازه‌ای در بستر قلاع بخش جلگه و کوهستان آمل بر اثر عوامل گوناگون مشاهده نشد.^{۴۸}

منجنیق چی

منجنیق چیان یا منجنیقیون افرادی بودند که در کار با منجنیق مهارت خاصی داشتند، اینان هم در تیراندازی و هم در تعمیر منجنیق دارای دانش و توانایی بودند.



تصویر اجزای منجنیق.

^{۴۸} - عواملی هم چون: پوسیدگی بر اثر گذر زمان، سرقت، مدفون شدن در میان آوار و ... از جمله عوامل نابودی و مفقودی دروازه‌های قلاع در آمل می‌باشند.

تاریخ قلعه سازی در آمل

اولین قلعه، بنا بر نشانی‌های منابع تاریخی، در دوره‌ی اساطیری توسط «کیکائوس»^{۴۹} در ایران و آن هم در بخش لاریجان آمل ساخته شد. «کیکائوس بر بلندای کوه البرز، هفت کاخ بنا می‌نهد. بنا بر روایات بسیار، یکی از زر، دو تا از سیم، دو تا کاخ از پولاد و دو تا بلور.» (رضایی، ۱۳۸۱: ۵۱).

هرودوت^{۵۰} نیز از این کاخ‌های هفتگانه، سخن به میان می‌آورد و گزارش می‌دهد: «او [کیکائوس] به ساختن قلعه‌ای دست زد که از داخل، حصارهای متمرکزی گرد آن قرار داشت. این همان قلعه‌ای است که امروزه «اکباتان» نامیده می‌شود.» (همان ۵۱). آن چه را که هرودوت و مورخان بعد از او، درباره‌ی پیشینه‌ی قلعه‌سازی ایران، در بلندی‌های البرز و نزدیکی آمل گزارش می‌دهند، در هاله‌ای از تاریکی و ابهامات قرار دارد و نمی‌توان مکان این قلعه را شناسایی کرد. شاید آن چه را که امیر پازواری^{۵۱} از

^{۴۹}- او یکی از فرمانروایان نامدار کیانی و مظهر قدرت می‌باشد. گویا وی یکصد و شصت سال سلطنت کرد و پس از او کیخسرو به پادشاهی رسید.

^{۵۰}- اولین تاریخ‌نگار یونانیان است، هرچند هرودوت به یونان تعلق داشت، اما قسمت اعظم کتابش به تاریخ و اساطیر ایرانی مربوط است؛ از آن جایی که هرودوت از نزدیک با فرهنگ ایرانیان آشنایی داشت، گزارش‌های او قابل اعتماد است.

^{۵۱}- شاعر تبری سرای معروف مازندران.

نقطه‌ای به نام «قلاع قلین» در کوه دماوند از آن در اشعارش نام می‌برد، منظور همین قلاع هفتگانه‌ی اسطوره‌ای مد نظر هردوت باشد.^{۵۲}

چرا که نقاطی در ارتفاعات جنوبی آمل وجود دارند که منسوب به قلاع می‌باشند و امروزه اندک آثار آنها قابل مشاهده است، با استناد به نامواژگان آنها می‌توان فرض کرد قدمت آن‌ها مربوط به دوران قبل از اسلام و شاید تا دوران مادها (۵۴۹-۷۲۸ ق.م) و حتی آئین ابتدایی مهرپرستی و مزدائی برسد. در این دوران، قلاع، کاربری نظامی - مسکونی و مذهبی داشته است. «کاس مهر» در بالا لیتکوه، «پیل قلعه» در خشواش، «دیو قلعه» یا «دیوکتی» در روستای «گل مزار» در بخش دشت سر و قلعه‌ی «وستان» در روستای «نوگردن» در بخش بالا خیابان لیتکوه از جمله قلاعی بودند که کاربری نظامی - مسکونی - مذهبی داشته‌اند و شاید قدمت آن‌ها را بتوان تا دوران مهرپرستی رساند. بسیاری از قلاع باستانی آمل در زمان

^{۵۲} - دواونته کوی سر قلاقلیه [قلعینه]

اونجه مجش گاه حضرت علیه

حضرت علی نیزه بلاکنییه

زمین تا زمانه او بتراکنیه

d@v@vann@ kuye sar q@l@ q@liyy@

?unj@ m@j@?g@the hazrate ?aliyy@

hazrate ?ali neyz@ b@t@rk@nniy@

zamin t@ zam@nn@ ?u b@t@rk@nniy@

(قلاع، ۱۳۹۹: ۱۲۱). این دو بیت از کتاب در دست انتشار جناب نادعلی فلاح تحت عنوان «دیوان» منسوب به امیر پازواری استخراش شده است.

حمله‌ی اسکندر مقدونی و نیز در حمله‌ی اعراب و سایر مهاجمان، مورد تصرف و سپس تخریب قرار گرفت و امروزه اثری از آن‌ها نمی‌باشد. در منابع تاریخی، از جمله «تاریخ تبرستان»، آمل به معنی «هرگز تو را مرگ مباد» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۲) آمده است و محتمل است این نام، برگرفته از کثرت قلاع و استحکامات و حصارهای بلند، عریض و طویل دور شهر و ویژگی‌های دفاعی آمل بوده باشد.

با از بین رفتن هر قلعه، پس از مدتی، آملی‌ها برای زندگی و تامین امنیت، مبادرت به ساخت یا بازسازی قلاع می‌نمودند. در دوران اسلامی و حمله‌ی اعراب به مازندران، آمل از جمله شهرهای مهم و مورد توجه آنان بوده است. در نتیجه، در این زمان، در بسیاری از نقاط این شهر و روستاهای اطراف، پس از تخریب قلاع مجدداً به ساخت و تعمیر آن‌ها پرداخته شده است. از بررسی منابع تاریخی بر می‌آید که بیشترین اقدامات ساخت قلاع در مازندران و به تبع آن در آمل، مربوط به دوران حکومت «مازیار» و «اسماعیلیان»^{۵۳} می‌باشد.

در جریان قیام مازیار [۲۲۴ه.ق] بر علیه‌ی خلفای اعراب و دست‌نشانده‌گان آنان در مازندران، او در روستاهای آمل به خصوص، نقاط کوهستانی مانند

^{۵۳} - « نهضت اسماعیلیان که از حدود سال ۱۴۸ه.ق، پس از فوت «اسماعیل» پسر امام صادق (ع) به وقوع پیوست، در مناطق مختلف جهان اسلام با استفاده از فرهنگ بومی هر منطقه، رنگ محلی خاص به خود گرفت. با حرکت‌های سیاسی و نظامی آنان در پی دعوت گسترده‌ای انجام شد که باعث توسعه و نفوذ آنان در مناطق مختلف دنیای اسلامی گردید.» (سروش، نصر آبادی و زعفرانلو، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

لاریجان و منطقه‌ی «امیدوارکوه» یا «امیری» امروزی پناه گرفت و برای حفظ موقعیت سیاسی و افزایش امنیت گستره‌ی فرمانروایی خویش، دست به احداث استحکامات نظامی و قلاع زده است. رابینو به نقل از مورخان قبل خود، در این خصوص گزارش داده است: «مازیار در کوهستان‌ها، قلاعی چند ساخت و روستائیان را جهت ساختن قلاع و خندق‌ها به بیگاری گرفت؛ سپس دستور داد، سدها و پاسگاه‌هایی چند در مسیر جاده‌ها بسازند تا این‌که رعایایش از اخبار و کارهای وی مطلع نشوند.» (رابینو، ۱۳۴۰: ۵۰۱).

هم چنین در زمان جنبش علویان، لزوم احداث قلاع از طرف حاکمان آملی، احساس می‌شد. در این زمان تعداد زیادی قلاع از نوع نظامی و مسکونی در نقاط مختلف آمل به خصوص در روستاهای نقطه‌ی جلگه‌ای، مانند قلعه‌ی «تبعیدی» در نزدیکی روستای «میران‌ده» یا «مَرام‌ده» امروزی و قلعه‌ی «سیاه‌لشت» در بخش لیتکوه، احداث گردید تا در مقابل مهاجمین، دفاع به عمل آید. در تاریخ مرعشی از این قلاع، به نوعی اشاره شده است.

روش کار اسماعیلیان که بر اساس ترور شخصیت‌های سیاسی و مذهبی سایر مذاهب بوده است، نیازمند پناه‌گیری در قلاع گستره‌ی حضورشان بودند. یکی از نقاط حضور اسماعیلیان در مازندران، شهر آمل بوده است. در این زمان، آنان یا قلاع از قبل بنا شده را تعمیر و ترمیم می‌کردند و یا خود به احداث قلاع در آمل می‌پرداختند. به عنوان مثال، یکی از قلاعی

که در تصرف اسماعیلیان بوده است، قلعه‌ی «کافر» یا «کافر قلعه» آمل می‌باشد که در شهر «دابو دشت» و در بستر روستایی به نام «قلعه»، قرار دارد. بسیاری از قلاع اسماعیلیان به دست اسپهبد «شاه غازی رستم»، پسر اسپهبد اعلاء و بعدها مغولان تخریب و از بین رفته است.

داده‌های تاریخی، بیانگر آن است که اسماعیلیان، علاوه بر حضور در بخش جلگه‌ای آمل در نقاط کوهستانی و مرتفع لاریجان، مانند: «امیری»، «نمارستاق» و «دلارستاق» حضور داشتند و قلاع سنگی فراوانی بر ستیغ کوه‌ها و بلندی‌های لاریجان احداث نمودند. قابل ذکر است: «قلاع اسماعیلیه بیشتر، قلعه‌هایی هستند که قبل از تسلط آن‌ها وجود داشته و توسط آن‌ها تصرف و یا خریداری شده‌اند. این قلعه‌ها به لحاظ موقعیت مکانی بر فراز کوه‌ها قرار داشتند که از نظر دفاعی از شرایط مناسبی برخوردارند و در نزدیکی آن‌ها منابع آب، مانند چشمه یا رودخانه وجود داشته است.» (سروش، نصرآبادی و زعفرانلو، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۱۵). برخی از این قلاع، کاربری دیده‌بانی داشته است که در زمان حمله‌ی مهاجمان از بین رفتند. به نظر می‌رسد قلعه‌ی «سوآ»ی نمارستاق و قلعه‌ی «ایلال» لاریجان از نمونه قلاعی بوده‌اند که مامن اسماعیلیان محسوب می‌شد و بعدها به دست مغولان افتاد.^{۵۴}

^{۵۴} - به نظر می‌رسد قدمت این قلاع به زمان قبل از اسلام می‌رسد.



شیر قلعه در جنوب غربی روستای سوآی نمارستاق. (۱۳۹۸/۴/۱۳ه.ش)

هم چنین نشانه‌هایی از احداث قلاع در زمان مرعشیان نسل اول در مازندران - بخشی از فرمانروایی مرعشیان مصادف با حکومت صفویان بوده است - در دست می‌باشد. برخی در این باره گزارش داده‌اند: «پس از پیروزی شاه اسماعیل بر «شروانشاه» و کشتن اولئین شاه شروان، گرچی‌ها اقدام به ایجاد یک لشکر مجهز نموده و تعداد زیادی از آن‌ها به عنوان سپاه ویژه «شاهسون» به خدمت شاه اسماعیل اول درآمدند. سپس در زمان شاه عباس، بسیاری از این گرچی‌ها در نواحی گیلان و طبرستان، در محل‌هایی که به صورت «قلعه» ایجاد شده بود، به عنوان مرزبانان ساکن شدند. این قلعه‌ها در فواصل اندک از یکدیگر، احداث شده و ظرفیت هر کدام قریب صد نفر بود. بر بلندای تپه‌های کوچک در سرتاسر دشت‌های گیلان و

مازندران، قلاع [قلعه‌های مذهبی- نظامی- مسکونی] وجود داشت که امروزه آثار این قلعه‌ها به صورت تکه پاره‌های خشت موجود است.» (أجاکه، ۱۳۸۲: ۱۹).

توماس هربرت در سال ۱۰۳۶ قمری [حدود ۳۹۸ سال پیش] در زمان شاه عباس اول صفوی، از شهر آمل دیدن کرد، درباره‌ی استحکامات دفاعی شهر آمل نوشته است: «حصار و باروی شهر از لحاظ زیبایی و استحکام در سراسر ایالت مازندران، نظیر ندارد؛ آن چه بر استحکام شهر می‌افزاید، خندق ژرفی است که دور تا دور شهر ایجاد کرده‌اند و در آن آب انداخته‌اند، به طوری تنها راه ورود به شهر، پلی است که طبق دلخواه، آن را از روی خندق، بلند می‌کنند و فرود می‌آورند و به این نحو مردم آمل خود را از هجوم همسایگان و سایر مهاجمان کوه‌نشین، محفوظ می‌دارند.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۴؛ به نقل از سفرنامه‌ی هربرت).

اکنون آثار این دیوار و حصار قابل مشاهده نیست؛ اما از طریق واکاوی نامواژگان آبادی‌های آمل که بی شک این دیوار می‌تواند در نام‌گیری آبادی‌ها نقش داشته باشد، کمک راه ارائه‌ی فرضیه‌ای خواهد بود.

امروزه آبادی «کَتِ پُشت» می‌تواند، رهنمون پژوهشگران در شناسایی و نشانی‌یابی و حدودشناسی دیوار و حصار تاریخی شهر آمل باشد؛ روستای کَتِ پُشت دشت‌سر، یکی از این آبادی‌هاست که با واکاوی نامواژه‌ی آن،

این انگاره قابل طرح است که روستای «کت‌پُشت» شاید در پشت و یا جنب قسمتی از دیوار شهر آمل قرار گرفته باشد.

هم چنین هنوی ۱۱۸ سال بعد از هربرت، در سال ۱۱۵۴ ه.ق از شهر آمل دیدن کرد و درباره‌ی دژ و قلعه‌ی آمل نوشته است: «دژی کهنسال در این شهر است که متناسب‌تر و محکم‌تر از آن، دژی در ایران نیست؛ دیوارهای آجری دژ، بسیار پهن بود و مردم محل، تاریخ احداثش را چهار هزار سال قبل از عهد نادر می‌دانسند.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۵ به نقل از سفرنامه‌ی جوانس هنوی)

گملین ۳۱ سال بعد، در سال ۱۱۸۵ ه.ق به آمل سفری داشته است و درباره‌ی دژ و قلعه‌ی آمل نوشته است: «معلوم می‌شود که آمل از تمام بلاد دیگر ایران، بیشتر استحکام داشته است، زیرا ارگ آن هنوز، موضع [قلعه] مستحکم خوبی است و برج و باروهای آن که از هر سو، آن را جهت دفاع آماده ساخته، سالم و پایدار است.» (همان: ۲۴)

۵۳ سال بعد از گملین، در سال ۱۲۳۸ ه.ق، جیمز فریزر، سفری هشت ماهه به نوار جنوبی سواحل خزر داشته است و ده سال بعد، یاد داشت‌های خود از مشاهدات این صفحه از ایران را به صورت کتاب منتشر کرد. فریزر در مورد خرابه‌های قلعه‌ی آمل گزارش می‌دهد: «در این شهر [آمل] خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی دیدم که بسیار مستحکم بود. این قلعه مهم‌تر از هر قلعه‌ای بود که من در ایران دیده‌ام؛ دیوارهای آن از آجر بود و ضخامت زیاد داشت. می‌گفتند از زمانی که ساخته شده است، هر دویست

سال یک بار مرمت می‌شود. معروف است که این قلعه چهار هزار سال پیش ساخته شده است.^{۵۵} (همان: ۱۶ به نقل از سفرنامه‌ی جمیز فریزر) هم چنین هولمز در سال ۱۲۶۹ ه.ق درباره‌ی قلعه‌ی آمل گزارش داده است: «دژ کهنسال و بزرگی که هنوی صد و شش سال قبل، آن را مستحکم‌ترین و خوش ترکیب‌ترین دژهای ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت، اثری دیده نمی‌شود.» (همان: ۴۶)

بعد از هولمز، اعتماد السلطنه، آخرین نفری است که از بقایای قلعه‌ی آمل گزارش می‌دهد و می‌نویسد: «آن سمت پل، طرف غربی رودخانه را به مسافت هزار و پانصد ذرع از سنگ و آجر و آهک سدی ساخته‌اند، معلوم می‌شود که قدیم، قلعه‌ی محکمی آن جا بوده، اما حالا دکان و کاروانسرا ساخته که به رودخانه نگاه می‌کند و بسیار با صفاست.» (همان: ۴۶، ۴۷) هم چنین از نوشته‌های اعتماد السلطنه که نزدیکترین گزارش به زمان ماست، [حدود ۱۲۰ سال پیش از نگارش کتاب حاضر] نمی‌توان با اطمینان، مکان دقیق این قلعه را بازشناسی کرد. ۱۵۰۰ ذرع که برابر ۱۵۶۰ متر از طرف غرب پل که به طور حتم همین پل دوازده چشمه است، با توجه به آثار باقیمانده و اسامی نقاط جغرافیایی و محلات شهری آمل، یکی از این نقاط که با فاصله‌ی مد نظر اعتماد السلطنه قابل تطبیق است، نقطه‌ی «پیت

^{۵۵} - با این حساب تا زمان «فریزر» قلعه‌ی آمل باید ۲۰ مرتبه تعمیر شده باشد و معلوم نیست ایشان چگونه مدت فاصله‌ی تعمیر این قلعه را تخمین زده‌اند. برخی از این گزارش‌ها فاقد اعتبار می‌باشد.

کت» می‌باشد. این نقطه در طرف غرب رود خانه‌ی هراز و با حدود ۱۵۰۰ و کم‌تر از ۲۰۰۰ متر قرار دارد. سالخوردگانی که هنوز در زمان نوشتن کتاب حاضر زنده‌اند از آثار دیوارهای آجری و گلی بزرگ و وسیع خبر می‌دهند که بی‌شک بازمانده‌های دیوار یک قلعه بوده و قدمت آن بسیار زیاد است که به «پیت کت» یا دیوار کهنه‌ی آمل نام گرفت و اکنون نیز علی‌رغم تسطیح اراضی و احداث بناهای بسیار بر روی این تپه و دیوار، هنوز مرتفع بودن این نقطه احساس می‌شود. به نظر نگارنده، این انگاره که محلّ قسمتی از قلعه‌ی آمل و مورد اشاره‌ی سیاحان و ایرانگردان در ادوار مختلف تاریخی، همین نقطه‌ی پیت کت آمل باشد، به صحت نزدیک است.

اما آخرین زمان قلعه سازی در آمل، مربوط به زمان ناصرالدین شاه قاجار می‌باشد. چرا که در منابع تاریخی، اخباری از قلعه‌سازی در عصر ناصرالدین شاه از جمله سفرنامه‌ی بهلر فرانسوی پیشنهاد برای ساخت قلاع در مازندران و آمل آمده است.

بهلر در سفرنامه‌ی خویش که رویکرد جاسوسی [نه نظامی] داشته است، پیشنهاد ساخت بنای قلعه‌ای مستحکم و دائمی در آمل می‌دهد: «باید بنا نمود، محلّ دومین جنگ در آمل و یک قلعه‌ای دائمی به دور آن.» (بهلر ۱۳۵۶ ش: ۴۱).

شیوه‌های تامین آب قلعه‌های آمل

بارها ثابت شده است که انسان‌های تشنه زودتر از انسان‌های گرسنه می‌میرند؛ آب، مایه‌ی حیات مشترک تمامی جانداران [انسان، حیوان و گیاهان] می‌باشد.

به همین خاطر در طول تاریخ هر کجا آبادی^{۵۶} بر پا می‌شد، تامین آب آن دیار، مهم‌ترین موضوعی بود که مدّ نظر بانیان و مهندسان و ساکنان قرار خواهد گرفت، این موضوع در پاگیری شهر آمل به خوبی قابل اثبات است.

سکونت دراز مدّت مردم آمل در قلاع، سبب الزام برنامه‌ریزی تامین آب برای زمان طولانی خواهد بود. در سطور زیر با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیای طبیعی آمل، نحوه‌ی تامین آب قلاع این شهر به اختصار اشاره می‌شود:

الف: نهرها

وجود نهرهای فراوان در نقاط مختلف شهرستان آمل، قلعه سازان را واداشت که برای تامین حداکثر آب مورد نیاز ساکنین، احشام، باغ‌ها و مزارع محدوددهی قلاع، از آب نهرها و رودخانه‌های روان در حاشیه و اطراف آنها استفاده کنند. بنابراین مهندسان و معماران قلاع، محلّ ساخت

^{۵۶} - مردم آمل باور دارند، آبادی مرکب از «آب» و «دی» یا دود برخاسته از آتش است.

قلعه‌ها را طوری طراحی و پی ریزی می‌کردند که بتوان آب نهرها را به راحتی داخل قلاع هدایت کنند و یا با کمترین احتمال خطر، از آب رودخانه‌ها استفاده نمایند.



نهر آب کنار قلعه شیر دره سوا. آ. (۱۳۹۹/۳/۹ ه. ش) عکاس: خانم طبری.

گاهی احداث نهرها در اطراف قلاع به دو منظور آشامیدن- آبیاری و نیز طرح تدافعی در نظر گرفته می‌شد. با توجه به معماری و بازمانده‌های قلعه‌ی «کاس» در «چا او سر محله» این نکته را نمایان می‌سازد که برای تامین آب مورد نیاز ساکنین قلاع، از آب نهرها و چشمه‌های اطراف استفاده می‌کردند. این موضوع نیز در معماری قلعه‌ی تبعیدی کنار دو روستای «کوک‌ده» و «گلان»، قلعه‌ی ملک بهمن در شاهاندرشت لاریجان، قلعه‌ی تیرویجان قابل مشاهده است. مهم‌ترین و فراوان‌ترین شیوه‌ی آبرسانی به قلاع شهرستان آمل، نهرسازی و استفاده از رودخانه‌های

اطراف بوده است. به همین خاطر، بازمانده‌های بیشتر قلاع در آمل در کناره‌ها و نزدیک نهرهای آمل و روستاهای آن قابل مشاهده است.

ب: حفر چاه

آمل به جهت شرایط اقلیمی و آب و هوایی دارای سفره‌های آب زیر زمینی در سطح نزدیک می‌باشد. حفر چاه برای دو منظور دستیابی به آب مورد نیاز و دفع فاضلاب از دیر باز توسط آملی‌ها انجام می‌گرفت با این تفاوت که چاه‌های آب آشامیدنی عمیق‌تر از چاه‌های فاضلاب می‌باشد. برخی از قلاع مسکونی آمل دارای چاه آب آشامیدنی بودند. در قلعه‌ی چلاو آثار چاه آب آشامیدنی مشهود است.



بستر احتمالی حفر چاه در قلعه‌ی چلاو. (۱۳۹۷/۵/۳۱).

ج: آب انبار

مازندران به خاطر بارش فراوان، سبب روی آوردن معماران قلاع به ساخت آب انبارها شده است. آب انبارها، حوض‌ها و استخرهای ایجاد شده در بستر قلاع می‌باشند که با آب باران و رودخانه‌ها پر می‌شدند و در مواقع لزوم و کم آبی و زمان قطع مجاری آب‌ها مثل نهرها و گنگ‌ها، توسط مهاجمین از آب انبار استفاده می‌کردند. در قلعه‌ی «سوآ» در مواقع خشکسالی و کم آبی، تامین آب بوسیله‌ی آب انبار انجام می‌گرفت.

د: گنگ گذاری

لوله کشی با لوله‌ها و گنگ‌های سفالی و گلی، یکی از شیوه‌های انتقال آب به داخل قلاع بوده است. در این شیوه آب چشمه‌ها و نهرهای ارتفاعات را با گنگ گذاری به داخل قلعه‌ها هدایت می‌کردند. نشانه‌هایی از گنگ‌های سفالی در نقاط مختلف شهرستان آمل به خصوص در ارتفاعات پرتاسی به نقل از سالخوردگان مشاهده شده است که این گونه لوله کشی، نوعی سیستم آبرسانی به قلعه‌ها بوده است.

بنابر گزارش برخی ساکنان روستای شاهزید، لوله‌های سفالی در بخش «بندر کلاته»ی این آبادی مشاهده شد^{۵۷} که انگاره آن است: «این نوع لوله

^{۵۷} مصاحبه با یزدان شاهزیدی، اردیبهشت ۱۳۷۸ ه.ش، مکان مصاحبه: روستای شاهزید.

کشی‌ها برای انتقال شیر از استنگاه‌های دامی بالا دست بوده است.» اما فرض انتساب نوعی سیستم آبرسانی به قلاع، بیشتر به صحت نزدیک است. «گنگ بانان» کسانی بودند که همواره مسیر لوله گذاری را بازدید، بررسی و نگرهبانی می‌کردند تا از شکستگی احتمالی و یا تخریب دشمن جلوگیری شود.

ساختار تدافعی قلاع آمل

معماران و قلعه‌سازان برای حفظ و حراست قلاع در آمل از دو ساختار طبیعی و مصنوعی و یا با دخالت انسان‌ها، نهایت استفاده را می‌کردند. ساختار طبیعی بر اساس شرایط طبیعی محیط قلاع، طرح ریزی می‌شد و گاهی برای افزایش ضریب امنیت به ساختار مصنوعی تدافعی هم توجه می‌گردید. «قلعه‌های دشتی در برابر تهاجمات نیروهای مجهز به قلعه‌کوب‌ها و منجنیق‌ها و دیگر ادوات تسخیر قلاع، مقاومت چندانی نداشتند، بنابراین بشر به ناچار، جهت ساختن پناهگاه‌های امن تر به کوه‌ها پناه برده و بر روی کوهستان‌های مرتفع و صعب‌العبور به ایجاد قلعه‌ها و دژهای مستحکم پرداختند.» (شکاری نیری: ۵۷)

ساختار طبیعی تدافعی در مازندران با نقاط مختلف ایران به خصوص با نقاط فلات داخلی ایران تا حدودی متفاوت می‌باشد.

الف: ساختار طبیعی

ساختار تدافعی طبیعی قلاع در آمل به شرح زیر می‌باشد:

صخره‌ها

طراحی قلاع بر بلندی صخره‌های صعب العبور از شیوه‌های دفاعی قلعه‌سازان آملی بوده است. در نقاط کوهستانی، معماران و مهندسان قلعه‌ساز نقشه و طرح قلاع را برای عدم دستیابی آسان دشمنان و مهاجمین، طوری بر سینه و ستیغ صخره‌های دست نیافتنی کوهستانی پی‌ریزی می‌کردند که ورود گروهی مهاجمین، محال به نظر می‌رسید و هم چنین تصرف و تسخیر این گونه قلاع به سهولت انجام نمی‌گرفت و مهاجمین در پی جنگ‌های طولانی و کمبود آب و غذا، مجبور به عقب نشینی بودند. قلعه‌ی «دختر» در پلور از نمونه قلاعی می‌باشد که طرح دفاعی آن بیشتر نشأت گرفته از صخره‌های محاط بر قلعه می‌باشد.



قلعه دختر پلور. (عکاس: منوچهر فیروزی). عکس اهدایی از مصطفی راعی اسکی.

دره‌ها و رودخانه‌ها

دره‌ها و نهرهای فراوان جاری در شهرستان آمل، علاوه بر کمک به آبرسانی قلاع می‌تواند، نوعی ساختار طبیعی دفاعی قلعه نشینان محسوب شود. معماران با در نظر گرفتن طول، عرض و مسیر جریان نهرها و دره‌ها، بنای قلاع را طوری طرح ریزی می‌کردند که شرایط طبیعی، سبب محافظت قلاع از دسترسی مهاجمان گردد. اکثر قلاع در بخش جنگلی و جلگه‌ای آمل طوری طراحی شده‌اند که نهرها و دره‌های عمیق اطراف به عنوان ساختار دفاعی قرار گیرد. مانند قلعه‌ی لیکانی که نهر لیکانی قسمتی از این قلعه را محافظت می‌کرد و یا قلعه‌ی ملک بهمن بر بلندای دره و آبشار قرار گرفت که دسترسی مهاجمین را ناممکن می‌کرد.

باتلاق‌ها و نی‌زارها

برخی از قلاع آمل در میان باتلاق‌ها و نی‌زارها بنا شده بودند تا شرایط طبیعی باتلاقی و نی‌زار بودن، سبب افزایش امنیت قلعه‌نشینان گردد. زمانی که مهاجمین، قصد حمله به قلاع را داشته بودند، شرایط باتلاقی و نیزاری مانع از دستیابی آسان به قلاع می‌شد.



باتلاق‌های اطراف قلعه ماهانه‌سر. (۱۳۹۸/۲/۱۰)

اکثر قلاعی که در بخش هرازپی و دابوی آمل وجود داشتند، نیزارها و باتلاق‌های اطراف به عنوان ساختار دفاعی محسوب می‌شد. در این خصوص می‌توان به دو قلعه‌ی «ماهانه‌سر» و یا قلعه‌ی «دونکا» اشاره کرد که نیزارها و باتلاق‌های اطراف، ساختار تدافعی قلاع را تشکیل می‌داد.

جنگل

جنگل‌های آمل به جهت پوشش انبوه و فشرده، می‌توانست مانعی برای ورود مهاجمان به داخل قلعه گردد.



تصویر ارتفاعات جنگل‌های روستای تیار چلاو به عنوان نمونه ساختار طبیعی دیده بانی.

(۱۳۹۷/۵/۳۱)

بنابراین مشاهده‌ی آثار قلاع در میان جنگل‌های جنوبی شهرستان آمل، نشان از اهمیّت حفاظتی آن منطقه داشته است. قلاعی هم چون قلعه‌ی «فرنگیس» و قلعه‌ی «ذکریا» [زکریا] در میان جنگل‌های انبوه جنوبی آمل به خاطر تامین امنیّت بیشتر و ساختار تدافعی آنان بوده است.

ب: ساختارهای دفاعی مصنوعی برج دیده‌بانی

تعداد برجک‌های دیده‌بانی قلاع بستگی به مساحت و زیر بنای قلعه داشته است و در زمان تصرف و تسخیر قلاع از سوی مهاجمین و یا بلاپای طبیعی، اولین نقطه‌ای بودند که مورد تخریب قرار می‌گرفت.



تصویر برج دیده‌بانی قلعه‌ی اشر دره‌ی سوآی نمارستاق. (۱۳/۴/۱۳۹۸ ه.ش)

در بخش جلگه‌ای آمل به دلیل رطوبت بالا، بارش زیاد باران، وزش بادهای و عوامل انسانی از جمله کند و کاوهای غیر مجاز به نیت گوناگون از جمله تصرف حریم قلاع، گنج‌یابی سبب گردید، تمامی برجک‌ها و

برج‌های قلاع این بخش به طور کلی از بین بروند و به همین خاطر، هیچ نوع برج‌های دیده بانی در این دیار به چشم نمی‌خورد. اما در بخش لاریجان به جهت استفاده از سنگ و ساروج و کمی رطوبت و دسترسی سخت مهاجمین به برخی از قلاع این دیار، هنوز برج‌های دیده‌بانی در قلاعی هم چون قلعه‌ی «ملک بهمن» در شونا دشت و یا در قلعه‌ی «شردره» در روستای «سوآ» به چشم می‌خورد.

حصار و بارو

شهر آمل و بسیاری از آبادی‌های آن در ادوار مختلف تاریخی، دارای حصار و بارو بوده اند که شرح برخی از باروها در این کتاب آمده است.

خندق و آب بندان

حفرخندق‌ها و آب بندان‌ها هم به عنوان ساختار تدافعی مصنوعی در این شهر و روستاهای اطراف آن رایج بوده است. «منوچهر»^{۵۸} نخستین فردی بود که دور تا دور شهرها را خندق کشید و در هر شهری آلات جنگی گردد آورد. (رضایی، ۱۳۸۱: ۴۰).

^{۵۸} یکی از پادشاهان پیشدادی و از تبار فریدون است.

باروهای دفاعی شهر آمل

دیوارکشی، متداول‌ترین و آسان‌ترین روش محفوظ نمودن یک شهر و روستا بوده است. «سور و حصار نزد اعراب، دیوار دفاعی بود که در پیرامون شهر به منظور حمایت از هجوم دشمنان احداث می‌شد، به طور کلی «سور»^{۵۹} نوعی از دیوار است که می‌توان آن را به سه نوع تقسیم کرد:

الف: به دور شهر می‌کشیدند.

ب: به دور قلعه می‌کشیدند.

ج: به دور کشور می‌کشیدند... (فرجیهای قزوینی، ۱۳۹۲: ۶۵).

«اصطخری» پیرامون لزوم احداث باروی شهرها، گزارش می‌دهد: «برای مصون ماندن شهروندان از حملات ناگهانی و دستبردها، دیوار بلند و قطوری دور تا دور اماکن مسکونی کشیده می‌شد که نمونه‌ی کوچک آن در دور تا دور قلعه‌های روستاهاست که هنوز مشاهده می‌شود.» (اصطخری، ۱۳۸۳: ۴۵).

با بررسی‌های به عمل آمده، این نتیجه به دست می‌آید که از همان زمان شکل‌گیری آمل، دور تا دور این شهر دیوار عریض و مستحکم کشیده شده بود.

^{۵۹} در زبان تبری به درخت «سرو» هم «سور» گفته می‌شود.

ابن اسفندیار در مورد اولین دیوارکشی و باروی تاریخی شهر آمل گزارش می‌دهد: «چون شهر را بنیاد نهادند، باروی حصار از خشت پخته، [احداث] کردند؛ چنان که سه سوار همبر [کنار هم] برفتند.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۱). هم چنین ابن اسفندیار گزارش می‌دهد: «عمارت حصارهای آمل و ساری را «عبدالملک بن قعقاع» مرمت‌ها کرد و سور پدید آورد.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۸۹) با دقت در گزارش ابن اسفندیار، این نظر قابل بیان است که عبدالملک قعقاع مرمت‌کننده‌ی دیوار دور شهر آمل بوده و به طور حتم این بارو سال‌ها قبل از او وجود داشته است.

این باروها، گاهی توسط قوای مهاجم تخریب می‌شد تا راه دسترسی به شهر امکان‌پذیر گردد. «باروی آمل در سال (۲۲۴.ه.ق) توسط مازیار تخریب شده است.» (کاظم بیگی، ۱۳۸۴: ۹۴) و زمانی باروها در ادوار مختلف، توسط حاکمان این شهر مورد تعمیر و بازسازی قرار می‌گرفت.

هم چنین از بررسی منابع تاریخی یافت می‌شود، دور تا دور برخی از روستاهای بزرگ و مهم این شهر، بارو و دیوار حفاظتی بوده است؛ باروی روستاهای کوس [«چا او سر» محله‌ی لیتکوه] و باروی روستای فیروزکلای دشت سر که امروزه نقطه‌ی «کتل‌کش» یادآور باروی شهرک «فیروز خسر» یا فیروز خسرو می‌باشد را می‌توان نام برد. ابن اسفندیار در مورد بارو و حصار مستحکم فیروزکلا که در آن وقت به نام «فیروزآباد» بوده

است، گزارش می‌دهد: «قصبه‌ای بود به دو فرسنگی^{۶۰} آمل، «فیروز خسر» گفتند؛ از این ساعت «فیروزآباد» می‌گویند، مختصر دیهی [دیه‌ای] است، ... و حصاری حصین^{۶۱} داشت.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۵۷)

خندق‌های دفاعی شهر آمل

هم چنین به منظور حفاظت شهر از هجوم و ورود نیروهای بیگانه، علاوه بر دیوارکشی، حفر خندق‌ها و احداث باتلاق‌ها هم مورد توجه قرار می‌گرفت. ابن اسفندیار درباره‌ی خندق دور شهر آمل گزارش داده است: «خندقی ژرف، گرداگرد شهر بزدند، عمق سی و سه آرش^{۶۲} به آرش مساحان و عرض یک تیر پرتاپ^{۶۳} و قعر یک [؟]^{۶۴} به دست.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۱). هم چنین ایشان در خصوص احداث خندق به دور شهر آمل و روستاهای اطراف در زمان «فرخان بزرگ» گزارش داده است: «او [فرخان

^{۶۰} - مولف این کتاب مسافت این روستا تا ابتدای میدان ۱۷ شهریور را اندازه‌گیری نموده است، حدود ۱۲ کیلومتر و ۲۰۰ متر بوده است و ۲ فرسنگ طبق اندازه‌گیری نرم افزارتبدیل واحدهای مسافت، معادل ۱۲ کیلومتر و ۴۷۹ متر می‌باشد. بنابراین این انگاره که آبادی فیروز خسر همین روستای فیروزکلای دشت سر بوده باشد، به صحت نزدیکتر شد.

^{۶۱} - حصین: محکم، استوار.

^{۶۲} - سی و سه آرش طبق نرم افزار تبدیل واحدها ۳۴ متر و ۳۲ سانتیمتر است. در آمل برای اندازه‌گیری پارچه، طناب و ... با کمک دست انجام می‌دهند. به این شیوه که ابتدای طناب یا هر چیز دیگر را با یک دست گرفته و با دست دیگر، ادامه‌ی طناب را تا بنا گوش مخالف آن دست و گاهی تا روی دهان آورده و شمارش می‌کنند و هر یک از این مقدار را یک آرش می‌گویند.

^{۶۳} - یک تیر پرتاپ به استناد رساله‌ی عملیه‌ی مجتهدین برابر دویست قدم می‌باشد.

^{۶۴} - احتمالاً کلمه‌ای در این قسمت از قلم و بیان افتاد.

بزرگ] [از قلعه‌ی فیروزکلا] بیرون آمد و از آمل تا دیلمان، چنان بگرد بخندق‌ها [با خندق‌ها] و جوی که جز پیاده بر سرِ کت^{۶۵} نتوانست رفت.». (همان: ۱۵۷).

از داده‌های منابع تاریخی چنین استنباط می‌شود که در زمان حکومت مرعشیان نیز دور شهر را خندق احداث نمودند. «در سنوات ۷۷۹-۷۶۹ ه.ق به دستور «سید کمال‌الدین بن میرقوام‌الدین» مرعشی، در آمل و ساری جار انداختند،^{۶۶} مردم بسیار جمع شدند و بنیاد خندق فرمود، کردن و خندق عظیم در طول و عرض و عمق در زمان اندک حفر کردند و بر سر آن از خشت پخته و ساروج و گل، برج‌ها و دیوارها ساختند و درون قلعه، کوشک و خانه و عمارت عالی بنیاد نهادند و ...» (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۸ به نقل تاریخ مرعشی)

احداث و حفر خندق یا در بیان مردم آمل، «جَر» یا «هَر»^{۶۷} از دیر زمان تا دو دهه‌ی قبل در شهر آمل رایج بوده است و تا به زمان نگارش این کتاب آثار خندق‌های فراوانی را می‌توان به دور باغات و زمین‌های کشاورزی این شهر مشاهده کرد.

^{۶۵} - در فرهنگ واژگانی مردم آمل، «کت» به تخته و بام پوش‌های چوبی در ساختمان‌های این شهر گفته می‌شود. در این جا تخته پهن معنا می‌دهد که تا چندی پیش از لت در شالیزارهای این دیار برای حمل بوته‌های شالی از آن استفاده می‌شد.

^{۶۶} - جار انداختن: اعلام خبری مهم از سوی مردم و یا صاحبان قدرت به منظور اقدام سریع را گویند.

^{۶۷} - در بخش جلگه‌ای آمل، این واژه به صورت «هن» تلفظ می‌شود.

دروازه‌های تاریخی شهر آمل

به سبب ورود و خروج از شهر باید دروازه‌هایی با طراحی مهندسان شهرسازی و کارشناسان نظامی احداث می‌شد که این دروازه‌ها توسط «سحنه»ها یا دروازه‌بانان کنترل و محافظت می‌گردیدند. این دروازه‌ها تامین امنیت و حفاظت شهر را بر عهده داشتند. به جهت اهمیت امنیت، هر چند مدت، این دروازه‌ها تعمیر و تعویض می‌شدند. پس از دیوار کشی به دور شهر آمل، بلافاصله چهار دروازه در چهار جهت احداث نمودند. ابن‌اسفندیار به این موضوع اشاره می‌کند: «چهار در برین حصار نهادند، باب جُرجان [گرگان]، باب گیلان^{۶۸}، باب الجبل [کوهستان]، باب البحر [دریا] خواندندی.» (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۱). «در زمان ابن‌اسفندیار در محله‌ی پایین بازار که به «عوامه کوی» معروف بوده است یکی از دروازه‌های آمل در آن جا قرار داشت.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۹). ولی ملگونوف به پنج دروازه‌ی معروف شهر آمل اشاره کرده است: «دروازه‌ی طهران، دروازه‌ی لاریجان^{۶۹} [سمت جنوب]، دروازه‌ی بارفروش^{۷۰} [سمت شرق]،

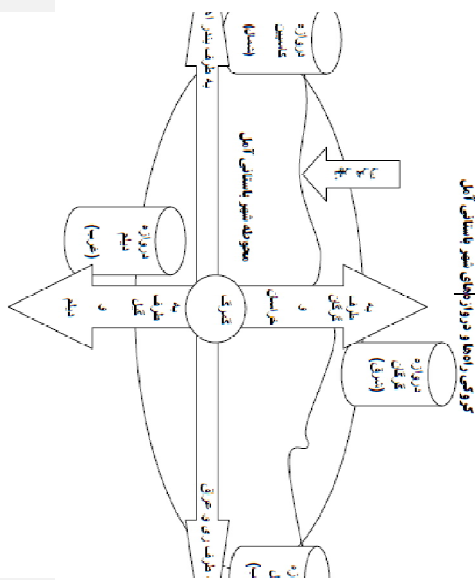
^{۶۸} - در برخی منابع این دروازه به باب دیلمان هم ذکر شده است.

^{۶۹} - برخی از سالخوردگان اذعان داشتند، روستای هلوم‌بسر لیتکوه، در زمان قاجار به عنوان دروازه‌ی تهران و یا لاریجان محسوب می‌شد. (به نقل از مرحوم میرزا علی زروق سوتنه‌کلائی. ت: ۱۲۸۵. ش- مرگ: ۱۳۶۵. ه. ش) و ابن اسفندیار این دروازه را «باب الجبل» یا «دروازه کوه» نامیده و. به نظر می‌رسد، ملگونوف در گزارش خویش اشتباه نموده است، زیرا این دو دروازه می‌تواند، یکی باشند.

^{۷۰} - با دروازه‌ی «جرجان» در گزارش ابن اسفندیار مطابقت دارد.

دروازه‌ی تلیک سر^{۷۱} [سمت شمال]، دروازه‌ی نور^{۷۲} [سمت غرب]» (ملگونف، ۱۳۶۳: ۱۶۴).

از تلفیق داده‌های منابع تاریخی و جغرافیایی، تعداد و جهات راه‌ها و دروازه‌های تاریخی شهر آمل به صورت این کروکی، قابل تصور است:



^{۷۱} - با دروازه‌ی «تجر» یا دریا در گزارش ابن اسفندیار قابل تطبیق است.

^{۷۲} - نشانه‌های این دروازه را در نقطه‌ای میان دو روستای تجن‌جار و کارچی کلا به نام تجرود داده‌اند. (به نقل از مرحوم سید آقا رضا موسوی. تجن‌جاری. تولد: ۱۳۰۵ ه. ش. مرگ: ۱۳۷۵ ه. ش).

کروکی راه‌ها و دروازه‌های تاریخی شهر آمل. (طراح: رشید محمدی لیتکوهی).

همان‌طور که امروزه آمل را «شهر هزار سنگر» می‌نامند، با بررسی منابع تاریخی شایسته بود که آمل در طول تاریخ به شهر «هزار قلعه» لقب گرفته باشد. وجود آبادی‌هایی با پسوند و پیشوند کلا، بست، کتی، شهر^{۷۳} و بن [نه با تلفظ بُن] که بنا بر استناد لغت‌نامه‌های زبان پهلوی، مازندرانی، فارسی به معنی «قلعه» می‌باشد، حکایتگر کثرت قلاع در این شهر از زمان‌های دور بوده است. بنابراین هسته و نقطه‌ی آغازین بسیاری از آبادی‌های این شهر از درون قلاع شروع و به مرور در اطراف آن‌ها کشانده شده است، این گونه آبادی‌ها در نامگیری خود موقعیت دفاعی و گاهی مشخصه‌ی نظامی خویش را حفظ کرده‌اند و تمامی آن‌ها با پسوندهایی هم چون «کلا» یا «کتی» و یا «بست» و اندکی از آن‌ها با پسوند «بن» نام‌گذاری شده‌اند. در زیر به برخی از آبادی‌هایی که با اینگونه کمک واژه نام‌گذاری شدند، اشاره می‌شود:

درمه کلا، سوته کلا، فیروز کلا، پاشاکلا، وسطی کلا، آنگر کلا، کمانگر کلا، قراکلا، بانصر کلا [بامسی کلا]، قادی کلا، آهن کتی [آخن کتی یا آن کتی]، سرهنگ کتی [سران کتی یا سِرَن کتی]، بختیار کتی، بام کتی [بمنی]، عباس کتی، کن کاس کتی [کینه برخاست کتی]، سنگ بست، روبست، اغوزبن، قلابن.

^{۷۳} - به نظر می‌رسد شهر به معنی قلعه هم آمده است.

دلایل وجود کثرت قلاع در آمل

شهر آمل به دلایل زیر دارای قلاع زیادی بوده است و می‌توان این شهر را «دژ شهر»^{۷۴} نامید.

الف: از لحاظ جغرافیای ارتباطات، آمل بر سر راه بسیاری از شهرهای مهم قرار داشت. آمل محلّ تلاقی راه‌های دیلمستان [دیلمان]، استرآباد و فلات مرکزی ایران با دریای تیرستان بوده و [هست]. بنابراین همواره در طول تاریخ، مورد توجه بیگانگان و مهاجمان بوده است.

ب: «قلعه‌ها نه تنها از جنبه‌ی دفاعی، بلکه در اغلب موارد به عنوان نمادی از شکوه و قدرت دولت‌ها [و فرمانروایان] ساخته می‌شدند.» (شریف کاظمی، عنانی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۲)

آمل در طول تاریخ در چند دوره، پایتخت و مقرّ حکمرانی شاهان و فرمانروایان مازندران بوده است. به همین خاطر وجود استحکامات نظامی زیادی را ایجاب می‌کند، بنابراین وجود قلاع فراوان در این شهر نشانگر اهمّیت سیاسی و ارتباطی آن بوده است.

^{۷۴} - دژ شهر لقبی است که مولف با توجه به داده‌های تاریخی و شرایط دفاعی و نظامی این شهر بدان داده است.

انواع قلاع در آمل

معیارهایی هم چون شرایط اقلیمی، پوشش گیاهی، میزان دستیابی به مصالح، باورهای دینی- فرهنگی و تحولات سیاسی می‌تواند در تقسیم‌بندی انواع قلاع آمل نقش داشته باشد. «بنابر شواهد و آثار بر جا مانده، دژهای متعدد از دوران گذشته، بیشتر در بخش دامنه‌ای و تپه‌های کم ارتفاع بنا شده‌اند.» (خلعت‌بری و پناهی: ۳).

سبک معماری قلاع آمل با توجه به نوع آب و هوایی به دو سبک جلگه‌ای - جنگلی و کوهستانی تقسیم می‌شود. اما اصول کلی در ساخت و بنای قلاع، از مرتفع‌ترین نقطه‌ی جغرافیایی و گسترده‌ی میدان دید، پیروی می‌کرد؛ برای تامین ارتفاع بنای قلاع در نقاط جلگه‌ای آمل، مهندسان و معماران قلاع به طراحی ارتفاعات با خاکریزهای دستی اقدام می‌نمودند و به نام‌های «کتی» و «بست» نام‌گذاری می‌شدند. فراوانی این نوع قلاع در بخش دابو و هرازی و پایین خیابان لیتکوه بیشتر است؛ به همین خاطر امروزه آبادی‌هایی در این نقاط به چشم می‌خورد که یادگار قلاعی هستند که بستر آن‌ها از ارتفاعات و خاکریزهای دستی انسان‌های آن دوره درست شده است. بختیارکتی، مرکتی، هلی کتی، بام کتی، سنگ بست، کله بست

از بازمانده‌ها و یادگارهای خاکریزهای دستی آن دوره می‌باشند.^{۷۵} که «بسیاری از این سازه‌ها [قلاع] در قالب معماری بومی به وجود آمدند.» (شریف کاظمی، عنانی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۲)

با مطالعه و معماری شناسی قلاع، می‌توان اطلاعات ارزشمندی را در مورد تحولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوامع هر دوره تبیین کرد. معماری‌شناسی قلاع نیازمند اطلاعات فراوان و گسترده در زمینه‌های مختلف می‌باشد. با بررسی قلعه‌های آمل از لحاظ کاربری سه نوع قلعه در آمل و روستاهای اطراف مشاهده شده است:

الف: قلعه‌های نظامی - دیده‌بانی

از لحاظ معماری، این نوع قلاع از سنگ و خاک درست شده است و از وسعت چندانی برخوردار نیست و در حدّ جای گرفتن چند سرباز جهت انجام فعالیت‌های نظامی - دفاعی احداث شده است. برخی از قلاع دیده‌بانی، مصالح زیرین را از سنگ، خشت و خاک و بخش برجک‌ها قلاع به جهت گسترش میدان دید سربازان و عدم راه‌یابی به درون قلاع، از

^{۷۵} «یکی از منابع بسیار با ارزش برای مطالعه در خصوص هویت مازندران و ماهیت جغرافیایی این خطه، مطالعه برخی واژگان کهنی است که در مورد جای‌ها و آبادی‌ها و اقوام این منطقه وجود دارد. با مطالعه در این واژه‌ها به حلّ برخی از پیچیدگی‌های تاریخ و فرهنگ مردمانی که طیّ هزاره‌های متمادی در این منطقه می‌زیسته‌اند، راه یافت.» (پیروز، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

چوب و تخته استفاده می‌کردند. تعداد این نوع قلاع در آمل زیاد بوده است.

نحوه‌ی قرارگیری این نوع قلاع، سنجیده و در فواصل معینی احداث شده بودند. این دسته از قلاع بر روی بلندی‌ها و ارتفاعات دست‌ساز بنا می‌شدند، امروزه جهت بازیابی مکان استقرار این نوع قلاع، می‌توان از نقاطی که تجمع سنگ‌چین‌های فراوان به همراه خاک زیاد، به صورت انباشته و تپه‌های دو الی سه متری با فواصل و جهات معین مشاهده می‌شود، کمک گرفت. کشف هر نوع ابزار جنگی از دل این نوع تپه‌ها، تاییدی بر قلعه بودن نقطه‌ی مد نظر می‌باشد.

ب: قلعه‌های مسکونی - دفاعی

با بررسی‌های میدانی و نتایج مشاهدات، تعدادی از قلاع آمل از لحاظ کاربری، مسکونی- دفاعی بوده اند. از ویژگی‌های این نوع قلاع، گستردگی و وسعت زیاد زیر بنای آن می‌باشد. معمولاً این نوع قلاع، مختص فرمانروایان و حاکمان قدرتمند و رهبران مذهبی مازندران و یا آمل بوده است. این افراد به همراه اعضای خانواده و درباریان در قلاع دفاعی - مسکونی که در نزدیک‌ترین محل به مقر پادشاهی و حکومتی احداث شده است، پناه می‌گرفتند. معمولاً سکونت در این گونه قلاع، طولانی مدت بوده است.

مصالح به کار رفته در این نوع قلاع، هم مانند قلاع نظامی - دفاعی بوده، اما در این نوع قلاع از چوب کمتر استفاده شده است، زیرا به کارگیری چوب، خطر آتش سوزی، پوسیدگی بر اثر رطوبت و پوکی به خاطر نفوذ حشرات از جمله موریانه که در شهرستان آمل به وفور وجود داشت، را زیاد می‌کرد.

مساحت این نوع قلاع، بستگی به تعداد ساکنین آن بوده است. از بررسی‌ها و تحقیقات میدانی، این نتیجه به دست آمده است: مساحت برخی از قلاع مسکونی - دفاعی مانند «قلعه‌ی کافر» و «چا او سر» به بیش از پانزده هزار مترمربع می‌رسد.

وجود ظروف سفالی و کوزه‌های فراوان در اطراف و داخل این نوع قلاع، بیانگر مسکونی بودن و سکونت نفوس زیاد هر قلعه می‌باشد. قلاع مسکونی به دلیل استحکام زیاد، قرن‌ها پا برجا می‌باشد و دست تخریب‌گر طبیعت و انسان‌ها، تاکنون نتوانسته است، آثار آن‌ها را از زمین محو کند.



تصاویر سفال‌های کشف شده در قلعه کاس چا او سر. (۱۳۹۵/۸/۹ه.ش).



تصویر خندق در اطراف قلعه به عنوان شاهد. (قلعه ساسانیان شهر ایزدخواست).

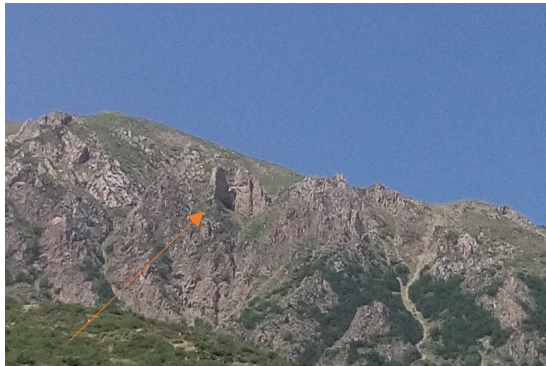
اطراف قلعه مسکونی - دفاعی را نوع قلعه نظامی - نگهبانی در بر گرفته بود. هم چنین احداث خندق بر گرداگرد این نوع قلعه به جهت جلوگیری از هجوم دشمنان در آن زمان رایج بوده است.

از ویژگی دیگر این نوع قلاع، وجود منبع و مخزن آب، آذوقه و سوخت مانند هیزم، فضولات حیوانی و غیره می‌باشد. اینان به جهت اقامت ماه‌ها و سال‌ها در این نوع قلاع، نیازمند امکانات و تسهیلاتی برای ادامه زندگی بوده‌اند. هم چنین اسناد و مدارک مهم نظامی، سیاسی، مذهبی و نیز جواهرات شخصی و حکومتی فرمانروایان را در آن جا نگهداری می‌کردند. این گونه اشیاء الزاماً در آمن‌ترین نقطه‌ی قلعه با گماشتن نگهبانان زبده جا داشتند.

در آمل نیز اسپهبدان و امیران، اموال گران بهای خویش را در نقاط امن قلاع، پنهان می‌کردند. به عنوان مثال، «امیرعلی [وزیر دربار باحرب لاریجانی] چون دید، مردم لاریجان به اسپهبد [علالدوله] پیوستند، گنجینه‌هایی که از باحرب در دژها بود، گرفت.» (مهجوری، ۱۳۸۱: ۲۷۱). از این گزارش، نتیجه گرفته می‌شود که اسناد و گنجینه‌های امیران و شاهک‌های آمل در قلاع نگهداری می‌شد.

وجود اجساد و قبور در این نوع قلاع، حکایت از آن دارد که ساکنین پس از مرگ در داخل همان قلعه دفن می‌شدند و دفن آنان به دلیل کمی جا و فضای قلعه، گاهی به صورت گروهی و یا موقتی بوده است.

ج: قلاع اوش / دوش



قلعه‌ی اوش روستای کرد چالک در دهستان نمارستانی لاریجان. (۱۳/۴/۱۳۹۸ ه.ش)



تصویر دخمه‌های روستای کوهستانی اسک لاریجان. (عکس اهدایی از مصطفی راعی اسکی،
۱۳۹۹/۳/۱۹ ه.ش)

ادوات قلعه‌گیری

به منظور هجوم، تصرف و تسخیر قلاع، نیازمند برخی ادوات بوده و به کارگیری این ادوات، بستگی به نوع و استحکام قلعه و تعداد مدافعان داشته است.

رابطه‌ی بین ادوات جنگی و قلعه‌سازی یک نوع رابطه‌ی معکوس می‌باشد؛ هر چه نفرات کمتر و ادوات جنگی ساده‌تر و ابتدایی باشد، استحکام و نفوذ ناپذیری قلاع از رشد کمتری برخوردار است و هر چه ادوات جنگی پیشرفته‌تر باشد، این معیارها رشد بیشتری پیدا می‌کند، چنان‌چه امروزه به علت پیشرفت روز افزون ادوات جنگی به طور کلی قلعه‌سازی به کنار گذاشته شده است.

رشد و کاربرد این ادوات برای تصرف قلاع آمل نیز، چیزی دور از انتظار نمی‌باشد. برخی از مهاجمین برای تصرف قلاع مستحکم و با نفوس زیاد نیازمند به کارگیری ادوات پیشرفته‌ی قلعه‌گیری بوده‌اند. از گزارش برخی منابع تاریخی، چنین استنباط می‌شود که «امیرمسعود غزنوی» هنگام حمله و تصرف شهر آمل و جنگ با شاهک‌ها و امیران بومی این دیار، مانند «باکلنچار» ادوات پیشرفته‌ی دژگیری به همراه داشته است، مورخان در این خصوص گزارش می‌دهند: «ده پیل، آلت دژگشایی و پانصد شتر زراد خانه با خود همراه کرد.» (مهجوری، ۱۳۸۱: ۱۹۴).

در سطور زیر با تعدادی از ادوات قلعه گیری آشنا خواهید شد:

دبابه

دبابه یکی از آلات محاصره‌ی قلاع بود که با آن، حصار شهر [یا دیوار قلاع] را ویران می‌کردند. دبابه را معمولاً چند مرد حمل می‌کردند. «فرجیهای قزوینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴ به نقل از طبری). و چنانچه زمانی مورد محاصره قرار می‌گرفتند، برای این که دبابه به دست نیروی‌های مقابل قرار نگیرد، آن را با شدت به دیوار می‌کوبیدند تا باعث تخریب و ناکار آمدی آن شود.

ساباط

این وسیله یکی از وسایل قلعه‌گیری بود، ساباط عبارت است از پناگاه بزرگ تونل مانند که توسط آهنگران و نجاران ساخته می‌شد و قوای مهاجم در پناه آن به حصار شهر [یا دیوار قلعه] نزدیک می‌شدند و از خطر اصابت ادوات پرتابی قوای مدافع و قلعه نشینان در امان بودند. «همان: ۶۴).

نفت انداز

«نفت انداز را می‌توان از تحولات و پیشرفت‌های پرتابه‌های منجنیق دانست؛ نفت اندازها، پرتابه‌های آتشین بودند که برای تخریب بیشتر به کار می‌رفت.» (فرجیهای قزوینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۷). نفت اندازها وسیله‌ای

بودند که با آن آتش‌پاره‌های نفتی را به سوی قلاع و مدافعین آن از راه دور پرتاب می‌کردند. در بررسی ساده می‌توان گفت: ساختار نفت اندازه‌ها شبیه منجنیق بوده است.



تصویر ماکت منجنیق‌های نفت اندازه.

نردبان

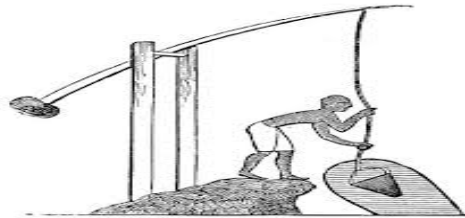
برای محاصره و تصرف قلاعی که از ارتفاع کمتری برخوردار بودند، از نردبان‌ها استفاده می‌کردند. گاهی برای حمل آسان‌تر نردبان‌ها و پنهان ماندن از دید مدافعین، طناب‌ها را به صورت نردبان به هم گره می‌زدند و با پرتاب آن به دیوارهای قلاع و گیر نمودن طناب‌ها به دیوارها و برجک‌ها، از قلاع به سرعت بالا می‌رفتند و به محاصره‌ی قلاع می‌پرداختند.

شادوف و منجنیق

منجنیق‌های ساده و اولیه، «شادوف» نام داشت؛ «شادوف کارکردی بسیار ساده داشت و مانند منجنیق‌هایی که پس از آن ساخته شد، پیچیدگی‌های فیزیکی و مکانیکی را نداشت. این منجنیق‌ها از یک وزنه و یک صفحه تشکیل شده بودند. زمانی که قوای مهاجم، قصد پرتاب مواد پرتابی را داشت، وزنه به پایین کشیده می‌شد و پس از رها شدن پرتابه به سمت هدف، شلیک می‌گردید.» (فرجیهای قزوینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷).



طرح شادوف



طرح منجنیق ساده

منجیق نوع پیشرفته‌تر شادوف می باشد که در جنگ‌ها از آن استفاده می‌شد. در گزارش مورخان آمده است که مهاجمین برای تصرف شهر آمل، از منجیق استفاده می‌کردند؛ ابن‌اسفندیار در ذکر تسخیر آبادی فیروزآباد [فیروزکلا] توسط دیلمیان، از منجیق استفاده کردند. (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۵۷).

خَرک

«خرک از لحاظ ساختمان با دژکوب یا دبایه تفاوتی نداشت. کارگران زنجیر یا طناب آن را تا جایی که ممکن بود به عقب می‌کشیدند و سپس آن را رها می‌کردند تا نوک تیر آهنی آن به دیوار بارو بخورد.» (فرجیهای قزوینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). خرک‌ها، شکل ساده‌تر و ابتدایی دژکوب‌ها بودند.

عراده

جنگ افزاری پرتابی شبیه منجیق، اما کوچک‌تر از آن بود، عراده‌ها برای پرتاب سنگ و تیر به کار گرفته می‌شد. در واقع عراده شبیه‌ترین وسیله به خمپاره اندازه‌های سبک امروزی است که تیرهای آن متوجه موقیعت‌های دشمن در میدان نبرد می‌شد. هم چنین عراده وسیله‌ای از ادوات قلعه‌گیری بود که با آن نفت را به مسافت‌های دور پرتاب می‌کردند.» (فرجیهای قزوینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴).

قدور

«این وسیله حاوی مواد برگرفته از ترکیبات پیچیده بود که پس از پرتاب به وسیله‌ی منجنیق منفجر می‌شد.» (فرجیهای قزوینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲).
قدورها در واقع شکل اولیه‌ی نارنجک‌های امروزی بودند.

قلعه‌ی آمل

برخی از منابع تاریخی از قلعه‌ای به نام «قلعه‌ی آمل» نام می‌برند که موقعیت و مکان آن نامشخص است. «گلن در سال ۱۷۷۱ میلادی [۲۵۰ سال قبل از نوشتن این کتاب] به آمل سفر نموده و می‌نویسد: «معلوم می‌شود که آمل از تمام بلاد دیگر ایران، بیشتر استحکام داشته، زیرا ارک آن مخصوصاً، هنوز موضع مستحکم خوبی است و برج و باروهای آن از هر

سو، آن را جهت دفاع آماده ساخته و در کمال صحت است.» (رابینو، ۱۳۸۳: ۲۳۶).

هنوی درباره‌ی این قلعه گزارش می‌دهد: «دژی کهنسال در این شهر است که متناسب‌تر و محکم‌تر از آن، دژی در ایران نیست. دیوارهای آجری دژ، بسیار پهن بود و مردم محل، تاریخ احداثش را چهار هزار سال قبل از زمان نادرشاه می‌دانستند و می‌گفتند که از آن تاریخ به بعد، این دژ هر دو بیست سال یکبار مرتباً تعمیر و مرمت می‌شده است.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۶ به نقل از هنوی). با گزارش فوق نمی‌توان، مکان این قلعه را پیدا کرد. هم چنین مولف تاریخ گیلان از قلعه‌ی آمل نام می‌برد، ولی مکان دقیق آن را مشخص نمی‌کند. (فومنی، ۱۲۷۴: ۱۸۸).

از گزارش «ویلیام ریچارد هولمز» انگلیسی در سال (۱۲۶۰ ه.ق) می‌توان فهمید که این قلعه در نزدیکی پل هراز [دوازده چشمه] قرار داشت. هولمز گزارش می‌دهد: «دژ کهنسال و بزرگی که «هنوی» صد و شش سال قبل، آن را مستحکم‌ترین و خوش ترکیب‌ترین دژهای ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت، اثری دیده نمی‌شود.^۸» (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۶ به نقل از هولمز). اما از گزارش اعتمادالسلطنه می‌توان فهمید که این قلعه در محلّ سبزه میدان امروزی قرار داشت که در زمان او کاروان‌سرای در این

^۸ هولمز در زمان محمد شاه قاجار به آمل سفر کرده است.

نقطه احداث شده بود. (همان: ۴۶). نویسندگان امروزی هم آن چه را که اعتماد السلطنه عنوان نموده است، بازنویسی می‌کنند.^{۸۱} از گزارش شفاهی سالخوردگان چنین یافت می‌شود در محلّ سبزه میدان آمل، جایی که امروزه هتل شهرداری تا کمی به طرف بانک ملی مرکزی هست، بقایا و خرابه‌های کاروان‌سرای وجود داشت که آثار آن تا قبل از دهه‌ی (۱۳۳۰ه.ش) قابل مشاهده بود و در اقدامات نوسازی شهر آمل در زمان محمدرضا شاه از بین رفت.

^{۸۱} - یوسفی فر و یدالله‌پور درباره‌ی این قلعه می‌نویسند: «در نزدیکی پل دوازده پله، آثار قلعه‌ی قدیمی وجود داشت که از آن به عنوان کاروان‌سرا استفاده می‌شد.» (یوسفی‌فر و یدالله‌پور، ۱۳۹۵: ۸۵)

فصل چهارم: قلعه‌های تاریخی بخش لیتکوه

مختصری از تاریخ لیتکوه

لیتکوه به مجموعه آبادی‌ها و سرزمین‌های غرب آمل گفته می‌شود که به دو دهستان «بالا خیابان» و «پایین خیابان» تقسیم شده است.^{۸۲} قدمت لیتکوه به ازمه‌ی دور بر می‌گردد. برخی پژوهشگران نوشته‌اند: «نخستین پایتخت ایرانیان یعنی شهر تاریخی «کوس» در غرب آمل قرار داشته و تختگاه فریدون بود.» (جنیدی، ۱۳۷۵: ۱۶۳) و پایتخت مدنظر را روستای «کوسه‌رز» یکی از آبادی‌های لیتکوه دانسته‌اند که این نظر باید مورد بررسی‌های بیشتر کاوشگران تاریخی و باستان‌شناسی قرار گیرد.^{۸۳} هم چنین «لیکانی» دشتی در بالا خیابان لیتکوه است که منابع دست اول تاریخ مازندران از جمله ابن‌اسفندیار و میر ظهیرالدین مرعشی و شیخ علی گیلانی بارها از این نقطه

^{۸۲} - برای آشنایی بیشتر با این بخش از آمل به کتاب زیر مراجعه شود: تاریخ و جغرافیای سرزمین‌های غرب آمل به قلم رشید محمدی لیتکوهی، (۱۳۸۶ خورشیدی، انتشارات وارث وا)
^{۸۳} - زمانی که دکتر «فریدون جنیدی» آبادی «کوسه‌رز» لیتکوه را به عنوان پایتخت آریایی‌ها در گرفته است، این منطقه بر اساس نتایج پژوهش‌های زمین‌شناسی، باتلاقی و مرداب‌گون بوده است. شاید شهر «کوس» مد نظر در شاهنامه‌ی فردوسی به عنوان پایتخت ایرانیان باستان می‌تواند روستای «کوس‌محل»ی کجور باشد که مکان مناسبی برای پایتخت بوده است.

نام برده‌اند. واکاوی نام برخی از آبادی‌های این دیار، از جمله: سوتَه کلا، مه‌خوران، دِرَز، یِرِم، کن کاس کتی، کاس محله و چند آبادی دیگر، حکایت از قدمت لیتکوه به زمان‌های دور مازندران دارد.

«آلیش رود» [آلش رود]، «شیلوت»، [شیلوات]، «تجنرود» و «لیکانی» یا «لیتکانی» چهار نهر تاریخی و بزرگ لیتکوه می‌باشند که اراضی این دیار را آبیاری می‌کند و تمامی این نهرها در منابع تاریخ و جغرافیای مازندران نام برده شده‌اند.

در وجه تسمیه‌ی لیتکوه چند نظر وجود دارد که مشهورترین آن به شرح زیر می‌باشد:

لیتکوه مرکب از دو کلمه‌ی «لیت» و «کوه» است که لیت یا لیته به معنی رسوبات نهرها و سیلاب‌ها گفته می‌شود و کوه همان معنی رایج از آن استنباط می‌گردد. بنابراین لیته کوه یا لیتکوه به سرزمینی، شامل کوه و اراضی رسوبی و جلگه‌ای اطلاق می‌شود.

بیش از چهل طایفه و چند صد تیره‌های پرجمعیت و خُرده تیره در لیتکوه زندگی می‌کنند که سه طایفه‌ی اسکو، شیرامه^۴ و اسحاق در گذشته به خصوص از زمان ناصرالدین شاه، از سر طوایف این دیار محسوب

^۴ در صفحه ۲۱۶ کتاب خطی «بحر الانساب سید مرتضی رازی» از این طایفه نام برده شده است.

می‌شدند و در کنار آن طوایفی هم چون ملکشاهیان، کُرد، گیل، تالش، ایباک و چند طایفه‌ی دیگر از لحاظ نفوس و پراکندگی در راس هرم جمعیتی لیتکوه قرار دارند.

بنابر گزارش منابع تاریخی، در این دیار چند جنگ در ادوار مختلف رخ داده است که برخی از آن‌ها را مورخان، به نام «جنگ لیکانی» و «جنگ یاسمین کلاته» ثبت کرده‌اند.

هم چنین در این دیار، چند آرامگاه منسوب به امام‌زادگان و رهبران شیعی وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به امام زاده قاسم (ع) در قاجار محله (قجر محله) و امام زاده عباس (ع) در سوته کلا نام برد.

در دو بخش بالا و پایین خیابان لیتکوه، آثار چندین قلعه به چشم می‌خورد که نشانگر اهمّیت سیاسی و نظامی این دیار در گذشته و حال بوده است.^{۸۵} در صفحات پیش رو به تعدادی از این قلاع اشاره می‌شود:

^{۸۵} - کتاب « لیتکوه (جغرافیا، تاریخ، فرهنگ)» به پژوهش و نگارش رشید محمدی لیتکوهی به زودی در چاپ دوم تقدیم علاقمندان خواهد شد.

قلعه‌های تاریخی بخش بالا خیابان لیتکوه



قلعه‌ی زَکریا / زِکریا



تصویر آب انبار ساروجی قلعه‌ی زکریا و نمای کند و کاوهای غیر مجاز.
(۱۳۹۵ خورشیدی) (عکس: اهدایی از علی محمودزاده).

این قلعه در ارتفاعات جنگلی مرتع «زکریا»، در جنوب روستای «رزکی»^{۸۶} و شمال «گره سنگ» قرار دارد. نشانی‌هایی از این قلعه در تاریخ آمده

^{۸۶} - به نظر می‌رسد: «زَ» به معنی مکان، سرزمین و نقطه‌ی جغرافیایی باشد که بر سر نام‌واژگان بسیاری از آبادی‌های مازندران و آمل آمده است. آبادی‌هایی هم چون: رزکی امقر پادشاه، کوس‌رز [محل قوم کوس یا کاس]، درز [محل و جایگاه دیوها]، رزن [رزن] در بلده ارز + نا: نقطه‌ی کوهستانی، رزک [آبادی کوچک]، در چمستان، رزان [رز + ان: محل سکونت] در بهرستاق و فیروزکوه از جمله آبادی‌هایی هستند که در مازندران با واژه‌ی «رز» نامگذاری شدند. این مولفه کتبی تحت عنوان «تاریخ آبادی‌های آمل» در دست انتشار دارد که درباره‌ی این واژه مطالب بیشتری آورده است.

است. با بررسی منابع عصر مرعشیان این نکته به دست می‌آید که مرعشیان در فصل تابستان در ارتفاعات جنگلی جنوب شهر آمل سکونت داشتند و این قلعه، یکی از قلاع نظامی- مسکونی آنان بوده و به قلعه‌ی «مرعش» نیز معروف می‌باشد. قدمت این قلعه به زمان‌های دورتر از مرعشیان می‌رسد. ستوده درباره‌ی این قلعه گزارش داده است: «این قلعه، دیوار سنگی داشته که بر اثر کند و کاو [توسط افراد طماع و جاهل]، فعلاً هم سطح زمین اطراف شده است. وسط آن آب انباری است که آثار ساروج بر دیوار آن دیده می‌شود.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۱۸).

قلعه‌ی فرنگیس

قلعه‌ی فرنگیس، از قلاع بسیار قدیمی هست که در بالا دست جنگل‌های مرتفع آبادی «رزکی» قرار دارد و بنابر اشارات منابع تاریخ بومی، این قلعه محل سکونت و گاهی رزمگاه مرعشیان بوده است.

ستوده درباره‌ی این قلعه گزارش داده است: «فرنگیس قلا [قلعه‌ی فرنگیس] در مرتع جنگلی «شاه موزی بن»^{۸۷} قرار دارد. کمی از آثار دیوار سنگی آن بر جای است. کند و کاو و درختان جنگلی یک سر، وضع قلعه را به هم

^{۸۷} - از مراتع جنگلی و پرتاسی سر سبز بالا خیابان لیتکوه در جنوب آمل است که در اشعار «امیر پازواری» به جهت سر سبزی بدان اشاره شده است.
«امیر گنه: گشته لیتکوه خجیره / گشت لیتکوه هر کجه بو، خجیره / شاه موزی بن وارنگ بو خجیره / پنج روزه دنیا، هر کجه بو، خجیره.»
قابل ذکر است، مرتعی دیگر در روستای فیروزکلای دشت‌سر به نام «شاه موزی بن» وجود دارد که به نظر می‌رسد در تاریخ ابن اسفندیار از آن یاد شده است.

زده است. آثار آب انباری در میان قلعه است. ابعاد آجرهایی که در بناهای داخلی به کار رفته بود به سی سانتیمتر می‌رسد.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۱۸).



دورنمای قلعه‌ی فرنگیس در ارتفاعات پرتاسی رزکی.

(۱۳۹۵ خورشیدی)

(عکس: اهدایی از علی محمود زاده).

قلعه‌ی چندرمحله

آثار این قلعه در سمت شمالی روستای چندرمحله و در کنار نهر شیلوت [شیلوات] قابل مشاهده است. از مساحت این قلعه مشخص می‌باشد که قلعه‌ای مسکونی با اهمّیت نظامی و شاید مذهبی بوده است. زیرا روستای تاریخی «مه خوران» که پیشینه‌ی آن به عصر مهرپرستان می‌رسد، در فاصله‌ی نه چندان دور، از این قلعه، قرار دارد. ساختمان این قلعه، بنایی دست‌ساز است که مصالح به کار رفته در آن، خاک و سنگ بوده و امروزه درختان تنومند آزاد، در بستر آن روییده است. از گذشته‌ی این قلعه، اطلاعاتی در دست نیست. ولی به جهت نزدیکی با روستای مخران (مه‌خوران)، این انگاره قابل طرح است که قلعه‌ی چندرمحله، کاربری مسکونی - نظامی - مذهبی داشته است. منوچهر ستوده «مساحت این قلعه را حدود دو هزار متر مربع و ارتفاع آن را تقریباً ده متر گزارش داده است.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۱۷). بی شک مساحت این قلعه در گذشته بیشتر از این بوده است.

قلعه‌ی تابران / تلیران

برخی از پژوهشگران نوشته‌اند که قلعه‌ی نظامی و پادگان «تابران» که ابن‌اسفندیار از آن در تاریخش نام برده است، محلّ آن قابل تطبیق با روستای تلیران امروزی در بخش بالا خیابان لیتکوه می‌باشد. (نیستانی و تقوی، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

از تحقیقات میدانی در آبادی تلیران این نکته به دست آمد که آثار قلعه‌ای در این آبادی وجود داشت که امروزه به طور کلی از بین رفته است. شاید قلعه‌ی مورد اشاره، همین قلعه‌ی «تابران» بوده باشد.

قلاکتی سامان دره

در نقطه‌ی دو راهی امام زاده عبدالله (ع)، ابتدای ورودی به این شهر، بین مرتع «کتی» و سامان دره، قلعه‌ای وجود داشت که این قلعه کاربری دیدبانی داشته است. امروزه بر اثر تعریض جاده‌ی امام زاده عبدالله، آثار آن به کلی از بین رفته است.^{۸۸}

قلاکتی میانرود

بین دو روستای میانرود و کارچی کلای لیتکوه،^{۸۹} تا سال ۱۳۵۰ خورشیدی، آثار چند قلاع وجود داشت که مساحت زیر بنای این قلاع، بیش از سه هزار متر مربع بوده است؛ امروزه آثار این قلاع به طور کامل از بین رفت و به اراضی کشاورزی تبدیل شد. از مساحت زیر بنای این قلعه‌های متصل به هم، استنباط می‌شود که این قلاع کاربری مسکونی- نظامی داشته است. از قدمت این قلاع هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.^{۹۰}

^{۸۸} - مصاحبه با مرحوم حیدر حیدری، (اردیبهشت ۱۳۷۶ ه.ش)

^{۸۹} - امروزه این نقطه در جنب باغ گل نادری و سمت چپ راه کارچی کلا به میان‌رود قرار دارد.

^{۹۰} - مصاحبه با حاج محمد محمدی، ۱۳۹۷/۹/۲۹ ه.ش، روستای سنگ‌کوبی.

قلعه‌ی وِشتان / قلعه‌ی وِشت



تصویر ساختمان قدیمی و در حال احداث آرامگاه امامزاده محمد(ع) نوگردن. (اسفند ۱۳۹۶ ه.ش)

بازمانده‌های قلعه‌ای در شرق اسکومحله و غرب روستای «نوگردن» به صورت تلی از خاک مشاهده می‌شود و امروزه به قلعه‌ی «وِشت» مشهور است. نام کاملتر و درست این قلعه، «وِشتان» می‌باشد که بر اثر سهولت بیان و کثرت تلفظ به صورت قلعه‌ی وِشت در آمده است. از نام قلعه پیداست که آبادانی آن به دوران زرتشتیان مازندران و آمل می‌رسد؛ زیرا کلمه‌ی وِشت یا وِشته به معنی آتش می‌باشد.^{۹۱}

^{۹۱} - وِشتان نام آبادی در فیروزکوه است. این واژه از «وِشته» به معنی پاره آتش و چوب گداخته آمده است و به معنی مکان آتش می‌باشد. شاید قدمت این آبادی به دوران ادیان کهن مانند مهرپرستی و زرتشتی می‌رسد.

صدرالله اسکو نویسنده‌ی کتاب «از اسکو تا اسکومحله» در این باره نوشته است: «کلمه‌ی کله وشت که درست آن باید قلعه وشت / دشت باشد و نیز شکل تپه‌ای بودن محلی که ساختمان امامزاده در آن قرار گرفته، نشان از وجود قلعه‌ای در این محل در گذشته‌های دور دارد که بررسی بیشتر در این زمینه، شاید این نظر را تایید کند.» (اسکو، ۱۳۹۴: ۴۹) با توجه به نام و موقعیت جایگیری قلعه، می‌توان این انگاره را پیش کشید: این نقطه، محلّ پاسبانی آتش بوده که در نزد زرتشتیان مقدس می‌باشد. [همانند نام روستای سوته کلا].

قلعه‌ی کارچی کلا

بنابر گزارش شفاهی سالخوردگان در روستای کارچی کلای لیتکوه، در گذشته‌ی نه چندان دور، آثار قلعه‌ای به چشم می‌خورد که از خاک و خشت بنا شده بود. اما از نام قلعه پیداست که باید چوب هم از سازه‌های آن باشد، چرا که شکل اولیه و تلفظ صحیح این قلعه به صورت «گرچه کلا» می‌باشد. در لغت‌نامه‌ی دهخدا و معین «گرچه» به معنی «خانه‌ای که جالیزبانان و زارعان در مزارع، از چوب و علف سازند. کومه (کیمه)، کلبه.» (لغتنامه دهخدا و معین. واژه‌ی کارچی).

هم چنین در این لغتنامه‌ها کارچه به معنی «کُنده و بوته‌ای از درخت که شاخه‌های فراوان و انبوه دارد.» آمده است. (همان: واژه‌ی کارچه). با توجه به مقدار مصالح به جا مانده این قلعه، موقعیت دیده‌بانی داشته است.

قلعه‌ی سر آزدار

در مرتع «قلعه سر آزدار» روستای سوته کلای لیتکوه خاک انباشتی وجود دارد که به نظر می‌رسد بستر قلعه‌ای بوده باشد که امروزه جزء اراضی کشاورزی مردم این آبادی شده است. وجود سفال و فلزات در بستر این قلعه بیانگر کاربری مسکونی بودن قلعه را دارد.^{۹۲}

قلعه‌ی سنگر

تا سه دهه‌ی پیش، آثار سنگ‌چین ساختمان این قلعه در سمت غرب روستای چندرمله، قابل مشاهده بود. از نام آن پیداست باید نقطه‌ی نظامی بوده باشد، نشانی‌های چند ساختمان در کنار این قلعه مشهود بود.^{۹۳}

^{۹۲} - مصاحبه با حاج محمد محمدی، زمان مصاحبه: ۱۳۹۹/۲/۲۴. مکان مصاحبه: روستای سنگ‌کویی.

^{۹۳} - مصاحبه با دبیر مصطفی منفردی؛ کارشناس ارشد تاریخ (۱۳۹۸/۵/۲۲ش).

قلعه‌ی فرخان شاه - [عَفَّار شاه]



نمای قلعه‌ی فرخان شاه. (۱۳۹۵/۱/۲۰ه.ش).

در انتهای بلوار پاسداران خیابان شیخ فضل‌الله نوری [جاده‌ی نور] در فاصله‌ی نزدیک، آثار قلعه‌ای به چشم می‌خورد که به قلعه‌ی «عَفَّار شاه» [عَفَّر شاه] مشهور است. داده‌های تاریخی حکایت از آن دارد که در آمل و یا سراسر مازندران، پادشاهی به نام «عَفَّار» حکمرانی ننموده است و به نظر می‌رسد این نام، تحریف و تغییر شده‌ی کلمه‌ی «فرخان شاه» باشد که نام او در منابع تاریخی مازندران به کثرت یاد شده است و در آمل هم پادشاهی کرده است. «آل دابویه در زمان فرخان بزرگ، پایتخت سیاسی خود را از گیلان به تبرستان منتقل کرد.» (خسرویگی و ایزدیار پیرستی، ۱۳۹۴: ۱۰۵). و «فرخان شاه یا فرخان بزرگ از سال (۹۳ق) تا سال (۱۱۰ق)

به مدت ۱۷ سال زمامداری مازندران و گیلان را بر عهده داشته است؛ دوران حکومت او دوران طلایی حکومت اسپهبدان دابویی بوده است؛ چرا که عملکرد او هم در زمینه‌های امنیت داخلی و وسعت قلمرو جغرافیایی و هم چنین روابط خارجی و پیروزی نظامی در حد بسیار گسترده است که نهایت به تحکیم این سلسله انجامید.» (خسرویگی و ایزدیار پیربستی، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۴).

بر روی بازمانده‌های این قلعه، درختانی از نوع آزاد [آزدار] رویده است. از گذشته‌های این قلعه، اطلاعات موثقی در دست نیست. مصالح به کار رفته در این قلعه، خاک، خشت و سنگ بوده است. با دقت در وسعت این قلعه، چنین یافت می‌شود: قلعه‌ی فرخان شاه موقعیت مسکونی- نظامی داشته است.

هم چنین گزارش شده است که در حین تسطیح نقاط اطراف این قلعه، سنگ‌هایی به شکل گوی از دل خاک بیرون کشیده شده است که کاربرد آن مشخص نمی‌باشد، ولی این انگاره را می‌توان پیش کشید که این نوع سنگ‌گویی‌ها برای غلتانیدن، هنگام حمله‌ی دشمن از بلندای قلعه بوده است. این انگاره با گزارش بلاذری قابل تایید است: «هنگام محصور شدن در قلاع از بالای آن‌ها، سنگ و چیزهای دیگر پرتاب می‌کردند.» (خسرویگی و ایزدیار پیربستی، ۱۳۹۴: ۱۰۲ به نقل از بلاذری).

بالا قلعه دشت و پایین قلعه دشت



تصویر مرتع پایین قلعه دشت در روستای سنگ کوبی. (۱۳۹۵/۸/۲ ه.ش)

در ضلع جنوب غربی بیمارستان امام علی (ع) و ضلع شرقی روستای سنگ کوبی، تا چند دهه‌ی قبل بازمانده‌های دو قلعه، با فاصله‌ی کمتر از پنجاه متر در جهت شمالی- جنوبی در مراتعی به نام‌های «بالا قلعه دشت» و «پایین قلعه دشت»^{۹۴} وجود داشت که این قلاع از نوع خاکی و دیده‌بانی بوده است.

^{۹۴} - گاهی به اشتباه نام این قلاع به صورت «بالا قلعه مُشت» و «پایین قلعه مُشت» تلفظ می‌شود.

قلع لیکانی

از نشانی‌های منابع تاریخی بر می‌آید که در نقطه‌ی لیکانی یا لکونی لیتکوه، سه جنگ بزرگ و ویرانگر در فواصل زمانی سال‌های ۲۵۰، ۲۸۸ و ۳۰۶ هجری قمری روی داده^{۹۵} که همگی این جنگ‌ها، نیازمند استحکامات نظامی از جمله قلاع بوده است. لیکانی یا لیتکانی به منطقه‌ی تقریباً محدوده‌ی ۱۰۰ هکتار از اراضی جنوب غربی و غرب آمل امروزی گفته می‌شود که گستردگی این نقطه به دلیل اهمیت نظامی آن، احداث قلعه‌های دیده‌بانی - نظامی و مسکونی - نظامی را الزام می‌نماید.



^{۹۵} - شرح این جنگ‌ها در کتاب «لیتکوه، دیار تاریخ و فرهنگ» با پژوهش و نگارش نویسنده‌ی حاضر آمده است که این کتاب به زودی تقدیم علاقمندان خواهد شد.

منطقه‌ی لیکانی لیتکوه. (۱۳۹۵/۵/۱۹) ه.ش.

قلعه‌ی تخت فریدون

در ضلع شمالی روستای آغوزبن^{۹۶} [آغوز+ بن^{۹۷}] پایین خیابان لیتکوه، در مسیر قدیمی پیاده‌رو به روستای سائیح‌محله، تا چند دهه‌ی قبل، آثار دو تپه‌ی بزرگ در نزدیک هم وجود داشت که اهالی، آن دو را بقایای «تخت فریدون» می‌پنداشتند. با اندک کند و کاو، از میان این تپه‌ها، سفال‌های فراوان به دست می‌آمد که حکایت از زندگی بسیار دیرین، در این قلعه‌ها می‌کند. امروزه بر اثر تسطیح اراضی، آثار این قلاع به کلی از بین رفتند.^{۹۸} قابل ذکر است، تخته سنگی بزرگ، در بخش دلارستاق لاریجان وجود دارد که به تخت فریدون مشهور است.

قلعه‌ی چال کیاده / چاله کی

نشانی‌های قلعه‌ای در مرتعی به نام «قلعه» در روستای «چاله‌کی» قابل مشاهده است که از وسعت آن بر می‌آید، این قلعه از نوع مسکونی بوده

^{۹۶} - نام قدیمی‌تر این آبادی «ترگس‌کنی» بوده است.

^{۹۷} - بن به معنی محل مرتفع، سد و قلعه آمده است.

^{۹۸} - مصاحبه با دبیر محترم سید مختار حسینی، اهل روستای آغوزبن، [نامبرده آثار این دو قلعه را با چشم خویش دیده است.]. مکان مصاحبه: خیابان شیخ فضل‌الله نوری، زمان مصاحبه: (۱۳۹۸/۱/۱۵) ه.ش.

است. امروزه با اندک کند و کاو، سفال‌های شکسته از دل خاک بیرون می‌آید.^{۹۹}

قلعه‌ی ورام ده / وهرام ديه



بازمانده‌های احتمالی ساختمان قلعه‌ی وهرام ديه در نزدیکی روستای تاریخی ورام ده.

در میان اراضی جنوبی روستای وهرام ديه ۱۰۰ / وهرام ده / ورام ده واقع در بالا خیابان لیتکوه در مرتعی به نام «قلا»، تا دو دهه‌ی قبل، آثار قلعه‌ای به چشم می‌خورد که بر اثر تسطیح و تصرف اراضی، این تپه‌ی وسیع، مسطح گردیده است و امروزه، اثری از آن به چشم نمی‌خورد. از آن جایی که

^{۹۹} - مصاحبه با حبیب‌الله ریجبر، ۴۸ ساله، ساکن و عضو شورای روستای چال کی (چال کیا ده)، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۸/۵/۱۵ ه.ش. مکان مصاحبه: دبستان غیر دولتی اعتمام آمل.
^{۱۰۰} - نام آبادی «وهرام ديه» در تاریخ ابن اسفندیار ذکر شده است و در این مکان یکی از پاسگاه‌های دوران اسلامی احداث شده بود.

فرض است، پاسگاه تاریخی بهرام دیه که در تاریخ ابن اسفندیار از آن یاد شده است، شاید این قلعه، بازمانده‌ی پاسگاه بهرام دیه یا وره‌رام ده و یا ورام ده امروزی باشد.



بازمانده‌های ساختمان قلعه‌ی احتمالی وهرام دیه در نزدیکی روستای تاریخی ورام ده
(عکاس: میثم اخی [غفارنژاد] از روستای علی‌آباد نور. آبان ۱۳۹۸ ه.ش)

در کتاب شهرستان‌های ایران‌شهر، «وَر به معنی دیوار، برج و بارو و یا حصار آمده است و هم چنین به معنی بخشی از شبکه‌ی پدافندی دیواری در دوره‌ی ساسانی بوده است.» (دریایی، ۱۳۸۸: ۷۱). بنابراین نام این روستا برگرفته از قلعه‌ی نظامی بوده و بحث درباره‌ی وجه تسمیه‌ی این آبادی تفصیل می‌باشد. در نزدیکی این آبادی تاریخی آثار فراوانی از بازمانده‌های ساختمانی با خشت و ساروج به چشم می‌خورد که برخی باور دارند که این آثار پایه‌های پل آلش‌رود می‌باشد، ولی می‌توان این انگاره را پیش

کشید که به علت مشاهده‌ی برخی از دیوارها، همان آثار ساختمان پادگان ورهرام دیده باشد که تایید یا رد این فرضیه منتظر تحقیقات و گمانه‌زنی‌های علمی باستان شناسان است.

قلعه‌ی اسپند / اسپنت

بازمانده‌های قلعه‌ای در کنار روستای اسپند^{۱۱} به چشم می‌خورد که از مساحت بنای این قلعه بر می‌آید از نوع قلاع مسکونی - نظامی - مذهبی بوده باشد که جنبه‌ی مذهبی بودن این قلعه، با توجه به نام آن [اسپند] بیشتر نمایان است. امروزه بستر این قلعه، اراضی کشاورزی مردم این آبادی قرار گرفت.^{۱۲}

نام آبادی برگرفته از کلمه‌ی «اسپنتا» است. «اسپنتا یعنی پاک و مزه و یکی از امشاسپندان شش گانه‌ی اوستا می‌باشد.» (مشکور، ۱۳۲۵: ۳۴).

^{۱۱} - در دو شهر فومن استان گیلان و زرد استان مرکزی هم روستایی به نام اسپنت یا اسپند وجود دارد.

^{۱۲} - مصاحبه با دبیر مصطفی منفردی؛ کارشناس ارشد تاریخ و ساکن در منطقه؛ محل مصاحبه: میدان ۱۷ شهریور آمل، تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۸/۵/۲۲) ه.ش.

قلعه‌ی پیل / پیل تپه خشواش



قلعه پیل در روستای کوهستانی خشواش. (۱۳۹۹/۵/۲۲ش-عکس: اهدایی از سیف‌الله غلامی)
 امروزه بازمانده‌های قلعه‌ی پیل^{۱۳}، در مرتعی به نام پیل تپه، میان دو آبادی
 خشواش و کپین در نزدیکی چشمه‌ی «پنج انگیس»^{۱۴} وجود دارد. آثار

^{۱۳} - «پیل» یا «پول» به معنی شهر، آبادی، دیوار می‌باشد و این کلمه از زبان یونانی در زمان سلوکیان بر سر نام برخی آبادی‌های ایران جای گرفت. [اطلاعات بیشتر رک: (محمدی و حاجی نصرالله، ۱۳۸۵: ۲۰).]

^{۱۴} - «انگیس» در زبان تبری به معنی انگشت می‌باشد و گاهی نوعی واحد اندازه‌گیری مایعات رقیق مانند رب، مربا و برخی جامدات خرد شده مانند نمک، و ادویجات بوده است. در بستر این چشمه سنگی وجود داشت که تصویر پنج انگشت بر روی آن حک شده بود.

سنگ چین‌های این بنا، هنوز به چشم می‌خورد. وجود سفال‌های شکسته در بستر این قلعه، حکایت از مسکونی بودن آن می‌نماید.^{۱۵}

قلعه‌ی عامی محله‌ی خشواش

آثاری از این قلعه در نقطه‌ی قبرستان عامی محله^{۱۶} روستای کوهستانی خشواش قرار دارد، نشانی‌های این قلعه، قدمت آبادی را به دوران خیلی دورتر و اساطیری^{۱۷} می‌رساند. (محمدی لیتکوهی، ۱۳۸۷: ۸)

برای احداث این قلعه از موقعیت طبیعی استفاده شده است؛ این قلعه بر بلندای تپه‌ای طبیعی و با در نظر گرفتن دره‌های عمیق ضلع‌های شرقی، غربی و شمالی بنا شده است؛ مواد به کار گرفته در این قلعه، سنگ،

^{۱۵} - مصاحبه با دبیر محترم مصطفی منفردی؛ کارشناس ارشد تاریخ و ساکن در منطقه؛ محل مصاحبه: میدان ۱۷ شهریور آمل، تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۸/۵/۲۲، ش) و مصاحبه با جناب عباسعلی محمدی، ساکن در منطقه، محل مصاحبه: آمل، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۸/۵/۳۰. ش.
^{۱۶} - عامی تیره‌ای از طایفه‌ی اسکو می‌باشند که محل سکونت آنان در روستای کوهستانی خشواش، به عامی محله معروف است.

^{۱۷} - « تعیین ضوابطی که به طور قطع و یقین، صحت و سقم روایات اسطوره‌ای آمیخته به تاریخ و روایات تاریخی آمیخته به اسطوره را مشخص کند عملاً بسیار مشکل و غیر ممکن است. به نظر می‌رسد بهترین راه آن باشد که شمار فراوان اساطیر را در موضوع خاص که از مراحل مختلف زمانی و مکانی گذشته‌اند، خوانده و با یک دیگر بررسی شوند تا از روی مشترکات ممکن الوقوع آنها، نظریه‌ای درباره‌ی قسمت‌های شدنی و روی دادنی عقلی و عملی بیان کرد. هم چنین می‌توان با مطالعه‌ی عمیق در مورد یافته‌های تاریخی و باستان‌شناسی و کشف رابطه‌ی این یافته‌ها، با مقولات اسطوره‌ای میزان ممکن الوقوع بودن آن‌ها را بررسی کرد. تلاش برای کشف این رابطه هرگز نباید به این معنا باشد که متبولوجی و اسطوره‌شناسی جهانی، صرفاً تغییر ماهیت تاریخ آن است و نباید آن را تا حد تاریخ تخیلی و تحریفی و یا فراموش و محو شده فرو آورد.» (محمدی، ۱۳۸۷: ۴)

خاک و احتمالاً چوپ بوده است. با توجه به وسعت بنای قلعه، می‌توان این فرضیه را پیش کشید که قلعه‌ی عامی محله، کاربری نظامی داشته است. امروزه بستر این قلعه با حفظ ارتفاع طبیعی، محلّ دفن مردگان ساکنین عامی محله می‌باشد. از نام گذشته این قلعه، هیچ اطلاعی در دست نیست و منابع تاریخی هم نشانی از این قلعه ارائه نمی‌دهند.

قلعه‌ی فتنه جا

بر اساس گزارش شفاهی مالداران لیتکوه، آثار قلعه‌ای در مرتع «باج جا» بخش پرتاسی بالا خیابان لیتکوه به چشم می‌خورد که با توجه به وسعت بستر آن، قلعه‌ی «فتنه جا» کاربری مسکونی داشته است.^{۱۰۸}

^{۱۰۸}- مصاحبه با جناب زلفعلی محمدی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۳/۱۰، ش. مکان مصاحبه: روستای سنگ‌کوبی.

قلعه‌های تاریخی بخش پایین خیابان لیتکوه



قلعه‌ی مهر / مه‌کنی / مرکتی



محل استقرار احتمالی قلعه‌ی مزکتی یا مرکتی. (۱۳۹۷/۴/۵.ش).
در سمت غرب روستای مرکتی، قطعه زمینی به مساحت تقریبی حدود
پانصد متر مربع قرار دارد که چند اصله درخت آزاد تنومند در آن روئیده
است. از پهنا و قطر تنه‌ی درختان بر می‌آید که سن هر یک از این درختان
به حدود چند قرن می‌رسد. امروزه این درختان به «آفا دار» مشهور هستند و
این مکان جنبه‌ی تقدس به خود گرفته است.

هم چنین درباره‌ی نام این آبادی دو انگاره قابل طرح است:
الف: روستای مَرکتی یادگار کوچکی از قوم بزرگ آمارد می‌باشد که در تطوّل و تطوّر تاریخی به شکل مخفف «مَر» در آمده است، بنابراین مَرکتی در یک معنا به تپه و قلعه‌ی قوم آمارد تعبیر می‌شود که تاکنون توانسته است، از پس حوادث فراموش‌زای تاریخ، طاقت بیاورد و نام خود را با استتار در پشت معانی دیگر از جمله مار و مَر حفظ نماید. می‌توان تطوّر کلمه‌ی آمارد را بر سر نام این آبادی به صورت زیر طرح کرد:

آمارد ← مَرَد ← مَر

ب: واژه‌ی مَر، تغییر یافته و نتیجه‌ی سهولت بیان کلمه‌ی «مَر» بوده است که کلمه‌ی مه یا مز به معنی بزرگ می‌باشد. (هومند، ۱۳۶۹: ۵۶). بنابراین شاید کلمه‌ی مَرکتی در اصل مَرکتی و یا مَه‌کتی به معنی تپه‌ی بزرگ یا قلعه‌ی بزرگ باشد.

با ارائه‌ی این انگاره، انگاره‌ی اول هم خود به خود مورد تایید قرار می‌گیرد و هر دو انگاره می‌تواند مربوط به یک موضوع باشد.

این نقطه که به آقا دار مشهور می‌باشد، محتمل است بازمانده‌ی یک تپه یا قلعه‌ی بزرگی باشد که دست تخریب‌گر طبیعت و خصلت انسان‌های طماع توانسته است، آن را بدین مساحت اندک در آورد و شاید این مکان

بازمانده‌ی قلعه‌ی بزرگ و وسیع آماردها باشد که با توجه به وسعت آن، به می‌تواند یک قلعه‌ی مسکونی باشد.

به نظر می‌رسد این قلعه با استمداد از موقعیت طبیعی منطقه بنا گردیده است و مصالح به کار رفته در آن بیشتر خاک و سنگ می‌باشد. وجود قطعات سفال و آهن‌آلات در این نقطه، انگاره‌ی مسکونی - نظامی بودن قلعه را می‌تواند، تایید کند.

داده‌های منابع تاریخی و نیز اطلاعات شفاهی آمیخته با داستان‌های اساطیری مردم این دیار، خبر از وجود پادگانی در این آبادی و یا روستاهای اطراف، می‌دهد.

بنابر گزارش منابع تاریخی، آقا [آغا]^{۱۹} محمّدخان قاجار، پادگانی را برای آموزش و آماده‌سازی نیروهای امنیتی و دفاعی شهر آمل - که در آن زمان، دروازه‌ی مازندران محسوب می‌شد - احداث نمود. با توجه به نشانی‌هایی که از گزارش «ژان‌گور» نویسنده‌ی کتاب خواجه تاجدار و مشاهدات میدانی در منطقه‌ی لیتکوه شمالی، بازمانده‌های یک قلعه‌ی بزرگ و وسیع که حدود بیش از ده هزار متر مربع معروف به «قلعه‌ی چا او سر» در نزدیکی قاجار محله مشاهده می‌شود که شرح آن در سطور بعد خواهد آمد. هم چنین در اطراف و نزدیکی این قلعه‌ی بزرگ، بازمانده‌های چندین قلعه به چشم می‌خورد، این انگاره قابل پیشکش است

^{۱۹} - آقا به معنی سرور و آغا به معنی خواجه می‌باشد.

که مجموعه‌ی پادگان آغامحمد خان قاجار در محدوده‌ی این تپه‌ها قرار داشت و به نظر می‌رسد، ایشان از قلاع موجود در این دیار، برای تکمیل و تجهیز پادگان مورد نظرش استفاده کرده است. با نگاهی به نام آبادی‌های این منطقه، از جمله قاجارمحلّه [قجرمحلّه] و روستاهایی همانند هلی کتی، آن کتی [آهن کتی]، سیرن کتی [سرهنگ کتی]، کن کاس کتی و ... می‌توان این انگاره را مطرح کرد که مرکتی بی‌شک، نام درست‌تر و قدیمی‌تر آن مهرکتی و یا مَرکتی است، باید یکی از قلعه‌های مجموعه پادگان قاجار بوده باشد.

قلاع درزه دشت / درزی دشت

«درزه دشت» یا «درزی دشت»^{۱۱۰}، جنگلی حدود دویست هکتار، با درختان انبوه بوده است که در میان روستاهای آغوزین، سائیح‌محلّه، شیرکاج، انجیل، سنگ کوبی لیتکوه قرار داشت که در سال (۱۳۵۶ه.ش) درختان آن قطع و به زیر کشت برنج و سایر محصولات کشاورزی رفت.

بنابر اظهار برخی از سالخوردگان در جنگل درزی دشت، هنگام تسطیح اراضی آثار قلاعی مشاهده شد که «با توجه به مساحت زیر بنای آن‌ها، این قلاع هم قابل سکونت و هم تعدادی کوچک و کاربری نظامی - دیدبانی داشته‌اند. در میان برخی از این قلاع اسکلت انسان‌ها مشاهده شد. هم چنین

^{۱۱۰} - به نظر می‌رسد این مرتع جنگلی در گذشته تحت اختیار دامداران تیره‌ی درزی ساکن در روستای دیورز بوده است و به این نام معروف گشت.

قطعات سفال و فلزات و نیز چند فلز آهنی شمشیر گونه و زنگ زده، از دل خاک بیرون آمد.^{۱۱۱}

این قسمت از لیتکوه در گذشته به «یاسمین کلا» معروف بوده است و نیز منابع تاریخی از این نقطه چند نوبت نام برده‌اند. میرظهیرالدین مرعشی - مورخ آملی - گزارشی در تاریخش ارائه می‌دهد که ما را به نشانی این نقطه هدایت می‌کند؛ ایشان می‌نویسد: «چون به یک فرسخی آمل، به دیه یاسمین کلاته رسید» (حجازی کناری، ۱۳۷۲: ۱۹۸ به نقل از مرعشی).

با نشانی که دیگر مورخان ارائه دادند و نیز تطبیق این نشانی‌ها با گزارش‌های سالخوردگان، مبنی بر تایید نام این جنگل در گذشته به یاسمین کلا، می‌توان این انگاره را پیش کشید: یاسمین کلای مورد اشاره‌ی مورخان، همین نقطه می‌باشد و نیز مورخان از جنگ سخت در زمان غزنویان در این منطقه خبر می‌دهند: «امیر مسعود پس از سه روز اقامت در آمل، با لشگری جرّار [بسیار شجاع و جنگجو]، رو به سوی رستم‌دار نهاد. در حالی که جلال‌الدوله اسکندر، فرمان داده بود، راه‌های آن ولایت را از دریا تا کوه‌ها بسته ساختند و سپاه‌یانی در کمین نشستند. چون لشگر سربدار، به دیه یاسمین کلاته در یک فرسنگی آمل رسیدند؛ از روبرو، لشگر رستم‌دار و از پشت لشگر مازندران، دست به کار شدند و در کمتر از دو

^{۱۱۱} - مصاحبه با حاج محمد محمدی لیتکوهی، زمان مصاحبه: ۱۳۹۹/۲/۲۵، مکان مصاحبه: روستای سنگ‌کوبی.

ساعت، لشگریان امیر مسعود را در هم شکسته، اسبان و شتران و اسیران ترک و تازیک را گرفته به شهر آمل بازگشتند.» (شجاع‌شفیعی، ۱۳۷۷: ۲۳۰).

هم چنین در سال (۱۹۳۰ ه.ق) میان باقر سلطان نوری^{۱۱۲} و حاکم مازندران محمدحسین خان قوانلو جنگی در مرتع امیر و گوهر واقع در اراضی سائیح محله در گرفت، شرح این جنگ در کتاب «احسن التواریخ» آمده است.

بی شک این جنگ‌ها نیازمند استفاده از قلعه‌های مستحکم و حصین بوده است. بنابراین با تلفیق مشاهدات میدانی و داده‌های تاریخی، می‌توان حدس زد: بازمانده‌های چند قلعه که تا زمان تسطیح اراضی در این نقطه‌ی جنگلی، وجود داشت، مربوط به قلاع یاسمین کلا یا درزی دشت بوده باشد

قلعه‌ی سرن کتی / سرهنگ کتی

«سرن کتی» یکی از آبادی‌های پایین خیابان لیتکوه است و قدمت آن برابر قدمت روستاهای اطراف می‌باشد. پایه‌ی این آبادی بر روی تپه‌ای طبیعی با موقعیت نظامی - مسکونی بنا شده است

^{۱۱۲} - بنابر اشارات منابع تاریخی باقرسلطان خان نوری، از طایفه‌ی نائیح نور بود.

سِرَن در فرهنگ لغت پهلوی به معنی زنبق که به زبان مازندرانی، «آهه» گفته می‌شود. سرن‌کتی به زمینی مرتفع که در آن زنبق یا آهه، فراوان بروید، گویا بنای این روستا بر روی چنین تپه‌ای قرار و به آبادی سرن‌کتی نام گرفت. در وجه تسمیه‌ی این آبادی نظرات قابل تأمل دیگری هم وجود دارد. نام این آبادی را حین فارسی نویسی به صورت «سرن‌کتی» و امروزه به صورت سرهنگ‌کتی ثبت شده است.

قلعه‌ی کن کاس کتی

قلعه‌ی کِن کاس در نقطه‌ای به نام «کن کاس کتی» در دهستان پایین خیابان لیتکوه و در شمال روستای «انجه پل^{۱۱۳}»، قرار دارد. از نام این قلعه پیداست که قدمت آن باید به دوران دور مربوط و یکی از قلاع و آبادی‌های قدیمی دیار لیتکوه بوده باشد؛ چرا که «کِنْت» یا «کِن» در زبان پهلوی به معنی شهر، روستا، ناحیه و محلّ سکونت آمده است و «کاس» یادآور قومی باستانی ساکن در این دیار می‌باشد، قلعه و بعدها آبادی کن کاس بر روی تپه‌ای طبیعی با موقعیت مسکونی- نظامی بنا شده است. نام نگاران اداری «کن کاس کتی» را به صورت «کینه برخاست کتی» ثبت کرده‌اند.

^{۱۱۳} - پل یا پیل [فیل] و یا پول در زبان‌های باستانی به نظر می‌رسد معانی شهر، دیوار، حصار، سور، قلعه داشته باشد؛ مانند پیل بند، پیل تپه، پیلک، انجه پل، پیل کتی، پول کلا یا پولاد کلا در نور، پیل یا پول در کجور، پیل کیا ده در دابو و ... از جمله نمونه‌هایی هستند که واژه‌ی پیل در نام گذاری آن‌ها نقش داشته است.

قلعه‌ی عَبَّاسِ کُتّی

بازمانده‌های قلعه‌ی عَبَّاسِ یا عَبَّاسِ کُتّی در میان اراضیِ حَدِّ فاضل روستای «نیرم» [نی رِم] و قلعه‌ی کن کاس قرار دارد. از نام قلعه مشخص است که قدمت آن باید به دوران اسلامی و بعد از تصرف اعراب به این دیار برسد. شاید عَبَّاسِ یکی از داعیان اسلام و یا نمایندگان خلفا یا حاکم مسلمانی در آمل یا همان سردارِ سلطان سنجر به سال ۵۳۱ ه.ق باشد که به آمل تاخت.

امروزه بر اثر تسطیح اراضی، اثری از این قلعه وجود ندارد. در کنار این قلعه تا سال ۱۳۵۰ ه.ش پل سنگی زیبایی قرار داشت که بر اثر کند و کاو غیر مجاز از بین رفت.

قلعه‌ی نِرم / نِی رِم



محلّ احتمالی قلعه‌ی نِرم. (۱۳۹۵/۸/۹ ه.ش).

آبادی نِرم، در بخش پایین خیابان لیتکوه و در نزدیکی روستای سئج محله قرار دارد؛ «نِ» و یا «نی» به معنی سرزمین و «رِم» در زبان پهلوی ایران باستان، به معنی مکان نمناک و حاصل خیز می‌باشد. (به نقل از لغتنامه‌ی الکترونیکی واژه یاب) با توجه به موقعیت امروزی نِرم، همواره این نقطه و

روستاهای اطراف از ویژگی نمناکی و حاصل خیزی خوبی برخوردار هستند.

در این روستا، آثار قلعه‌ای وجود داشت که امروزه بر اثر تسطیح اراضی به طور کلی تخریب و اثری از آن نمی‌باشد.^{۱۱۴} اطلاعات چندانی از این قلعه در دست نیست.

قلعه‌ی آهن کتی / آن کتی

روستای آهن کتی یا آن کتی یاد آور قلعه‌ای به همین نام می‌باشد که بنای اولیه‌ی آبادی در کنار این قلعه گذاشته شده است. اطلاعات موثقی از این قلعه در دست نیست.

قلعه‌ی دیده‌بانی کاس / کاسب محله

در وسط آبادی کاس محله [کاسب محله]، نزدیکی سقانفار قدیمی، آثار تپه‌ای مشاهده می‌شود که نشانه‌های قلعه می‌باشد. از مساحت زیر بنای این قلعه بر می‌آید کاربری دیده‌بانی - نظامی داشته است. می‌توان فرض کرد قدمت این قلعه، به دوران دور برسد.

^{۱۱۴} - مصاحبه با جناب حاج محمد محمدی، ۱۳۹۸/۶/۲۰، ش. مکان مصاحبه: روستای سنگ‌کوبی.

قلعه‌ی تبعیدی



نمای قلعه‌ی معروف به تبعیدی. (۱۳۹۶/۱۱/۲۰.ش).

امروزه قلعه‌ی تبعیدی در نزدیکی روستاهای گلان و کوکده، در میان اراضی کشاورزی قرار دارد. گذشت سال‌ها و حوادث طبیعی، هنوز نتوانست آثار این قلعه را از بین ببرد. بنایی از خاک و سنگ به مساحت

حدود هزار متر مربع و با ارتفاع تقریبی سه متر^{۱۱۵} که با توجه به مساحت آن، می‌توان حدس زد، این قلعه، موقعیت نظامی - مسکونی داشته است.

قلعه‌ی کاس یا چا او سر

^{۱۱۵}- به یقین مساحت و ارتفاع این قلعه در گذشته بیشتر از این مقدار بوده است.



نمای ضلع شمالی قلعه‌ی مسکونی - نظامی چانو. (۱۳۹۵/۸/۹ ه.ش).

این قلعه در زمینی به مساحت تقریبی دوازده هزار متر مربع^{۱۱۶} و به ارتفاع ۵ تا ۷ متر و در برخی نقاط تا حدود ۱۰ متر، در ضلع شمال شرقی چشمه‌های آب سرد [چا اُو] قرار دارد و مصالح به کار رفته در این قلعه، خشت، سنگ، ماسه، خاک و چوب می‌باشد. از گذشته‌ی این قلعه، اطلاعات

^{۱۱۶} - به نقل از رضا صفایی، یکی از ساکنین این روستا که اذعان داشت این مساحت از طریق دستگاه JPS به دست آمد.

موثق و مکتوبی در دست نیست و تنها راه شناسایی این قلعه، تجزیه و تحلیل داده‌های شفاهی مردم و ترکیب آن با داده‌های نتایج مصالح شناسی و معماری شناسی ساختمان قلعه می‌باشد.» (محمدی لیتکوهی، ۱۳۸۶: ۸). از ساختار معماری قلعه بر می‌آید که کاربری مسکونی- نظامی داشته است. وجود سفال و کوزه‌های فراوان در جای این قلعه، حکایت از اسکان طولانی مدت افراد در آن دارد. از بررسی این سفال‌ها، می‌توان استنباط کرد که این اشیاء، مربوط به دوره‌های مختلف زندگی ساکنین لیتکوه بوده است. در یک دسته بندی ساده و بر اساس شکل ظاهری سه نوع سفال در این مکان مشاهده می‌شود:



سفال‌های قلعه‌ی کاس یا چانو سر محله. (۱۳۹۵/۸/۹ ه.ش).

الف: سفال سیاه: این نوع سفال به رنگ سیاه و گلبر بوده و به صورت ساده و فاقد هر گونه نقش و حک می‌باشد.

ب: سفال سرخ: این نوع سفال‌ها نسبت به نوع سیاه از فراوانی بیشتری برخوردار است و هم چنین فاقد هر گونه نقش می‌باشد، ولی بر روی برخی از آن‌ها اشکالی حک شده است.

ج: سفال رنگی و منقوش: بر روی این دسته از سفال‌ها، اشکال ساده‌ی هندسی به خصوص دایره، مثلث، چهارگوش مشاهده می‌شود. رنگ‌های به کار گرفته در این نوع سفال‌ها، زرد کم رنگ، نخودی، قهوه‌ای، سبز سیر و یشمی بوده است که در اکثر سفال‌ها، گستره‌ی رنگ نخودی بیشتر و به عنوان زمینه و رنگ‌های دیگر، کمتر و به عنوان نقش به کار رفته است. قابل ذکر است، سفال‌های منقوش، بیشتر کاسه بوده‌اند و دارای پایه‌های بزرگ و مدور می‌باشند. اکثر سفال‌های منقوش، دارای طرحی مشابه هستند.

پیش قلاع قلعه‌ی چائوسر

این قلاع در ضلع شرقی قلعه‌ی «چا اوسر» قرار داشته‌اند، آثار دیوارهای قلعه‌ای، کاملاً در دو جهت شرقی- غربی مشهود است. دیوارهای شرقی به علت قرار گرفتن در حریم رودخانه از ارتفاع تقریبی چهار متر برخوردار است و دیوارهای ضلع غربی در برخی نقاط، حدود یک الی دو متر می‌رسد.

به نظر می‌رسد، آثار چهار برج نگهبانی با فاصله‌های مختلف در محدوده‌ی داخلی این قلعه قرار داشت که امروزه به صورت تلی از خاک و سنگ در آمده است. برای اثبات این ادعا که تپه‌های ماهور مانند در چند نقطه‌ی این قلعه، متعلق به زمان احداث قلعه یا لاقبل مربوط به ازمنه‌ی نزدیک به احداث بنا می‌باشد، این است که بر بلندای آنها، درختان تنومندی با عمر بیش از پانصد سال روئیده است.



آرامگاه بی‌بی خانم در محل چا او سر. (۱۳۹۵/۸/۹. ش.)



بلندای پیش قلعه‌ی چائوسر. (۱۳۹۵/۸/۹ ه.ش).

قلعه‌ی کوس یا کوسه‌رز



قلعه‌ی کوسه رز. (مهر ۱۳۷۶ ه.ش). (نویسنده کنار دیوار قلعه)

این قلعه تا حدود سال ۱۳۸۵ خورشیدی به صورت تلی از خاک به شکل تپه‌ای با ارتفاع حدود سه متر و مساحت تقریبی پانصد مترمربع در کنار راه آسفالتی مشترک روستاهای شومیا^{۱۱۷} و کوسه‌رز قرار داشت، ولی امروزه تسطیح و به طور کلی از بین رفت. دکتر فریدون جنیدی در کتاب «زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه‌ی گفتارهای ایرانی» از این قلعه یاد می‌کند، ولی در نمایش تصویر، قلعه‌ی کاس چائو سر را با این قلعه اشتباه گرفته است.

قلعه‌ی سیاه لشت

در شمال غربی روستای سیاه لشت یا سیاه کش، آثار و بازمانده‌های یک قلعه قرار دارد که وسعت امروزی آن، حدود سیصد متر می‌باشد. پژوهشگر حاضر، بازدیدی که در زمستان (۱۳۸۹ خورشیدی) از این قلعه به عمل آورده بود، سفال و فلزات فراوانی در این نقطه مشاهده کرده است. از گذشته‌ی این قلعه، اطلاعات موثق و مکتوبی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد با توجه به وجود سفال‌های موجود، این قلعه، مربوط به ادوار مختلف تاریخی باشد.

قلعه‌ی گل کتی

^{۱۱۷} یکی از روستاهای بخش اهلمرستاق شهرستان محمود آباد می‌باشد که در حدود سال ۱۳۷۰ خورشیدی جزء روستاهای آمل بوده است.

این قلعه در روستای «ایبک محله» قرار داشت که امروزه به طور کلی از بین رفت و مرتعی به همین نام باقی مانده است. از مساحت این قلعه بر می آید که کاربری دیده بانی و نظامی داشته و مصالح به کار رفته در آن خاک و گل رس می‌باشد. آثار قلعه‌ی گل کتی تا حدود سال ۱۳۵۰ خورشیدی به خوبی قابل روئیت بوده است.^{۱۱۸}

^{۱۱۸} - مصاحبه با مرحوم حاج رضا توکلی، دی ماه ۱۳۷۵ ه.ش. مکان مصاحبه: روستای ایبک محله.

فصل پنجم: قلعه‌های تاریخی بخش دشت‌سر



مختصری از تاریخ دشت‌سر

امروزه به خاطر دورخیزی زمان نام‌گذاری این دیار به دشت‌سر و حذف بسیاری از اطلاعات از حافظه‌ی تاریخی به طور دقیق نمی‌توان، بیان داشت که چرا و چگونه و از چه زمانی این دیار به دشت‌سر مشهور شده است؟

ولی با کمک روش واژه‌شناسی در منابع تاریخی، می‌توان برخی از ابهامات این موضوع را برطرف کرد.

داده‌های تاریخی، بیانگر آن است که نام دشت، دیرزمانی است که بر این منطقه و نقاط اطراف متصل به آن و یا شاید تا نزدیک‌ترین نقطه‌ی شهری بابل در گذشته، اطلاق می‌شده؛ چنانچه ابن‌اسفندیار - مورخ آملی - در ذکر پادگان‌های اعراب در مازندران، از آبادی به نام «تمسکی دشت» نام برده است. (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۲) با این استناد می‌توان گفت، تمسکی دشت باید همین آبادی تمسک امروزی، واقع در دهستان دشت سر شرقی باشد؛ زیرا با دقت در گزارش‌های دیگر مورخان، چنین استنباط می‌شود که تمسکی دشت باید میان دو شهر آمل و بابل قرار گرفته باشد.

برخی از پژوهشگران، نام دیگر آبادی تمسک دشت سر را «ههلی»^{۱۱۹} دانسته‌اند. (نیستانی و تقوی، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

ذکر این نکته ضروری است که در شهرستان آمل، دو آبادی به نام تمسک وجود دارد که یکی در بخش دشت سر که آرامگاه امام‌زاده‌ای به نام

^{۱۱۹} این ادعا نمی‌تواند درست باشد، زیرا نام این آبادی به روشنی در منابع تاریخی تمسک، تمشکی و تمشکی ذکر شده است و با موقعیت جغرافیایی این آبادی تطابق دارد.

«قاسم» (ع) و دیگری در بخش «هرازی» که آرامگاه امامزاده‌ای به نام «محسن» (ع) در آن‌ها قرار دارد.



آرامگاه امامزاده قاسم (ع) در روستای تمسک دشت‌سر. (۱۳۹۶/۷/۲۶. ش)

هم چنین در منابع تاریخی، خبر از وجود آبادی دیگری به نام دشت بوران داده می‌شود که امروزه بوران، یکی از آبادی‌های بزرگ دهستان دشت‌سر غربی می‌باشد. (راینو، ۱۳۸۳: ۶۹. به نقل از ابن اسفندیار). «رودباردشت» با تلفظ مردم آمل، «روآردشت» آبادی است که در جنوب این شهر وجود دارد و تا سال (۱۳۹۰. ش) جزء آبادی‌های دهستان دشت‌سر بوده است.

داده‌های دیگری نیز از منابع تاریخی به دست می‌آید که می‌تواند کمک راه پژوهشگران، در موضوع قدمت‌یابی نام دشت سر باشد. منابع تاریخی مازندران خبر از وجود دو آبادی به نام‌های «شعبو دشت» و «مالک دشت» می‌دهند که موقعیت شعبو دشت نامشخص است و فقط همین آگاهی به دست می‌آید که این آبادی در حوالی آمل قرار دارد، از آن جایی که موقعیت این آبادی نامعلوم است، فرض این که شعبو دشت در منطقه‌ی دشت سر واقع شده باشد، نمی‌تواند این انگاره زیاد از صحت دور باشد. اما از واکاوی داده‌ها و آگاهی‌های تاریخی، این نکته منتج می‌شود که «مالک دشت» باید در حوالی و شرق شهر آمل، تا حد فاصل بابل قرار داشته باشد که نام این آبادی، چند مرتبه در منابع تاریخی ذکر شده است. از ترکیب و تلفیق داده‌های تاریخی فوق (تمسکی دشت، دشت بوران، رودبار دشت، شعبو دشت و مالک دشت یا مالکه دشت) می‌توان نتیجه گرفت که مناطق شرق آمل تا حد نامشخص و یا شاید تا غربی‌ترین نقطه‌ی بابل به «دشت» معروف بوده است^{۱۲۰} که برای شناساندن آبادی‌های واقع در این نقطه، از کمک واژه‌ی دشت استفاده می‌کردند و نام دشت سر امروزی، یادگار و بخش کوچک‌تر این منطقه‌ی وسیع می‌باشد. اولین منبعی که خبر از منطقه‌ای به نام دشت سر می‌دهد، سندی است که به معرفی امام‌زادگان مازندران و متولیان این آستانه‌ها می‌پردازد؛ که این سند

^{۱۲۰} - طبق تعریف علمی از دیدگاه جغرافیا دانان، اطلاق این منطقه به دشت نادرست است.

را دکتر «محمدتقی دانش‌پژوه»، تصحیح و انتشار داده است.^{۱۱} در این سند از پنج امام‌زاده نام برده شد که در بلوک دشت سر مدفونند. (دانش‌پژوه، ۱۳۴۵: ۵۹، ۵۸).

در حدّ فاصل زمانی حکومت صفویان تا دوره‌ی قاجار، سند یا منبعی مبنی بر ذکر بلوک دشت سر یافت نشد؛ بعد از این سند، سفرنامه‌ی سیاح روسی به نام «ملگونوف» به مازندران می‌باشد که از بلوک دشت سر نام برده است. او در سال (۱۲۲۹ ه.ش) به مازندران و آمل سفر کرد و در گزارش‌های خویش از دشت سر نام برده است. ایشان بلوک دشت سر را جزء بلوکات «اهلم‌رود» می‌داند. [۹] (ملگونوف، ۱۳۶۳: ۱۵۶).

بیست و پنج سال بعد از سفر ملگونوف به مازندران و آمل، ناصرالدین شاه در سال (۱۲۵۴ ه.ش) به مدّت سه ماه یعنی از ۳۰ شهریور تا ۲۷ آذر همان سال در مازندران گشت و گذار نموده اند و وزیر انطباعات (وزیر فرهنگ و ارشاد امروزی) او - اعتمادالسلطنه - خاطرات و گزارش‌های روزانه را ثبت می‌نمود و بعدها به نام‌های «روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه» و یا «سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه» به چاپ رسانده شد.

در گزارش روز جمعه، بیست و ششم شوال (۱۲۹۲ ه.ق) در ذکر بلوک دست چپ رودخانه‌ی هراز از دشت سر و تعدادی از روستاهای آمل نام

^{۱۲۱}- به نظر دکتر محمدتقی دانش‌پژوه این سند در سده‌ی یازدهم و دوره‌ی صفویان تنظیم شده است.

برده شده است که برخی از آبادی‌های مذکور، جزء روستاهای بخش دشت‌سر بوده است. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۳: ۱۰۶)

سی و یک سال بعد از سفر ناصرالدین شاه و اعتمادالسلطنه، سرکنسول گر روسیه، به نام «رابینو» در سال (۱۲۸۵ ه.ش) به مازندران سفر نمود و در گزارش‌های خود از بلوک دشت‌سر نام برده و تعدادی از روستاهای این بخش را ذکر کرده است. (رابینو، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

بنابراین با توجه به داده‌های فوق به جرأت می‌توان بیان داشت، این دیار حداقل حدود ۱۷۰ سال پیش از این زمان^{۱۲۲}، به دشت‌سر معروف بوده است که این نام، یادگار منطقی وسیع‌تری به نام دشت می‌باشد که در متون تاریخی، برخی از آبادی‌های این منطقه با واژه دشت به عنوان پس‌واژه یا پیش‌واژه، نام‌گذاری شده‌اند و وسعت آن در ادوار تاریخی متغیر بوده است.

«نام‌گذاری این منطقه از دید دانش جغرافیایی، [به دشت‌سر] صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در جغرافیا، دشت به سرزمین‌های محصور در کوهستان اطلاق می‌شود. اما دشت‌سر بخشی از جلگه‌ی مازندران است، از آن جایی که کشاورزان شمالی به مزارع شالی‌زاری، دشت می‌گویند و دشت‌سر در ابتدا و بالای دشت‌های [وسیع] شالی‌زارهای [قسمت جنوبی و مرتفع

^{۱۲۲} - (۱۳۹۹/۳/۱۷) ه.ش

منطقه‌ی دشتی دابوی بزرگ] واقع گردیده است، به آن سرِ دشت و یا دشت‌سر می‌گویند.» (کشاورز، ۱۳۹۱: ۱۵).

در این دیار، مراتع و آبادی‌هایی وجود دارد که یادگار دوران باستان تاریخ مازندران می‌باشد. آبادی‌هایی هم چون: بلیران، فیروزکلا، میله، مزرس، نهر خوران در روستای «چنگ میان» و غیره بخشی کوچکی از نمای تاریخ طولانی تمدن این دیار می‌باشد. به جهت اهمّیت منطقه‌ی دشت‌سر در طول تاریخ و تامین امنیت جانی مردم ساکن در این بخش، ساخت و احداث استحکامات نظامی و دفاعی لازم و ضروری به نظر می‌رسید. حتّی به نظر می‌رسد نام روستای چنگ میان، نوعی تغییر یافته‌ی کلمه‌ی «چنگ میان» یا «جنگیان» باشد که یادآور اهمّیت نظامی این دیار است.^{۱۳۳}

در ادامه به تعدادی از قلاع این بخش اشاره خواهد شد:

قلعه‌ی فیروز شاه

^{۱۳۳}- پژوهشی تحت عنوان «تاریخ آبادی‌های آمل» توسط نویسنده‌ی حاضر، به صورت کتاب، آماده چاپ می‌باشد؛ در این کتاب درباره‌ی پیشینه‌ی تمامی روستاهای این بخش و سایر بخش‌های شهرستان آمل در حدّ توان، شرح داده شده است.

با استناد به منابع تاریخی، «فیروز شاه» در مازندران، مبادرت به ساخت قلاع فراوان و مستحکمی نمود. یکی از این قلاع معروف که منابع تاریخی از آن یاد می‌کنند، قلعه‌ای است که در بخش فیروزجاه امروزی بندپی بابل بنا نمود؛ «این قلعه، معروف به فیروزجاه دژ یا دز و قلعه‌ای بود که نام زندان معروف بوده است که در زمان سلطان محمد خدابنده، قلعه در تاریخ شنبه دهم شوال ۹۸۵ قمری به محاصره درآمد.» (رازی، ۱۳۷۸: ۱۹۲).

می‌توان این انگاره را مطرح کرد: تمامی قلاعی که توسط فیروزشاه بنا گردید به نام ایشان مشهور شده است.

از تحقیقات میدانی بر می‌آید که آبادی فیروزکلای دشت سر نام خویش را از نام فیروز شاه گرفته و این نام در منابع تاریخی به صورت «فیروز خسر» و «فیروز خسرو» [خسرو به معنی زیبا رو و پادشاه] آمده است. در این آبادی آثار چند قلعه مشاهده می‌شود که همگی به قلعه‌ی فیروزشاه معروف هستند؛ هرچند امروزه این قلاع به تنهایی، اسمی برگرفته از موقعیت فعلی آبادی دارند، ولی در نزد غیر بومیان به همان قلاع فیروز خسرو یا فیروز شاه مشهورند. در ادامه به این قلاع اشاره می‌شود:

قلعه‌ی باو رود

در سال ۱۳۷۹ ه.ش، هنگام تسطیح و یکپارچه سازی اراضی کشاورزی [طرح ژاپن] این آبادی، قسمتی از آثار بنایی از دل خاک به بیرون کشیده شد که بنا بر اظهار شاهدان در داخل آن استخوان آدمی مشاهده گردید. این بنا از خشت و سنگ درست شده بود و از چینش سازه‌های آن بر می‌آید که بازمانده‌ی دیوار و قلعه‌ی یک آبادی بزرگ و با اهمّیت بوده باشد و محتمل است شهر فیروزخسرو و قلعه‌ی فیروزشاه در این مکان قرار داشته باشد. این محل در غرب روستای فیروزکلا و شرق آبادی کت پشت و در کنار «باو رود» قرار دارد.

در این آبادی آثار قلعه‌ی کهن و تاریخی دیگری هم مشاهده شد که تا حدودی منابع تاریخی به آن اشاره کرده‌اند.

ابن اسفندیار در جریان جنگ افراسیاب، در مازندران می‌نویسد: «افراسیاب به بقعه‌ای [احتمالاً این کلمه در اصل قلعه یا قصبه بوده است] که خسره آباد گویند و از دیه‌های آمل، فرود آمد و بالای این دیه، درختی بزرگی بود که «شاه موزی بن^{۱۲۴}» می‌گفتند، خیمه‌ی افراسیاب زیر آن درخت بوده است و دوازده سال آن جا بماند.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۶۱).

^{۱۲۴} - برابر تحقیقات میدانی در این روستا و مصاحبه با افراد آگاه و سالمند، مرتعی به نام «شاه موزی‌بن» در شمال این آبادی قرار دارد که امروزه بستر این مرتع، کارگاه آجرپزی شخصی به نام «خرسندی» و شرکت الکترونیک می‌باشد. (مصاحبه با مرحوم حاج علی‌اصغر طبری، خرداد ۱۳۹۰، مکان مصاحبه: روستای فیروزکلا).

سرگذشت این آبادی تا این جا ختم نمی‌شود؛ بلکه ابن اسفندیار در دوره‌های بعدی تاریخ، به این آبادی، هم‌چنان اشاره می‌کند و گزارش می‌دهد: «فرخان بزرگ [یکی از پادشاهان محلی] پس از خیانت در توزیع غنائم جنگی، دیلیمان بر او شوریدند و قصد کشتن او را نمودند. بنابراین با لشگر بسیار او را تعقیب کردند.

فرخان برای حفظ جان خویش و لشگریانش به روستای فیروز خسره، پناه آورد. ایشان درباره‌ی موقعیت این آبادی می‌نویسد: «قصبه‌ای بود به دو فرسنگی آمل، فیروز خسره گفتند که این ساعت فیروز آباد می‌گویند. مختصر دیهی [دهی] است و [فرخان بزرگ] آن جا شد. [رفت]». (همان: ۱۵۷). ابن اسفندیار معتقد است که دور این آبادی دارای دیوار بوده است و در این باره گزارش می‌دهد: «و حصاری حصین داشت.» (همان: ۱۵۷).

جهانبخش بناگر پژوهشگر بومی و ساکن این آبادی درباره‌ی تاریخ و آثار تاریخی فیروزکلا می‌نویسد: «در قلعه‌ی قدیمی، فرخان بزرگ بدان جا پناه برده بود، در قسمت شرقی این روستا، کنار رودخانه‌ی قدیمی کتل کش، قرار داشته است که هم اکنون خانه سرا و مرغداری یکی از ساکنین روستا، جایگزین آن گردیده است که در امتداد آن، کاروانسرا و اسپانه سرای قدیمی قرار داشته و در زمین شالی‌زاری مشهور به «شِگری» [نیشگری] قرار دارد که هنوز تل بزرگی از آجرهای قدیمی گورستان و اتاقک‌های مدفون در دل خاک، نظاره‌گر زمین‌های شالی‌زاری می‌باشد.

این قطعه زمین که بنا بر روایت سید ظهیرالدین مرعشی که دو شهر قدیمی فیروز خسره و «میله» در کنار آن قرار داشته است و از شهر میله نیشکر صادر می‌شد، همان جایگاه قدیمی کشت [و یا فروش] نیشکر در ازمنه‌ی دور بوده که پسوند خویش را هنوز به یدک می‌کشد. [شکری زمین [بین قلعه‌ی قدیمی و کاروان سرا، در امتداد رودخانه با فاصله‌ی [حدود] چهارصد متر، حمام قدیمی با آجر نمای بسیار زیبا و طاق‌دیس‌ها و هلال‌های قشنگ که نمایانگر روح هنر و فن معماری می‌باشد، جلوه‌ی خاص به آن بخشیده بود. مدخل ورودی شهر قدیمی فیروز خسره از آمل به طرف بار فروش (جاده قدیم) از کنار رودخانه‌ی «بئو رو» یا باو رود می‌باشد که بعضی اهل قلم [به جهت قرابت اسمی و تلفظ، به اشتباه] آن را «بابل رود» می‌دانند که برداشتی ناصواب و غیر واقع است. باو رود که در زبان عامه، آن را بئو رو می‌نامند به کرار از آن در تاریخ میرظهیرالدین یاد شده و مدخل ورودی بسیاری از لشکرکشی‌ها به سمت جنگل و کوهستان بوده است. بئورود که در فراز و نشیب روزگار، هم اکنون تبدیل به جاده‌ی آسفالت که در امتداد آن ساختمان «انستیتو پاستور» و کارخانه‌ی آجر پزی قرار گرفته است و سمت جنوبی جاده که مشرف به شالی‌زارهای کشاورزان روستا می‌باشد، پل قدیمی و بقعه‌ی امام‌زاده عبدالله (ع) فیروز کلا متصل می‌گردد که رو به روی این امام‌زاده به سمت جنوب به کتی باغ و متعاقباً به جایگاه قدیمی فیروز کلا ختم می‌گردد که این جایگاه نیز خود، دارای برج و بارو و ساختمان‌های قدیمی بوده است و هنوز از دل

خاک شالی‌زاری آن به وفور آجر و انواع سفال، کوزه، سنگ چین‌های قدیمی، خُم‌های بزرگ در هنگام تسطیح زمین به بیرون می‌آید که بیشتر این رودخانه، در مرز دو روستای فیروز کلا و کته‌پشت مشاهده می‌شود که در امتداد این رودخانه در سمت جنوب به «میان‌رود» و متعاقباً سمت شرقی میان رود به نقطه‌ای به نام «کت سرا»^{۱۲۵} محدود می‌شود که همگی معرف قدمت دیرینه‌ی روستا [و اهمیت نظامی آن] می‌باشد.

در باورهای عام، فیروز شاه برای همسرش در این روستا حمامی احداث نمود که کاشی‌های آن از عقیق و زمرد درست شده بود و بسیاری از حفران در جستجوی آن، همه‌جا را کاویدند؛ این جایگاه قدیمی ظاهراً در کنار رودخانه‌ی کتل کش، خانه سرا یکی از اهالی می‌باشد» (بنابر، ۱۳۸۴:

۳)

قلعه‌ی میله

بنابر نشانی‌های منابع تاریخی، روستای میله‌ی امروزی، یادگار شهر تاریخی میله است. ابن اسفندیار از پادگان نظامی شهر میله در تاریخش نام برده است، ولی اکنون مکان دقیق این پادگان در این آبادی نامعلوم است.

^{۱۲۵}- کت به معنی دیوار و حصار می‌باشد.

نیستانی و تقوی، اسامی چون: «فل»، «زرینگول» و «مله» را همان پادگان یا قلعه‌ی شهر میله دانسته‌اند. (نیستانی و تقوی، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

از تحقیقات میدانی، این اطلاعات به دست آمده است که بنای اولیّه‌ی روستای میله در سمت شرق این آبادی قرار داشت که امروزه این نقطه به نام مرتع «حمام‌سر» معروف است^{۱۲۶}. به نظر می‌رسد مکان پادگان و قلعه‌ی نظامی میله باید در حوالی همین نقطه باشد.

قلعه‌ی لاک کتی

بنابر گزارش منوچهرستوده، قلعه‌ی لاک کتی، میان اراضی روستاهای کنسی و باز یارکلای دشت‌سر قرار داشت و ایشان، مساحت این قلعه را حدود چهارصد متر مربع نوشته است. (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۴۱) به نظر می‌رسد با توجه به مساحت این قلعه، موقعیت مسکونی - نظامی داشته است.

قلعه‌ی دین تپه / دیوان تپه / دیو تپه / دی تپه

^{۱۲۶} - مصاحبه با حاج ذبیح‌الله پاشایی [۸۰ ساله]. زمان مصاحبه: ۱۳۹۰/۱۱/۲۱ ش. مکان مصاحبه: روستای میله.



تصویر قلعه‌ی دین تپه میان اراضی کشاورزی روستای گل‌مزار، ۱۳۹۷/۴/۱۴. ش.ا.

(عکاس: مرضی فلاح سرخ‌کلانی).

در میان اراضی کشاورزی روستای «گل‌مزار» آثار قلعه‌ای بسیار قدیمی مشاهده می‌شود که در میان اهالی به «دینه تپه^{۱۲۷}» و یا «دین تپه» مشهور است. تپه‌ای به مساحت تقریبی هزار مترمربع که از نشانه‌های این محل، بر می‌آید، وسعت این قلعه در گذشته، بیشتر از این بوده است. تصرف و تخریب تدریجی این تپه، سبب مساحت کم آن شده است. از گذشته‌ی این قلعه، اطلاعی در دست نیست. از نام این قلعه پیداست، قدمت آن باید

^{۱۲۷} - در چند آبادی آمل، آثاری از دین تپه وجود دارد، مانند دین تپه‌ی روستای شحنه‌کلای که با توجه به کلمه‌ی دین تپه، این گونه امکان، مربوط به دوران آئین میتراپی در این شهر بوده و شاید یکی از صدها نمازگاه‌های این آئین در مازندران بوده باشند. نویسنده‌ی حاضر، تحقیقی تحت عنوان «تاریخ ادیان کهن آمل» انجام داده است که برای چاپ آن به صورت کتاب در حال برنامه‌ریزی می‌باشد.

به دوران باستان آمل و مازندران مربوط باشد. «نام‌های به جا مانده‌ی دیو یسنایی بر روی [نام] آبادی‌ها، به نظر می‌رسد، بیان‌گر اعتقاد دینی و باورهای آئینی عشیرت‌های محلی باشد که در اوستا از آنان دیو، کی، کوها و کوپن سخن رفته است.» (پیرنیا، ۱۳۷۵: ۵۸).

مصالح به کار رفته در این قلعه، سنگ و خاک بوده است و محتمل است که کاربری مسکونی - نظامی - مذهبی داشته است.



تصویر قلعه‌ی دین تپه میان اراضی کشاورزی روستای گل مزار، ۱۴/۴/۱۳۹۷. ش.
(عکس: اهدایی از مرتضی فلاح سرخ کلانی).

قلعه‌ی کافر



نمای کافر قلعه. روستایی به نام «قلعه» بر بلندای این تپه (۱۳۹۶/۶/۳.ش).

این قلعه در جنوب شرقی آمل، نزدیکی روستای قلعه‌کش دشت‌سر [دابودشت] قرار دارد. بر سطح آن، امروزه روستایی به نام «قلعه»، احداث شده است که قدمت این آبادی حدود یک صد سال می‌باشد. این قلعه از نوع مسکونی- مذهبی- نظامی بوده است. برخی قدمت این قلعه را به دوران اسماعیلیان رسانده‌اند. کاوش‌های بعدی نشان داده است که تمدن و فرهنگ ادوار مختلف تاریخی در این قلعه رواج داشته است. اشیایی که در این قلعه به دست آمده است، قدمت آن‌ها، حتی به زمان قبل عصر آهن می‌رسد. «یافته‌های بسیار ویژه‌ای مربوط به ادوار پیش از تاریخی آهن، مفرغ، کلکولتیک به دست آمد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به پیکره‌ی

حیوانی، تدفین انسانی، مجموعه‌ی سفالین قابل گاه‌نگاری نسبی و... اشاره کرد.» (امیرکلایی و مسعودی، ۱۳۹۳: ۱). این قلعه در منابع تاریخی گاهی به «قلعه‌ی آمل» مشهور است.



تصاویر اشیای کشف شده در کافر قلعه‌ی آمل.

(منبع عکس: مقاله‌ی امیرکلایی و مسعودی)

ستوده درباره‌ی این قلعه گزارش می‌دهد: «اطراف این محوطه‌ی بزرگ، دیوار و باروئی بوده است و آثار آن پیدا است.

طرف شمالی این اراضی قسمتی، تپه مانند است که ظاهراً قسمتی از ارگ قلعه بوده است. در شرق قلعه، خاکریز دیگری است که با خندقی از اراضی اصلی قلعه جدا می‌شود.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

قلعه‌ی نوده عطایون

با بررسی‌های میدانی که از این آبادی به عمل آمده است در نقطه‌ی مسجد «سبز مکنّا»، نشانی‌هایی از وجود یک قلعه با کاربری مسکونی - نظامی به چشم می‌خورد که امروزه بستر این قلعه را درختان تنومند آزدار یا آزاد پوشانده و مسجدی به نام سبز مکنّا در این نقطه احداث گردید. اطلاعات موثقی در مورد این قلعه در دست نیست.

امام قلعه

آثار قلعه‌ای در ضلع شمالی کافر قلعه قرار دارد که به «امام قلعه» مشهور است و مرکز خدمات کشاورزی قلعه کش یا دابودشت بر بلندای آثار به جا مانده این قلعه بنا شده است. گویا این نامگذاری در دوران اسلامی انجام گرفته است و برگرفته از داستان‌های عامیانه‌ی مردم می‌باشد. از مساحت و گستردگی امام قلعه این نکته به دست می‌آید، امام قلعه، کاربری مسکونی و نظامی داشته است. با دقت در معماری قلاع آمل و نحوه‌ی مراقبت از قلاع، این انگاره که امام قلعه، پیش قلاع کافر قلعه بوده، زیاد از صحت به دور نیست. این فرضیه با نتایج ستوده همسو است. ستوده گزارش داده است: «شاید امام قلعه، پیش قلعه‌ی کافر قلعه بوده است.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

قلعه‌های بلیران

بلیران یا بلیرون یکی از روستاهای گردشگری است که به نظر می‌رسد قدمت طولانی در تاریخ مازندران دارد. اما درباره‌ی وجه تسمیه‌ی این آبادی می‌توان گفت: بلیران مرکب از سه کلمه می‌باشد

الف- بَل: یعنی گرما و باد گرم.

ب- یر / ایر: به معنی آریایی.

ج- ان / اون - پسوند اسامی اماکن جغرافیایی و معنای جا و مکان از آن استنباط می‌شود.

بنابراین بلیران در معنا به سرزمین گرم آریایی گفته می‌شود و در اثبات این ادعا می‌توان به وجود نهر «گرم رو» اشاره کرد و می‌توان این فرضیه را بیان داشت، این مکان در دوران خیلی دور، به خاطر وجود چندین چشمه آب گرم معدنی به دیار گرم اریای‌ها مشهور بوده باشد، کما این که امروزه، چشمه‌های آب گرم معدنی به نام‌های گر او یا گرم او و لاله‌زار در فاصله‌ی چند کیلومتری ضلع جنوبی این آبادی قرار دارد.

داده‌های پژوهش‌های باستان شناسان، حکایت از آن دارند «در منطقه‌ی بلیران در حدود سی هزار سال پیش، انسان‌های پیش از تاریخ با شیوه‌ی

جمع آوری غذا از محیط، آشنا بودند و از ابزار های ساده سنگی، استفاده می کردند.^{۱۲۸} (وبلاگ بلیران، ۱۳۹۴/۳/۲۵).

از نتایج مصاحبه با ساکنین این آبادی بر می آید، بلیران در برهه‌ای از تاریخ به «دلیران» مشهور بوده است که این نام اهمّیت نفوذ ناپذیری به این نقطه را یاد آوری می نماید، چنانچه آثار زندگی با رویکرد نظامی در قلعه‌ی اردشیران یا اردشیرون این روستا مشهود است.^{۱۲۹}

در این آبادی آثار چند قلعه مشاهده می شود که همگی حکایت از اهمّیت ساختار دفاعی و امنیت این نقطه از آمل بوده است.

قلعه‌ی اردشیران

در قسمت شرق روستای بلیران، مرتعی به نام اردشیران وجود دارد که آثاری از یک قلعه‌ی بزرگ، در آن به چشم می خورد و این قلعه به قلعه‌ی اردشیرون یا قلعه‌ی اردشیر مشهور است. از داده‌های تاریخی چنین استنباط می شود، شاه اردشیر در قرن ششم ه.ق یکی از شاهک‌های بومی تبرستان بوده است و منابع تاریخی در چندین نوبت، از او یاد می کنند.

^{۱۲۸} - تعیین اینگونه قدمت باید با نتایج کاوش‌های علمی و دقیق باستان‌شناسی همخوانی داشته باشد.

^{۱۲۹} - مصاحبه با «حاج ظهیر عمرانی»، مکان مصاحبه: بلیران، زمان مصاحبه: ۱۰ مرداد ۱۳۹۷ ه.ش

مهجوری در خصوص جنگ آوری شاه اردشیر، گزارش می‌دهد: «شاه اردشیر چون از بدکاری «هزار آسف»^{۱۳۰} آگاه شد از ساری به آمل رفت و به دستگیری روستائیان، پنجاه پاره^{۱۳۱} منجیق گرفت و آن‌ها را به روش مردم آمل^{۱۳۲}، به کجور برد و در کنار دژ نور، برپا و استوار ساخت.» (مهجوری، ۱۳۸۱: ۲۸۰).

هم چنین رابینو می‌نویسد: «بعد از مرگ سلطان تکش به سال ۵۹۶ ه.ق، شاه اردشیر [شاه] مازندران، قلعه‌های «بالمان» و «جُهنه» و تمام آن حدود از گرگان تا ری و دژ فیروز کوه را تسخیر نموده است و دژ «نصرت سنگ» را در بیرون همیشه ساخت» (رابینو، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

بار دیگر، رابینو گزارش می‌دهد: «شاه اردشیر قلعه‌ی «وله بن»^{۱۳۳} را خراب کرده است.» (همان: ۲۰۰). و نیز رابینو می‌نویسد: «شاه اردشیر، کاخ «جاوه لی» را با خاک یکسان کرده است.» (همان: ۲۳۶).

^{۱۳۰} - «هزار آسف» همان، هزار آسب می‌باشد که در گذشته داشتن آسب یک افتخار محسوب می‌گردید و در نام‌گذاری فرزندان از این واژه استفاده می‌شد.

^{۱۳۱} - به نظر می‌رسد، واحد شمارش منجیق «پاره» بوده است.

^{۱۳۲} - گویا مردم آمل، در استفاده از منجیق تاکتیک خاصی را به کار می‌بردند که مورخان بدان تاکید می‌کنند.

^{۱۳۳} - «وله بن / بن» به معنی زمین ناهموار و گاهی در تلفظ مردم آمل، به «پلوچ بنه» یا «پلوچ زمین» هم گفته می‌شود. از ویژگی‌های اینگونه اراضی، سفت و ناهموار بودن و آبیاری نشدن است. (مصاحبه با حاج محمد محمدی، متولد ۱۳۲۴ ه.ش). بنابراین «وله بن»، نام خاص یک روستا یا مرتع نمی‌باشد و امروزه در اکثر روستاهای آمل، مراتعی به این نام وجود دارد.

با توجه به داده‌های فوق، می‌توان گفت: قلعه‌ی اردشیران بلیران، منتسب به اردشیر مد نظر می‌باشد. از مساحت بنای قلعه و مشرف بودن بر نقاط دور دست، بر می‌آید که قلعه‌ی اردشیر یک بنای مسکونی و نظامی بوده است.

سایر قلاع

هم چنین در این آبادی، آثار سه قلعه‌ی دیگر به نام‌های قلعه‌ی «خشت‌سی چشمه»، قلعه‌ی «هلیا» و قلعه‌ی «تسکا سرا» وجود دارد که به نظر می‌رسد کاربری مسکونی - نظامی داشته است.

فصل ششم: قلعه‌های تاریخی بخش دابو

مختصری از تاریخ بخش دابو

این بخش از آمل، نام خویش را از سلسله‌ی حکومتی «دابویه» گرفته است. نام‌گذاری این بخش از آمل به دوران اسلامی بر می‌گردد؛ نخستین مرتبه، در منابع تاریخی و جغرافیایی از دابو در سال ۱۶ هجری قمری برابر ۸-۶۳۷ میلادی نام برده‌اند. در این سال سپاه یزدگرد سوم به جلولا و مداین دست درازی کردند. گیل گاو باره^{۱۳۴} صلاح در آن دید که سرزمین تبرستان را به آذر ولش، آخرین پادشاه زرمهری بسپارد و خود به خدمت یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی برسد با این شرط که پسر بزرگ و ولیعهد خود دابو را در آمل به جانشینی خود قرار دهد و پسر کوچک‌تر خود پادوسبان را به استنداری [حکمرانی] رستمدرار منصوب کند. انگاره‌ی قوی آن است که این بخش از آمل، نام خویش را از «دابو بن گیل گاو باره» گرفته است.

«خاندان دابویه به مدّت (۱۰۴) سال در طبرستان، امارت [حکومت] کردند، تاریخ امارت این سلسله از هنگامی که دابویه در سال (۴۰ ه.ق) پس از

^{۱۳۴} - از آن جایی که «گیل بن گیلانشاه» به صورت ناشناس، همراه چند نفر سوار بر گاو و وارد مازندران شد و این بخش را به تصرف خویش در آورد و آمل را مقرّ حکومتی خویش قرار داد به «گیل گاو باره» یا «گیل گاو سوار» مشهور شد.

مرگ پدرش گیل گاوباره به حکومت نشست، آغاز و به مرگ خورشید به سال (۱۴۴ه.ق) ختم می‌شود و اگر حکومت گیل گاوباره را نیز به حساب آوریم^{۱۳۵} این خانواده ۱۱۹ سال امارت کردند.» (مشکور، ۱۳۷۸: ۷۱۳).

این منطقه در برخی از اسناد و منابع تاریخی به دابوی بزرگ (دانش‌پژوه، ۱۳۴۵: ۶۰) و (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۵: ۱۷۱ به تصحیح الهی) مشهور بوده است. این صفت، بیانگر وسعت بخش دابو در گذشته می‌باشد، با بررسی داده‌های تاریخی، بخش‌هایی از بابلسر، بابل، فریدونکنار، محمودآباد و بخش‌هایی از هرازی، جزء دابوی بزرگ محسوب می‌شد و اشاره‌ی اسناد تاریخی به بخش دابوی بزرگ بی‌شک، مناطق مذکور را در بر می‌گیرد و این گستردگی در زمان قدرت‌گیری مرعشیان به جهت ارادت به خاستگاه خویش، بیشتر حس می‌شود. در دوره‌های اخیر و با روی کار آمدن تقسیمات کشوری و تشکیل دهستان‌ها، از گستردگی دابوی بزرگ، کم شده است.

^{۱۳۵} - مدت حکومت گیل گاو باره (۱۵) سال بوده است.

دابو از نگاه رایینو

دابو از بلوکات آمل مازندران، عده‌ی قریه ۹۱، مساحت آن ۱۵ فرسنگ، مرکز آن «مرزنگو»، حدشمالی آن دریای خزر و شرقی آن «جلالک ازرک» بار فروش [بابل] و جنوبی آن «دشت سه هزار»^{۱۳۶} و غربی آن «هراز پی» می‌باشد. جمعیت تقریبی آن، صد و پانزده هزار است^{۱۳۷}. (رایینو، ۱۳۸۳: ۴۰-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۶-۱۵۵ بخش انگلیسی سفرنامه رایینو).

داده‌های تاریخی، حکایت از اغتشاشات و جنگ‌های فراوانی در دوره‌ی ساسانی و اسلامی در این دیار می‌نماید؛ منابع تاریخی، اوج این جنگ‌ها را بیشتر در زمان حضور مرعشیان و هجوم تیمور گزارش می‌دهند. بنابراین احداث، تعمیر و بازسازی قلعه‌ها در این دوران در منطقه‌ی دابو، بیشتر از سایر ادوار احساس می‌شد. به همین خاطر امروزه، نشانی‌ها و آثار چندین قلعه در این بخش به چشم می‌خورد. در ادامه به معرفی چند قلعه در این منطقه اشاره خواهد شد:

^{۱۳۶}- کلمه‌ی «دشت سه هزار» در اصل «دشت سر هراز» بوده است که در گزارش رایینو، به اشتباه [ناشی از غلط سمعی یا نوشتاری] با این ترکیب نوشته شده است.
^{۱۳۷}- این آمار اشتباه می‌باشد. به طور حتم ۱۱۵۰۰۰ نفر جمعیت مربوط به آمار بخش دابو نمی‌تواند درست باشد؛ به نظرمی‌رسد در این زمان شهرستان آمل، شامل مناطقی از آمل، نور، محمودآباد، لاریجان، بندپی و بلده بوده، و این آمار، جمع کل جمعیت مناطق مذکور را شامل می‌شود و بخش دابو نمی‌تواند در آن دوره این تعداد نفوس داشته باشد.

قلعه‌ی ماهانه‌سر یا گیل محله



قلعه‌ی ماهانه‌سر. (۱۳۹۸/۲/۱۰ سه شنبه)

قلعه‌ی «گیل محله» یا «کتی» در گذشته‌ی نزدیک، جزء شهرستان آمل بوده است و امروزه طبق تقسیمات کشوری، جزء یکی از روستاهای شهرستان محمودآباد می‌باشد.

به نظر می‌رسد، این قلعه همان قلعه‌ی مشهور و تاریخی «ماهانه‌سر» باشد که در طول تاریخ با تغییر نام آبادی به قلعه‌ی گیل محله یا کتی نامگذاری شده است. میثم فلاح^{۱۳۸} درباره‌ی این قلعه گزارش می‌دهد:

«محوطه‌ای به نام قلعه‌ی گل محله [گیل محله]، که در این بررسی‌ها شناسایی و ثبت شده را فرض بر جایگاه محتمل قلعه‌ی ماهانه‌سر بدانیم، به

^{۱۳۸} - کارشناس ارشد باستان‌شناسی و مدرس دانشگاه، مسئول کارشناس گمانه‌زنی و کاوشگری قلعه‌ی «گیل محله» یا قلعه‌ی «ماهانه‌سر» می‌باشند و تاکنون یک فصل کاوشگری در این قلعه را به اتمام رساندند.

نظرمی‌رسد، قلعه‌ی گل محله، می‌تواند مهم‌ترین محوطه در ارتباط با شناسایی دوران تاریخی و متعاقب آن، جانمایی برای قلعه‌ی ماهانه سر باشد.» (فلاح، ۱۳۹۵: ۱۵۹).



باستان شناسان در حال کاوش در قلعه‌ی ماهانه سر. (منبع عکس: سایت باشگاه خبرنگاران، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۳/۱۲ ه.ش)

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، قلعه‌ی ماهانه سر مهم‌ترین قلعه‌ی مسکونی و دفاعی دوران مرعشیان به خصوص مرعشیان نسل دوم، حدود سال‌های ۷۸۱ ه.ق الی ۷۹۵ ه.ق و تا زمان حمله‌ی تیمور به شهر آمل بوده است.

به علت استحکام و نفوذ ناپذیری قلعه در زمان حمله‌ی تیموریان، «مدت دو ماه و شش روز طول کشید تا تیمور بر این قلعه مسخر شود و سرانجام در روز پنج‌شنبه دوم شوال ۷۹۵ ه.ق قلعه نشینان تسلیم شدند و قلعه را به تیمور سپردند.» (میرجعفری، ۱۳۸۳: ۲۶). پس از تسلیم مرعشیان، تیمور دستور داد تا سربازانش به داخل قلعه یورش برند و هر چیز گران‌بهای را

پیدا نمودند از قلعه خارج کنند و پس از تخلیه‌ی گنج‌های مدفون، بار دیگر «تیمور فرمان داد تا قلعه را آتش زند و با زمین هموار کنند.» (همان: ۲۶).



قلعه‌ی ماهانه‌سر. (۱۳۹۸/۲/۱۰)

قلعه‌ی پلنگ لی / پلنگ کتی ترويجان



نمایی از قلعه‌ی مخروطه‌ی پلنگ لی در روستای تیرويجان. ۱۳۹۹/۳/۱۴. ش.

قلعه‌ی «پلنگ لی» یا «پلنگ کتی» یکی از قلاع مسکونی - نظامی شهرستان آمل در ضلع جنوبی روستای «ترويجان» دابوی جنوبی قرار دارد. مساحت این قلعه، حدود پنج هزار متر مربع که بی شک در گذشته، بیشتر از این مقدار بوده و با حدود میانگین ارتفاع شش متر می‌باشد؛ این قلعه از نوع خاکی - سنگی بوده و از مساحت زیر بنای آن، بر می‌آید که کاربری مسکونی - نظامی داشته است. به نظر می‌رسد این قلعه بر روی تپه‌ی طبیعی با خاک ریزهای دستی احداث شده است. در بستر این قلعه، سفال‌های مربوط به ادوار مختلف تاریخی مشاهده می‌شود.

بنا بر گزارش سالخوردگانِ روستای تیرویجان، تعداد سه قلعه در سمت شمالی این آبادی قرار داشت که امروزه بر اثر تسطیح اراضی به طور کامل از بین رفت.



تصاویر قلعه‌ی مخروبه‌ی پلنگ لی در روستای تیرویجان. (۱۳۹۶/۸/۱۹ ه.ش).

قلعه‌ی دو تیره



محل احتمالی قلعه روستای دو تیره

در سمت شرق روستای دو تیره در میان اراضی کشاورزی منتهی به آرامگاه امامزادگان این آبادی آثار خاک‌ریز دستی به مساحت حدود چهارصد متر به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد آثار قلعه‌ای در گذشته بوده است. اطلاعات موثقی درباره‌ی این قلعه در دست نیست.

شهرکتی

«شهرکتی» نام روستایی در بخش دابو بوده و به معنی تپه‌ی قلعه می‌باشد چرا که کلمه‌ی شهر به معنی قلعه هم می‌آید. ستوده در این باره گزارش داده است:

«نام این دهکده، یادآور تپه‌های دستی این دشت است. ظاهراً دهکده بر روی این تپه‌ی قدیمی ساخته شده است.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۶۷). امروزه اثری از این قلعه نیست.

پَلِم کتی / پِلِم کتی

«پلم کتی» یکی از آبادی‌های بخش دابو دشت است که بنای روستا بر روی تپه‌ای مرتفع و طبیعی قرار گرفت. این تپه، موقعیت مسکونی و نظامی داشته است. «تپه‌ی پلم کتی به «غول تپه» هم مشهور است.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۶۹ مجلد چهارم).

در فرهنگ واژگانی مردم آمل، غول به معنی بسیار بزرگ و ستر و گاهی به معنی دیو می‌باشد. با توجه به نام تپه، باید قدمت آن به دوران بسیار دور برسد. به نظر می‌رسد، این قلعه به جهت وسعت و نفوذناپذیری به این نام مشهور گردیده است.

شیران کتی / شِرم کتی

«شرم کتی» نام قلعه‌ای با تپه‌ای طبیعی در بخش دابوی غربی آمل می‌باشد. از نام این آبادی پیداست که بنای این قلعه باید به دوران باستان آمل برسد، چرا که این واژه مرکب از سه کلمه‌ی «شِه» به معنی شبنم و «رِم» در زبان پهلوی به معنی مکان نمناک و حاصل خیز می‌باشد و «کتی» بیانگر قلعه است. بنابراین شِرم کتی [شهرم کتی] به معنی مکان شبنمی و نمناک می‌باشد و شبنم‌زایی این منطقه، تاکنون نیز قابل مشاهده است. این قلعه،

مسکونی بوده است که باید بنای اولیه‌ی آبادی «شرم کلا» بر بلندای این تپه قرار گرفته باشد. امروزه اثری از این تپه نمی‌باشد.

قلعه‌ی جالی کلا



قلعه‌ی جالی کلا. (۱۳۹۷/۴/۳. ش).

بازمانده‌های این قلعه در سمت جنوبی روستای «جالی کلا» قرار دارد. تپه‌ای به مساحت تقریبی هزار مترمربع می‌باشد که بی‌شک در گذشته، بیش از این بوده است. از نتایج تحقیقات میدانی و گزارش‌های شفاهی اهالی این روستا و روستاهای اطراف، بر می‌آید که این قلعه مسکونی - نظامی بوده است.

قلعه‌ی دژک / دژک غیاث کلا

«بالغ بر ۴۵ سال قبل، به فاصله‌ی تقریبی یک کیلومتری جنوب غربی خاک فعلی غیاث کلا، یعنی منطقه «دژک» [دژک]، زمین مرتفعی موسوم به «پشته» وجود داشت که باقی‌مانده از سرزمین وسیع‌تر و مرتفع‌تر [تپه یا کتی] می‌باشد و در ازمنه‌ی بسیار دور، محلّ سکونت مردم زمان خویش بود و عدّه قلیلی معتقدند که در گذشته، روستای «غیاث کلا»، «دقیانوس کلا» نام داشته است..»

پس از ویرانی آن روستا [شاید قلعه]، ساکنان دوره‌های اولیّه و نسل‌های بعدی غیاث کلا، به تدریج از خاک آن برداشته و تمامی آن جا تبدیل به زمین کشاورزی گردید، به طوری که اکنون، اثری از آن پشته دیده نمی‌شود.

در راستای همین خاکبرداری‌ها و کندن‌ها، آثاری مانند خشت‌های مربع شکل و تگه‌ی کوزه‌های شکسته و غنائم دیگر بدست آمده که مؤید مسکونی بودن آن منطقه در دوره‌های طولانی بوده است. تا آن جا که، تقریباً در ۴۵ سال قبل، خمره‌ای بزرگ، حاوی اسکلت آدم، کشف شده بود که نیمه‌ی سالم آن توسط یکی از یابندگان، سال‌ها به جای آخور اسب، استفاده می‌گردید.

وجود اسکلت در خمره می‌تواند، بیانگر مسکونی بودن آن منطقه [دزک / دژک] در زمان اشکانیان باشد. زیرا بدین شیوه خاک‌سپاری مردگان، منسوب به آن دوران است.

کشف این گونه آثار در منطقه‌ی دزک و نیز کشف گورستان بسیار قدیمی در قسمتی از خاک فعلی غیاثکلا [مدخل ورودی کاسه‌گر محله]، همه حکایت از قدمت دیرینه‌ی این روستا دارد. (به نقل از وبلاگ روستای غیاث‌کلا).

قلعه‌ی مریج محله

بر اساس گزارش شفاهی برخی از ساکنین آبادی «مریج محله» در بخش دابوی شمالی، مرتعی وجود دارد که به نام «قلا» معروف است. در گذشته این مرتع محل استقرار قلعه‌ای بزرگ و مهمی بوده است. به نظر می‌رسد این قلعه و قلاع روستاهای اطراف و نزدیک مریج محله یا «مرج محله»^{۱۳۶} پیش قلاع قلعه‌ی بزرگ و شاه نشین ماهانه‌سر بوده باشد. امروزه اثری از این قلعه نمی‌باشد.

^{۱۳۶} - «مرج» در فرهنگ واژگانی مردم آمل به معنی «چراگاه» می‌باشد.

فصل هفتم: قلعه‌های تاریخی بخش
هرازی

مختصری از تاریخ بخش هرازی

نام گذاری بخش هرازی، نسبت به بخش های دیگر آمل از جمله دابو و لیتکوه از قدمت چندانی برخوردار نیست. به نظر می رسد قبل از نام گذاری این بخش به هرازی، تمامی این دیار به نام «دابوی بزرگ» مشهور بوده است. این نام قبل از عصر صفویان به این دیار داده شد، چرا که در طومار آستانه های مازندران که در سده یازدهم هجری تنظیم شده است از وقفیات تکیه ای به نام «درویش خانیسار» واقع در «الم لور رار»^{۱۴۰} هرازی ذکر شده است. (دانش پژوه، ۱۳۴۵: ۶۳). هرچند امروزه این آبادی شناسایی نشده است و شاید از آن جایی که این طومار به صورت نسخه ی خطی بوده، در بازخوانی آن اشتباهی رخ داده باشد. ولی آن چه مهم است، ذکر نام منطقه ی «هرازی» می باشد. در بررسی منابع تاریخی قبل از این زمان، نامی از هرازی به میان نیامد و به نظر می رسد، قسمتی از این منطقه جزئی از دابو و قسمتی از آن در بخش پایین خیابان لیتکوه [صرف نظر از تقسیمات سیاسی آن] قرار داشت.

^{۱۴۰} - به نظرمی رسد کلمه ی «الم لور ار» نوعی اشتباه سمعی یا نوشتاری بوده و صحیح آن «الم ده روار» یا «الم ده رودبار» می باشد که امروزه به نام «علمده شرقی» در شرق شهر محمود آباد واقع است.

اکثر روستاهای این بخش از آمل، قدمتی کمتر از ۱۵۰ سال دارند. اما روستاهایی هم چون اوجی‌آباد، رودبار، تمسک و شاید چند آبادی دیگر قدمتشان به دو قرن می‌رسد.



آرامگاه منسوب به امام زاده محسن (ع) در روستای تمسک هراز پی. (۱۷/۶/۱۳۹۶ه.ش)

بنای اولیّه‌ی اکثر روستاهای این بخش تا یک قرن پیش، جنگل بوده که در زمان قاجار با پیدایی عناوین سیاسی - اجتماعی مانند خان، بیگ، ارباب، کدخدا، بلوکباشی و... افرادی با کسب عناوین و تایید و تقویت قدرت آنان از طرف دربار، موجب گردید که اراضی جنگلی بخش هرازی با قطع درختان به تصرف و تملک این گونه اشخاص در آید و با تغییر کاربری به صورت اراضی کشاورزی در آمده است.

برای کشت برنج، نیاز به نیروی کار زیاد می‌باشد بنابراین خوانین و ارباب‌های این منطقه با کوچ‌دهی و اسکان افرادی از سایر نقاط مازندران در اراضی تحت تصرف خویش در بخش هرازی به مرور روستاهایی به وجود آمد که اکثر این روستاها به نام همان خوانین نامگذاری شدند. قابل ذکر می‌باشد، اکثر ارباب‌ها و خوانین این بخش، خاستگاهشان منطقه‌ی لاریجان بوده است. مانند روستای «جعفرآباد» نامش برگرفته از نام «جعفرقلی‌خان» لاریجانی می‌باشد. در جریان حمله‌ی مغول و متواری شدن مرعشیان و پناه‌گیری آنان در میان درختان این بخش از آمل، جنگل‌های هرازی در معرض آتش‌سوزی قرار گرفت و هکتارها جنگل در جریان این حمله، طمع‌ه‌ی آتش بازی مغولان شده است.^{۱۴۱}



بنای قدیمی در رودبار هرازی پی (۱۳۹۶/۶/۱۷.ش)

^{۱۴۱} - صادق هدایت با تلفیق داده‌های تاریخی و با کمک رویا پردازی شرح حمله‌ی مغولان را به بخش هرازی در رمانی تحت عنوان «سایه‌ی مغول» آورده است که در سراسر این رمان خوف و وحشت موج می‌زند. (رک هدایت، ۱۳۱۰).

وجه تسمیه هرازی

از آن جایی که بیشترین مسیر جریان رودخانه‌ی هراز در قسمت جلگه‌ای آمل، میان آبادی‌های این بخش، قرار دارد به «هرازی» معروف شده است. هرازی به سه دهستان «شمالی»، «جنوبی» و «غربی» تقسیم شده است که دو دهستان هرازی شمالی^{۱۴۲} و غربی، در تقسیمات سیاسی - جغرافیایی شهرستان محمودآباد و هرازی جنوبی جزء تقسیمات سیاسی - جغرافیایی شهرستان آمل قرار دارد.



رودخانه‌ی بزرگ هراز جاری در بخش هرازی. (۱۳۹۶/۱۰/۱.ش)

^{۱۴۲} - مرکز این دهستان روستای بیشه‌کلا می‌باشد.

در این قسمت از آمل، در طول تاریخ، به جهت حضور و جولان مرعشیان و تاخت و تاز تیموریان همان طور که اشاره شد، جزء دابوی بزرگ می‌باشد و آثار چند قلعه در این دیار به چشم می‌خورد که در سطور زیر بدان اشاره خواهد شد.



سیل‌بند تاریخی روستای فرح‌آباد هرازپی. (۱۳۹۶/۱۲/۴-ش). جهت نمایش ارتفاع و عرض دیوار چهار نوجوان بالای آن قرار گرفتند.



سیل‌بند تاریخی روستای فرح‌آباد هرازپی. (۱۳۹۶/۱۲/۴-ش). این دیوار از جنس سیمان و فلز بوده و قدمت آن به عصر پهلوی دوم می‌رسد.

قلعه‌ی دونکا یا داناگان

برای بازشناسی این قلعه می‌توان این فرضیه را بیان کرد که این قلعه در روستای کهنه‌دان امروزی، واقع در بخش هرازی قرار دارد که در ضلع شمالی این آبادی، بنای آرامگاه شخصیتی به نام امام‌زاده «عسگری» (ع) احداث شده است.

هرگونه خاک انباشتهایی که در این آبادی به چشم بخورد قابلیت بررسی و فرض انگاری برای قلعه‌ی دونکا را دارد؛ از داده‌های تاریخی یافت می‌شود، قلعه قصری در منطقه‌ی دابوی آمل، قرار داشت که به نام قصر «دونکا» مشهور بوده است.



آرامگاه منسوب به امام‌زاده عسگری در آبادی کهنه‌دان هرازی آمل. (۱۳۹۷/۴/۳ ه.ش).

قصر دونکا، مقر حکومتی سلسله‌ی «باوندیان» مازندران بوده که ابن‌اسفندیار و میرظهیرالدین مرعشی و نیز سایر مورخان در گزارش دهی

حوادث آمل از این قلعه قصر در چند نوبت یاد می‌کنند و از لحاظ قرابت اسمی و تطبیق داده‌های تاریخی با اماکن امروزی، می‌توان انگاره‌ی «در این آبادی قلعه قصر دونکا قرار دارد.» را به صحت نزدیک کرد.



نمایی از خاک انباشتی در کهنه‌دان هرازی آمل. (۱۳۹۷/۴/۳.ش).

قلعه‌ی کتی / بختیار کتی

محل این قلعه در روستای «بختیارکوتی^{۴۳}» یا «بختیارکتی» بخش هرازی آمل می‌باشد. بنای اولیه‌ی این آبادی بر بلندای تپه‌ای مرتفع، معروف به «کتی» با کاربری نظامی - مسکونی قرار داشت. رابینو از این قلعه نام

^{۴۳} - نام این قلعه و آبادی در نوشته‌های اداری به صورت «کوتی» ثبت شده است که نادرست به نظر می‌رسد.

می‌برد. امروزه جز نامی از این قلعه، اثری نمی‌باشد و اهالی، این روستا را به نام «کتی» می‌شناسند.

فصل هشتم: قلعه‌های تاریخی بخش چلاو

مختصری از تاریخ چلاو

دهستان «چلاو» در جنوب شهرستان آمل، میان درّه‌ای در جهت شرقی و غربی واقع و از چند آبادی بزرگ و کوچک تشکیل شده است. آبادی‌های هم چون: پاریمه، چمه‌بن، زر خنی^{۱۴۴}، گنگرج کلا، پاشا کلا، نجّار کلا، تیار، الیمستان و... از روستاهای تشکیل دهنده منطقه‌ی چلاو می‌باشد. ابن اسفندیار در ذکر تقسیمات شهرهای مازندران از چلاو نامی به میان نمی‌آورد؛ ولی در لابه لای متون تاریخش از چلاو و «شلاب»^{۱۴۵} به عنوان آبادی‌های آمل یاد می‌کند.

از بررسی منابع، می‌توان فهمید، چلاو یکی از مناطق تاریخی مازندران می‌باشد و برخی را عقیده بر آن است که چلاو پرورشگاه فریدون، پادشاه اساطیری ایران بوده است. ابن اسفندیار در این خصوص می‌نویسد:

«چون فریدون از مشیحه کُن فیکون [رحم مادر] بیرون آمد به حکم آن که جبال [کوهستان]، غیر ذی زرع [غیرقابل کشت] و ضرع بود، به حدود شلاب، نقل کردند که در آن صقع، چرا خورها [چراگاه] باشد و مقیمان او را تعیش از منافع، نتاج و باج گاوآن بود.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۵۷). رابینو

^{۱۴۴} - خنی: در فرهنگ واژگانی مردم آمل، خنی به معنی چشمه می‌باشد.

^{۱۴۵} - شلاب یا «شیل آب» مرکب از دو کلمه‌ی «شیل» و «آب» می‌باشد و به معنای آب‌هایی که ماهی یا شیل به همراه دارد. چرا که در این بخش باران سیل‌آسا به وفور می‌بارد و ماهی‌های بالا دست را به این نقطه هدایت می‌کرد و هم چنین شلاب به معنی باران شدید و سیل آور می‌باشد.

در سفرنامه‌اش از چلاو نام می‌برد و آن را یکی از بلوک هشت گانه‌ی آمل می‌داند». (رابینو، ۱۳۸۳: ۷۵)

رابینو درباره‌ی چلاو می‌نویسد: «شلاب در حدود سواد کوه^{۱۴۶} که مراتع فراوانی دارد و کار مردم آن جا، گله داری است.» (همان: ۲۰۰) و هم چنین از جهنم‌دره‌ی چلاو نام می‌برد و می‌نویسد: «جهنم درّه، در شمال چلاو-که در این جا، هَزَهَزْ^{۱۴۷} [هراز] به وسیله‌ی پلی چوبی در سال (۸۰۶ ه.ق) رفت و آمد می‌کردند ...» (همان: ۱۹۸)

همان طور که ملاحظه شد، ابن اسفندیار و رابینو، چلاو را به صورت «شلاب» ذکر کرده اند و به طور حتم باید کلمه‌ی شلاب، درست‌تر از چلاو باشد، چرا که شلاب در زبان تبری به معنی و مفهوم باران شدید و همراه با طغیان رود خانه‌ها می‌باشد.

اگر به موقعیت این نقطه به دقت نگریسته شود، باران‌های سیل‌آسا، همواره در منطقه، جاری و ایجاد نهرهای پر آب می‌نماید. اعتمادالسلطنه چلاو را به صورت «تیلاب» نام برده است. شاید کلمه‌ی تیلاب یادآور گل و لای باران‌های سیل‌آور باشد.

^{۱۴۶}- گویا رابینو در ثبت موقعیت چلاو، اشتباه نموده است.

^{۱۴۷}- به معنی نهر پر آب و جهنده.

حشمت‌الله ایاز نوشته است: «نام اولیّه‌ی این دهستان «چهل آب» بوده که به مرور زمان تغییر نموده است.» (ایاز، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

در جنوب شرقی روستای تیار، آثار سنگ‌چین‌هایی که به نظر می‌رسد این سنگ‌ها، دست تراش هستند، مشاهده می‌شود^{۱۴۸} که در یک مسیر خطی طولانی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین می‌توان این فرضیه را پیش کشید: این سنگ‌ها، بازمانده‌ی آثار استحكامات و یا دیوارهای مستحکم و مهم دیار چلاو بوده است و این انگاره نیازمند مطالعات علمی باستان‌شناسی می‌باشد.



سنگ‌های به نظر دست تراشیده در جنوب تیار. (۱۳۹۷/۵/۳۱)

^{۱۴۸} - این فرض قابل تحقیق، تایید و یا رد می‌باشد.

به نظر می‌رسد، آبادی تیار، باید یادگار یک روستا یا شهرک تاریخی و مذهبی عصر کهن مازندران باشد. در واکاوی کلمه‌ی تیار می‌توان فرض کرد:

تیار مرکب از دو کلمه‌ی «تی+ار» می‌باشد و «تی» به معنی نور و درخشش خورشید و «ار» به معنی زمین و منطقه است. بنابراین «تی‌آر» به سرزمین نورانی و خورشید اطلاق می‌شود که در دین مهرپرستی و زرتشتی خورشید و نور آن مقدس شمرده می‌شد.



استقرار خطی سنگ‌های به نظر دست تراشیده در جنوب تیار. (۱۳۹۷/۵/۳۱)

هم چنین در واکاوی نامواژه‌ی آبادی «گت کلا» این انگاره قابل ارائه است که روستای گت کلا هم متعلق به دوران مهرپرستی و یا زرتشتی آمل باشد،

چرا که «گت» در زبان پارسی کهن به معنی صاعقه، نور، روشنایی می‌باشد. (اقتباس از عمادی، ۱۳۸۸: ۳۷، ۳۶)

در دوران حکومت اسپهبد «شاه غازی رستم» به سال (۵۵۸-۵۳۳.ق) «امیرشهریار» در چلاو قیام کرد و مورخان معتقدند که «زن و مرد چلاوی در این قیام با امیرشهریار همراه بودند.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۲۱) اعتمادالسلطنه می‌نویسد: در چلاو قلعه‌ی بسیار قدیمی بود و احتمالاً قلعه‌ای را که ایشان از آن نام برده است، همان قلعه‌ی «دارا» باشد که به نظر دکتر ستوده، قدمت آن قلعه به دوران قبل از اسلام می‌رسد و موقعیت آن را بین دهکده‌های «گنگرج کلا» و «سنگک چال» می‌داند.

به علت موقعیت حساس سیاسی و امنیتی چلاو در طول تاریخ، قلاع فراوانی در این دیار بنا گردیده بود که امروزه اطلاعات چندانی از این قلاع در دست نیست و فقط نامی از آن‌ها در متون تاریخی ذکر شده است، مثل قلعه‌ی «سامان» که موقعیت و سرگذشت آن نامشخص می‌باشد.

در برهه‌ای از تاریخ، چلاویان حکومت قسمتی از مازندران را در اختیار داشتند و در جریان فرمانروایی خویش، دچار افت و اوج شدند. حکومت و فرمانروایی چلاویان به دو دوره تقسیم می‌شود:

دوره ی اوّل که مدّت آن طولانی‌تر می‌باشد، قبل از دعوت و قیام مرعشیان در مازندران بوده است که با ظهور مرعشیان در مازندران، مدّتی از اوج و عظمت و قدرت سیاسی آنان کاسته شد.

دوره‌ی دوم با حمله و تسخیر امیر تیمور به مازندران و سرکوبی و تبعید مرعشیان، دوباره چلاویان، قدرت از دست رفته را به دست آوردند و در این زمان، سرزمین گشایی را در پیش گرفتند و قسمتی از مازندران را تحت سیطره‌ی خویش در آوردند که در این دوره، شکایات رعایا و مردم، به گوش امیر تیمور رسید و امیر تیمور خود، شخصاً به مازندران آمد و بساط حکومت این دودمان را برچید و از آن تاریخ به بعد، دیگر چلاویان نتوانسته‌اند حکومت محلی این دیار را به دست گیرند.

رهبر چلاویان در دوره‌ی اوّل، با «افراسیاب» چلاوی و در دوره‌ی دوم، با «اسکندر» چلاوی، فرزند کوچک افراسیاب بوده است.

وجود قبور امام زادگان در این منطقه، بیانگر این حقیقت است که چلاو، پیوسته مرکز تبلیغ شعائر دین اسلام بوده و تا به امروز، مردم چلاو بر سر این پیمان هستند.

از مهم‌ترین نهرهای منطقه‌ی چلاو، رودخانه‌ی «چلاو رود» یا «چلو رود» می‌باشد که نام این نهر در تاریخ ابن اسفندیار بارها ذکر شده است.

چلاو رود از ارتفاعات «لفور» سرچشمه می‌گیرد و جریان شرقی به غربی دارد و در نزدیک‌های «منگل» (یکی از مراتع و آبادی آمل) به رود خانه‌ی هراز می‌پیوندد و بنا بر استناد متون تاریخی، به خصوص جلد دوم تاریخ تبرستان ابن اسفندیار، می‌توان گفت: قلعه‌ای در کنار چلاو رود احداث شد که به قلعه‌ی دارا معروف است. منوچهرستوده جایگاه آن را در کنار این رود می‌داند.

در متون تاریخی، این منطقه با رسم الخط‌هایی هم چون: «چلاو»، «چلاب»، «شلاو»، «شلاب»، «شیلاب»، «چلا»، «چلو» و «چهل آب» یا «چهل او» نوشته شده است که به طور حتم تمامی این کلمات با آب و باران ارتباط دارند.

از دیر باز در این نقطه‌ی تاریخی، قلعه‌هایی وجود داشته است که تا کنون آثار برخی از این قلاع به چشم می‌خورد. در صفحات بعدی، به تعدادی از این قلاع اشاره خواهد شد.

قلعه‌ی چلاو

«اعتماد السلطنه» درباره‌ی قلعه‌ی چلاو، گزارش می‌دهد: «چلاو از بلوکات طبرستان و مازندران است؛ الحال [اکنون] تیول «منشی الممالک» است. قلعه‌ای بسیار قدیمی و کهنه دارد.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۲۲ به نقل از مرآت البلدان، جلد چهارم: ۲۵۴). آثار این قلعه در کنار جاده آسفالته‌ی چلاو - جنب دامداری غفاری - به چشم می‌خورد.

خاکریز دستی به مساحت حدود ۷۰۰ متر مربع است که مصالح به کار رفته در آن خاک، گل و سنگ می‌باشد. بر اثر کند و کاو غیر مجاز، آثار سنگ چین در لایه‌های زیرین این بنا به چشم می‌خورد. در جای جای این قلعه سفال مشاهده می‌شود. اکثر این سفال‌ها به رنگ سرخ و به ندرت هم سیاه مشاهده می‌باشد.

به نظر می‌رسد، این قلعه، کاربری نظامی - مسکونی داشته است. هر چند با دقت به وسعت خاکریز مرتفع آن، این نکته به دست می‌آید، این بنا گنجایش سکونت افراد زیادی را ندارد، اما آن چه که سبب می‌شود، این بنا جزء قلاع نظامی - مسکونی محسوب شود، این که از نشانه‌ها بر می‌آید در این ساختمان، دالان‌های زیرزمینی وجود داشت که محلّ اختفاء و سرپناه افراد از سرمای شدید زمستانی و باران‌های سیل‌آسا چلاو بوده است و با مشاهده در دالان‌ها، سفال‌های بی‌شماری دیده می‌شود.



نمای ضلع شمالی قلعه‌ی چلاو. (۱۳۹۷/۵/۳۱)



سفال‌های محوطه‌ی قلعه‌ی چلاو. (۱۳۹۷/۵/۳۱)

قلاع حسین کیای چلاوی

حسین کیای چلاوی، از نوادگان افراسیاب چلاوی بوده که بر شاه اسماعیل صفوی شورید و قفسی آهنی ساخته و به شاه پیغام داد که شمارا در قفس خواهم انداخت و در ایران می‌گردانم.

با شنیدن این پیغام، شاه اسماعیل با لشگری جراز به سوی مازندران حرکت کرد و «حسین کیای چلاوی چون از حرکت شاه اسماعیل به سوی مازندران مطلع شد در استحکام برج و باروی حصارهای قلاع خود کوشید.» (یوسف جمالی و حبیبی نوده، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

از آن جایی که موطن حسین کیا، بخش چلاو آمل بوده است به طور حتم در این منطقه، قلعه‌هایی در اختیار داشت.

با حمله‌ی شاه اسماعیل به مازندران، حسین کیا را در قلعه‌ی «استا»^{۱۴۹} به اسارت گرفت و او را در همان قفسی انداخت که ایشان برای شاه اسماعیل آماده کرده بود.

^{۱۴۹} - شاید این قلعه در مرتع «استا» یکی از مراتع شاه زید بوده باشد که گاهی به صورت «استار» هم بیان می‌شود. به نظر می‌رسد: «استا» یک واژه‌ی مربوط به یکی از ادیان کهن باشد و «در فرهنگ‌های فارسی به معنی ستایش، نیایش، ستودن، ستایش کردن، ستاینده و ستایش کننده و امر به ستایش و نیایش آمده است.» (عمادی، ۱۳۸۸: ۶۸).

قلعه‌ی بیه ماه منگل

«دراراضی بیه ماه در غرب منطقه‌ی منگل، آثار قلعه‌ی بزرگ و قدیمی است؛ در این قلعه حفاری‌های غیر مجاز زیاد شده و آن را زیر و روی کرده‌اند.» (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۳۱).

قلعه‌ی دارا

بنابر نشانی‌های منابع تاریخی، این قلعه باید در بخش چلاو قرار داشته باشد. در تاریخ ابن‌اسفندیار از این قلعه با عنوان «دز دارا» نام برده شد. بنابر نشانی‌های منابع تاریخی، قدمت این قلعه، باید به دوران باستان آمل برسد. به نظر می‌رسد «دارا بن داراب» یا همان داریوش سوم در زمان حمله‌ی اسکندر مقدونی در این قلعه پناه گرفت با این توصیف، بنای قلعه‌ی دارا باید به سال‌ها قبل‌تر از داریوش سوم برسد..

مهبجوری در تاریخ مازندران از این قلعه نام برده است: «اسپهد پسر را به دژ دارا فرستاد و پزشک و پرستاری را برای او گماشت و در همین دژ، این جهان را بدرود گفت.» (مهبجوری، ۱۳۸۱: ۲۷۳).

هم چنین این قلعه در منابع تاریخی در جریان حوادث سال (۵۳۱ق) در زمان حمله‌ی عباس، سردار سلطان سنجر به آمل اشاره شده است. «عباس به دست آوردن تپورستان یا دارا دژ را کاری آسان گمان می‌برد و چون

داخل کارزار [جنگ] شد، دانست که {آهن سرد، کوبیدن است. ۱۵۰} «(برزگر، ۱۳۸۷: ۴۸۸). بنابراین با اسپهبد «علی اعلاءالدوله» باوندی به سازش پرداخت و این قلعه در اختیار اسپهبد علی قرار گرفت. «این قلعه در دره‌ی چلاو، (رودبار هیچ) واقع بوده که محل آن را باید در حدود دهکده‌های گنجرج کلا و سنگ چال جستجو کرد.» (ستوده، ۱۳۷۵: ۱۲۳ جلد ۴)

قلعه‌ی دارا تا دوران اسلامی آمل، مورد استفاده‌ی حاکمان محلی قرار می‌گرفت. بنابر گزارش ابن‌اسفندیار، این قلعه تا حدود سال ۶۱۱ ه.ق آباد بوده است.

قلعه‌ی سامان

بنا بر نشانی‌های منابع تاریخی در منطقه‌ی چلاو، قلعه‌ای به نام «سامان» قرار داشت که امروزه مکان دقیق آن مشخص نمی‌باشد. در کتاب خاندان مرعشی از این قلعه نام برده شده است و میرظهیرالدین مرعشی نیز از این قلعه، ذکری به میان آورده است و دیگر مورخان بعد از میرتیمور و میرظهیرالدین، همان مطالبی را که آن دو ذکر کرده‌اند، بازنویسی نموده‌اند و اطلاعات بیشتری ارائه نمی‌دهند. امروزه مکان دقیق این قلعه مشخص نمی‌باشد. ستوده محل این قلعه را در مرتع «رستانک» در نزدیکی آبادی گنجرج کلا، احتمال داده است. زیرا

^{۱۵۰} - منظور کاری بس سخت، اما بیهوده است.

«در مرتع رستانک، رو به روی گنگرج کلا، محلی به نام قلعه‌ی سام تا چندی پیش می‌شناختند.» (همان: ۱۲۷).

قلعه‌های اوش چلاو

محتمل است در چلاو به علت دیرینگی زندگی و حضور انسان‌ها در این دیار، چندین قلعه‌ی «اوش» وجود داشته باشد. در بررسی منابع تاریخی، نشانی‌های دو قلعه به نام اوش در چلاو به دست خواهد آمد:

الف: «قلعه‌ی اوش در منطقه‌ای به همین نام، پایین‌تر از دو راهی تیار به گنگرج کلا و در محل جوجه‌کشی یک روزه چلو رود امروزی واقع می‌باشد که امروزه به صورت تپه‌ای در آمده و آثاری از آن نمایان نیست.» (محمدی گنگرج، ۱۳۹۶: ۶۷)

ب: منوچهر ستوده در پژوهش‌های خود، نشانی‌های قلعه‌ای به نام اوش را در اراضی زیر گنگرج کلا، ارائه می‌دهد که امروزه به طور کلی محو شده است. (همان: ۶۷).



دره‌ی فلا اوش چلاو. (منبع: کانال تلگرامی سنگجبال، تاریخ بازدید: ۱۳/۳/۱۳۹۹. ش)

قلعه / قلا گردن

ستوده در کتاب «از آستارا تا آسترآباد» از نقطه‌ای به «قلا گردن» گزارش داده است: «در دامنه‌ی کوه تیار، طرف دست راست جاده‌ای که به امامزاده قاسم (ع) می‌رود، [در دامنه‌ای به همین نام] آثاری از قلعه‌ی قدیمی است؛ آب انباری داشته [که بر اثر شرایط جوی و حفاری‌های غیرمجاز] فعلاً پر شده است.» (ستوده، ۱۳۷۵: ۱۳۱ مجلد ۴).

قلعه‌ی تیمور

از نام قلعه پیداست: سابقه‌ی نام‌گیری قلعه‌ی تیمور به زمان حضور تیموریان در آمل می‌رسد. اما بعید است این قلعه در زمان حضور او احداث شده باشد. فرضیه‌ی نزدیک به صحت آن است که این قلعه، یکی از وسیع‌ترین و مهم‌ترین قلاع دیار چلاو بوده که از دوران قبل‌تر از حضور تیمور در آمل، وجود داشته و تیمور آن را به جهت وسعت و مستحکم بودن به تصرف خویش در آورد و محلّ اسکان خویش قرار داده است. به طور حتم قلعه‌ی تیمور باید یکی از قلعه قصرهای خاندان چلاوی به خصوص افراسیاب بوده باشد و تیمور به منظور کنترل هر گونه جنبش خصمانه‌ی چلاویان و وجود امکانات، شایسته در آن دید که در چلاو سکونت یابد، بنابراین قلعه قصر خاندان چلاوی را مقر فرمانروایی موقت خویش انتخاب نموده است.

ستوده درباره‌ی این قلعه گزارش می‌دهد: «تیمور قلعه، از بناهای تیمور شاه از گچ و آجر ساخته شده، معتبرتر از قلعه‌های دیگر است، همه‌ی لوازم را از حمام و غیره داشته است و آثار آن باقی است.» (ستوده، ۱۳۷۵: ۱۳۱ جلد ۴).

قلعه‌ی خُرم

از سرگذشت این قلعه، اطلاعی در دست نیست؛ نام این قلعه در تاریخ ابن‌اسفندیار آمده است. ایشان گزارش می‌دهد: «اصفهد [شاه غازی رستم] به آمل آمد، قلعه‌ی «خُرم» بفرمود [بنا] کرد و تا به پرسب^{۱۵۱} از منوچهر لارجان، مرزبان گرفت.» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۸۸ ج ۲)

هم چنین، «شیخ علی گیلانی» گزارش می‌دهد: «محمد بن شهریار به خرمه‌رز [دز]^{۱۵۲} که بالای آمل است، ساکن شده است.» (گیلانی، ۱۳۵۲: ۸۲).

^{۱۵۱} - «پرسب» که در تلفظ مردم آمل به «پرسب» است، نقطه‌ای در جنوب آمل و بسیار خوش آب و هوا و دارای چراگاه‌های سرسبز و فراوان بوده و می‌باشد. در وجه تسمیه‌ی این نقطه می‌توان این نظر پیش کشید:

اسب در فرهنگ ایرانی نماد قدرت و تجهیزات نظامی می‌باشد، لذا به جهت سرسبزی مراتع و چراگاه‌ها، اسب‌های جنگی زیادی در این نقطه مشاهده می‌شدند و به «پرسب» یا جایی که اسب فراوان وجود دارد، نام گرفت.

^{۱۵۲} - پژوهشگر حاضر درباره‌ی ثبت نام قلعه‌ی خرم، در تاریخ «شیخ علی گیلانی» به صورت «خرمه رز» دو فرض ارائه می‌دهد:

الف- شاید این کلمه نوعی اشتباه نوشتاری باشد و به جای کلمه‌ی «دز» یا «دژ»، «رز» ثبت شده است.

دقت در گزارش‌های ابن اسفندیار و شیخ علی گیلانی (۱۳۵۲ ه.ش) و نیز مصاحبه با افراد آگاه،^{۱۵۳} می‌توان دریافت که این قلعه در روستای «خُرْم» یا «خِرْم» در نزدیکی آبادی نشل [نی شیل]، قرار داشته است.

قلعه‌ی نشل / نی شیل

آثار این قلعه در روستای کوهستانی و تاریخی «نشل» و صحیح‌تر «نی شیل» در نقطه‌ی «خورتاب» قرار دارد و امروزه این مکان و اطراف آن به نام «قِلا بَنک» معروف است. نتایج مصاحبه با ساکنین آبادی، این نتیجه به دست می‌آید که قلعه‌ی نی شیل از نوع مسکونی و مصالح به کار گرفته در این قلعه سنگ، خاک و ساروج بوده است و آثاری از گنگ‌های سفالی و آب انبار در این قلعه مشاهده و نیز تکه‌های ظروف سفالی در محوطه‌ی قلعه‌ی نشل به دست آمده است.^{۱۵۴}

ب: شاید بتوان گفت: «رز» به معنی محل و آبادی که شرح این کلمه درباره‌ی نام روستای «رزکی» آمده است، قابل انطباق با این مکان باشد. بنابراین خرْمه‌رز به معنی محلّ سر سبز و خرم می‌آید.
^{۱۵۳} - مصاحبه با دبیران ارجمند، جنابان علی خُرْمی و علی امان زاده ساکنین روستای نشل، زمان مصاحبه: ۱۳۹۸/۴/۲۴، مکان مصاحبه: دبیرستان شاهد آمل.
^{۱۵۴} - مصاحبه با دبیران ارجمند، جنابان علی خرمی و علی امان زاده ساکنین روستای نشل، زمان مصاحبه: ۱۳۹۸/۴/۲۴، مکان مصاحبه: دبیرستان شاهد آمل.

فصل نهم: قلعه‌های تاریخی بخش لاریجان

آشنایی مختصر با لاریجان

لاریجان، منطقه‌ای کوهستانی، واقع در البرز میانی، در جنوب شهرستان آمل قرار دارد. این دیار از دیر دوران، مرکز زندگی و تمدن، هر چند گمنام بوده است. برخی از روستاهای این دیار به ازمه‌ی باستان دور می‌رسد. مردم لاریجان، همواره در طول تاریخ سیاسی ایران به خصوص در برهه‌ی تاریخ سیاسی معاصر، افرادی موثر محسوب می‌شدند و می‌شوند.

منابع و مناظر طبیعی لاریجان، سبب زیر بنای آبادی‌هایی در این بخش، از دوران دورتر شده است و نام‌گیری برخی از آبادی‌ها، برگرفته از موقعیت طبیعی این دیار می‌باشد؛ مانند رینه که پیش فرض آن را می‌توان، اینگونه بیان کرد: رینه، مرکب از دو کلمه‌ی "ری" یا "ریه" و "نا" است و «ری» به معنی دراز، طولانی و اراضی وسیع و «نا» به مفهوم سرزمین کوهستانی و مرتفع می‌باشد. (استناد به ترجمه‌ی سنگ نوشته‌ی شهر هگمتانه، موجود در موزه‌ی تاریخ همدان، تابستان ۱۳۸۶ه.ش.)

مشخصه‌ی جمعیتی بخش لاریجان، بر مبنای طایفه و تیره بوده است که اکثر طوایف با نام آبادی‌های این بخش شناسانده و شناخته می‌شوند؛

نیایی، اسکی، رینه‌ای، ایرایی و ... معرف هر یک از طوایفی هستند که نام‌گیری آنها بر گرفته از سکونتگاه اجدادیشان بوده است و با نوعی از ادغام، در چارت طایفه‌ای آمل، به نام طایفه‌ی «لاریجانی»، خودنمایی می‌کند که جزء سرطوایف این شهرستان می‌باشند.

نوع اقتصاد غالب مردم این دیار، ترکیبی از دامپروری و کشاورزی دیمی می‌باشد، ضمن این‌که پیشه‌های دیگر هم وجود داشته و دارد که برخی از این مشاغل، نوع مشاغل دوم و یا کم درآمد محسوب می‌شود.

گونگونوی باور، آداب و رسوم، بیانگر کثرت و تعمیق فرهنگ مردم این سرزمین بوده است؛ هرچند ماندگاری فرهنگ در این دیار، نسبت به سایر نقاط آمل، از قوت بیشتری برخوردار می‌باشد، اما تاثیر عوامل بی‌رنگی فرهنگ‌ها را نباید در این دیار نادیده گرفت. «ورف چال» یا «برف چال» یک سنت [تقریباً] ششصد ساله که امروزه ترکیبی از فرهنگ‌های ناشناخته و شاید ناجور شده است، از جمله سنتی دیدنی است که تا به امروز نفس‌های کم رمق خویش را می‌کشد.

رودها، چشمه‌ها، معادن، راه‌ها و ... از جمله منابع جذب استعدادهای اقتصادی و گردشگری بدون برنامه‌ریزی شده است که اینگونه پدیده‌ها، موجب تخریب طبیعت بی‌هوادار لاریجان می‌گردد.

آموزش و پرورش این منطقه نیازمند دستگیری موثران می‌باشد. هر چند که برخی از نویسندگان، نه پژوهشگران، می‌خواهند برای آموزش و پرورش لاریجان، تاریخ سازی و قدمت نمایی کنند؛ اما بنا و ساختار تعلیم و تربیت این دیار، به زیرسازی بیشتر از قدمت سازی نیازمند است.

به جهت سکونت و قدمت طولانی و اهمیت این دیار همواره موضوع دفاع و حفظ و حراست از این سرزمین از اهم موضوعاتی بود که در اولویت زندگی ساکنین لاریجان قرار داشت. به همین خاطر امروزه آثار صدها قلعه در این بخش به چشم می‌خورد که در ادامه به تعدادی از این قلاع اشاره خواهد شد:

قلعه‌ی لاریجان

بنابر گزارش منابع تاریخی، قلعه‌ای در بخش لاریجان قرار داشت که به «قلعه‌ی لاریجان» مشهور بوده است. اما مکان این قلعه مشخص نمی‌باشد. مهجوری به نقل از مورخان قبل از خود گزارش می‌دهد:

«اسپهد، پس از رفتن او [ایلدگزر فرمانروای ری]، علی کیا را از دژ فیروزکوه بر گرفت و به دژ لاریجان فرستاد.» (مهجوری، ۱۳۸۱: ۲۷۲).

مورخان موقعیت دقیق این دژ یا قلعه را مشخص نکردند. به نظر می‌رسد، یکی از سه دژ مهم «شونا دشت»، «کهرود» و «سوآه» به دژ یا «قلعه‌ی لاریجان» مشهور بوده است.

قلعه‌ی ملک بهمن / شونا دشت

«قلعه‌ی مذکور، منسوب به ملک بهمن، آخرین امیر سلسله‌ی استندار لاریجان، فرزند ملک کیومرث بن ملک کاووس است که در دوره‌ی شاه عباس صفوی کشته شده است. با توجه به متون تاریخی، ظاهراً این قلعه در

آن زمان «قلعه‌ی دشمن‌کور» [دشمن کور^{۱۵۵}] خوانده می‌شد. (سورتیجی، ۱۳۸۱: ۷۲) علی‌رغم انتساب این قلعه به ملک بهمن، شواهد و قرائن موجود و سفالینه‌های جمع‌آوری شده تاریخی از قرن چهارم تا یازدهم هجری را برای این بنا تعیین می‌کند. صخره‌ای که قلعه‌ی ملک بهمن بر روی آن ساخته شد از موقعیت نظامی و استحفاظی خوبی برخوردار است. مساحت این قلعه حدود ۳۰۰ در ۱۰۰ متر را شامل می‌شود.



نمایی از قلعه‌ی شونا دشت لاریجان. (منبع: وبلاگک همدلان لاریجان، ۱۳/۳/۱۳۹۹ ه. ش.).

^{۱۵۵} - «دشمن کور» عبارت دعایی است که بیانگر وسعت و عظمت این قلعه می‌باشد. زیرا در فرهنگ مردم مازندران برای محفوظ ماندن ابهت و شکوه چیزی و دور ماندن از چشم زخم افراد بد خواه جمله‌ی دعایی چشم دشمن یا حسود کور را به کار می‌برند.

«ژاک دمورگان» رئیس حفاری فرانسه در شوش، حدود ۱۱۰ سال پیش، از این قلعه بازدید کرد و نقشه‌ی آن را تهیه نموده است. «ملازاده و محمدی، ۱۳۸۵: ۲۱۲».

«اعتمادالسلطنه» در مورد این قلعه گزارش می‌دهد: «شاهان دشت، مسکن سادات علوی است. بالای آن ده، آثار قلعه‌ی قدیمی و عمارت زیاد است. می‌گویند ملک بهمن علوی، که از سلاطین مازندران و لاریجان بود، آن جا را بنا کرده است. آبشاری از زیر عمارت جاری است، طولش ۷۰ الی ۸۰ ذرع می‌شود. خیلی مصفا است.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۵۲).

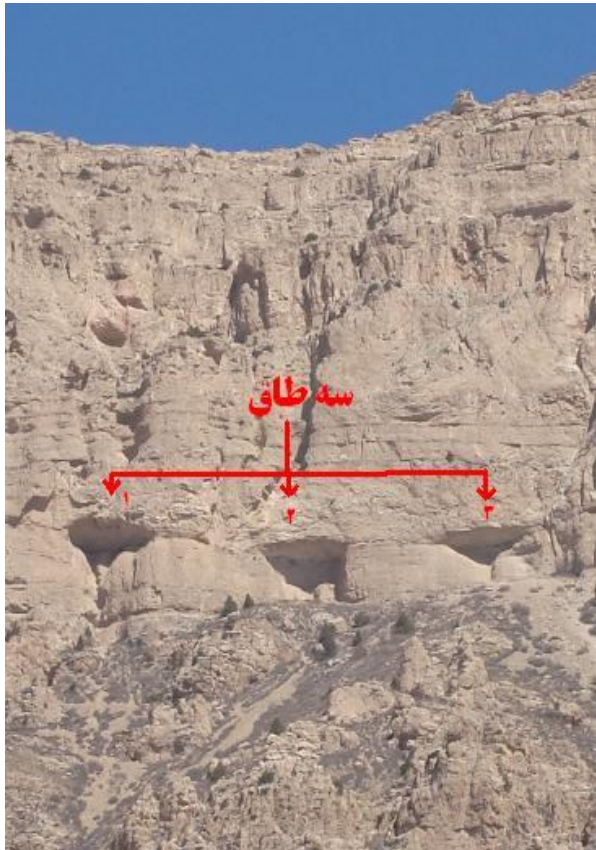
قلع اوش امیری / سه طاق امیری

بر روی ارتفاعات روستای آخا، در مرتع «رُ دره» و نزدیک مرتع «او کران»، آثار سه طاق دست‌کند وجود دارد که رسیدن به این مکان، بدون امکانات و راهنمای محلی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در این مکان آثار سه دهنه طاق وجود دارد که توسط انسان درست شده است.^{۱۵۶} هر کدام از این طاق‌ها ۷ متر ارتفاع و ۵ متر عرض و ۱ تا ۲ متر عمق دارند. (وبلاگ همدلان لاریجان، ۱۳/۳/۱۳۹۹ه.ش). هر چند برخی، این طاق‌ها را بازمانده‌های قلاع دیدبانی و یا شاه‌نشین می‌دانند، ولی به نظر

^{۱۵۶} - مصاحبه با جناب مسعود اخگر آخایی، زمان مصاحبه: ۱۳/۳/۱۳۹۹ه.ش، مکان مصاحبه: شرکت تعاونی فرهنگیان آمل.

نویسنده‌ی کتاب حاضر، این آثار می‌تواند متعلق به قبور پادشاهان و یا حاکمان محلی بوده باشد. حفر گورهای پادشاهان بر بلندای کوه‌ها و به صورت طاق شکل از زمان هخامنشیان در ایران متداول بوده است. می‌توان این انگاره را پیش کشید که حداقل پیشینه‌ی «سه طاق» متعلق به دوران هخامنشیان بوده و به عنوان دخمه‌های گور شاهک‌های هخامنشی مستقر در این دیار و بعد از آن‌ها می‌باشد که پای‌بند آئین زرتشت بوده‌اند و در مازندران به قلاع اوش مشهور می‌باشند.

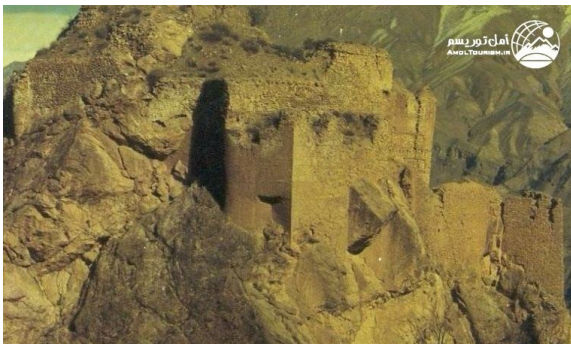


سه طاق امیری. (منبع: وبلاگ همدلان لاریجان، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۳/۱۳.ش)

قلعه‌ی کارو

«منوچهر - مرزبان لاریجان - قلعه‌ی کهرود را که بعدها به «کارو» معروف شد، چنان آباد کرده بود که در هر رشته، صنفی و تجارت، افرادی از هندوستان و مصر و سوریه بدان جا آمدند و اقامت گزیدند. دژ آن در سال (۵۷۸۳ق.) به وسیله‌ی «سید فخرالدین مرعشی» تسخیر گردید و به حال ویرانی ماند تا به دست «ملک کیومرث» تعمیر شد.» (رایینو، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

(لسانی، ۱۳۹۴: ۳۹). امروزه آثار این قلعه در اطراف کهرود قابل رویت است. «در زیر ساختمان قلعه در حدود دوازده زاغه است که بعضی از آنها پس از زلزله‌ی سال ۱۳۳۶ه.ش لاریجان خراب شده است.» (کوهی، ۱۳۹۳: ۴۴).



نمایی از قلعه‌ی کهرود. (منبع عکس: وبلاگ آمل توریزم، ۱۳/۳/۱۳۹۹ه.ش)

قلع نو

بنا بر گزارش مصطفی کوهی، آثار دو قلعه در روستای «نوا» به چشم می‌خورد که یکی به نام «قلا پیش» و دیگری به نام «قلا شروین» مشهور است. (کوهی، ۱۳۹۳: ۴۷).

قلعه‌ی پغلا در دلارستاق

بنا بر گزارش کانال تلگرامی دلارستاق در روستای رزان لاریجان قلعه‌ای به نام «پغلا» وجود دارد که دیوارهای آن هنوز به چشم می‌خورد. از گذشته‌ی این قلعه اطلاعات موثقی در دست نیست.



قلعه پغلا در روستای رزان. (منبع: کانال تلگرامی دلارستاق، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۳/۱۲.ش)

قلعه‌ی شیر دره / شیر درّه



قلعه‌ی شیر دره در روستای سوآ. (۱۳/۴/۱۳۹۸.ه.ش)

قلعه‌ی شیر^{۱۵۷} درّه، در اراضی جنوب غربی روستای سوآی^{۱۵۸} نامرستاق قرار دارد. آثار باقی مانده‌ی قلعه، نشان می‌دهد که این بنا کاربری نظامی - دیده بانی داشته است. «میرظهیرالدین مرعشی در کتاب «تاریخ تبرستان، رویان و

^{۱۵۷} - به نظر می‌رسد، از آن جایی که در این قلعه، افراد ورزیده و شجاع سکونت داشتند، هیچ کس را یاری نزدیک شدن و نفوذ به داخل آن نبود به قلعه‌ی «شیر» به معنی شیر نام گرفت.
^{۱۵۸} - به نظر می‌رسد قدمت این آبادی مربوط به دوران «مهرپرستی» و یا «زرتشتیان» آملی بوده باشد. «سو» در زبان مازندرانی به معنی روشنایی و مجازاً به معنی اجاق و چراغ آمده است. و «آ» مخفف «آه» و در لغتنامه‌ی اوستایی چنانچه این واژه در پایان یک کلمه بیاید به معنی دارنگی و بودن و هستن می‌باشد. بنابراین «سواه» به معنی محل نورانی و مقدس خواهد بود.

مازندران» این قلعه را با نام قلعه‌ی «نمارستاق» بیان می‌کند.» (بشار، ۱۳۹۶: ۴۰).



قلعه‌ی شیر دره در روستای سوآ. (۱۳۹۸/۴/۱۳ ه.ش). عکاس: ماریا طبری.



قلعه‌ی شیر دره در روستای سوآ. (۱۳۹۹/۵/۳ ه.ش)

مرعشی درباره‌ی این قلعه نوشته است: «قدمت بنای این قلعه نامعلوم است. آثار برج دیدبانی، دیوارهای دفاعی و آب انبارهای این قلعه، هنوز به خوبی قابل رویت است. «مصالح به کار رفته در این قلعه، عبارت از سنگ تراش خورده و نتراشیده، لاشه سنگ و قلوه سنگ با ملات گچ و ساروج است. منابع تاریخی نشان می‌دهد، این قلعه در دوره‌ی ابتدایی و میانی اسلام، آباد و معمور بوده و به شیوه‌ی نظامی از آن بهره می‌بردند.» (همان: ۴۱).

قلعه کوه

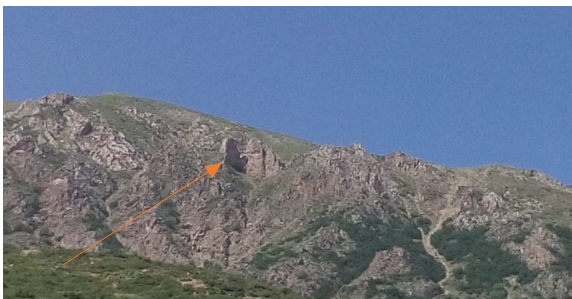
این قلعه در بخش نمارستاق قرار دارد. در کتاب «نوشته‌هایی از نمارستاق» درباره‌ی این قلعه آمده است: «فلاکوه به ارتفاع تقریبی سه هزار متر، در نقطه‌ی ۵۲:۴ شرقی و عرض ۳۶:۵ شمالی قرار دارد. سازندگان این قلعه، بر بلندای قلّه‌ای صخره‌ای و دشوار، امکان طرح و نقشه‌ای برای اجرای ساختمان آن نداشتند، بنا بر این، فرم و شکل قلعه، همان الگو و طرح طبیعت و شرایط طبیعی منطقه است.» (بشار، ۱۳۹۶: ۳۸). بنا بر اظهار ساکنین روستای دیوران، بر بلندای کوه سمت جنوب غربی این آبادی آثار قلعه کوه قرار دارد که هنوز قسمتی از دیوار و آب انبار آن به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد این قلعه مسکونی و مقر حاکمان بومی بوده است.^{۱۵۹}

^{۱۵۹} - مصاحبه با جناب مهدی نیکپور، زمان مصاحبه: ۱۳۹۸/۷/۲۰. ش مکان مصاحبه: روستای دیوران نمارستاق.

قلعه و تخت شاه طهماسب

در مراتع «هلیان» و «پلاکس» امیری آثار خاک انباشته‌هایی از جنس سنگ و ساروج به چشم می‌خورد که در نزد اهالی امیری به «تخت شاه طهماسب» معروف است. گویا در جنب این قصر قلاع و برجهای دیده‌بانی وجود داشته است.^{۱۶۰}

قلعه‌ی اوش کرد چالک نمارستاق



قلعه‌ی اوش روستای عبدالمناف(ع) در دهستان نمارستاق لاریجان. (۱۳۹۸/۴/۱۳.ه.ش)

بر بلندای کوه سمت چپ (غرب) روستای امامزاده عبدالمناف (ع)، در اراضی روستای کرد چالک آثار قلعه‌ای بر دهانه‌ی دخمه‌ای غارگونه دیده می‌شود که به نظر می‌رسد، این مکان، یکی از صدها قلاع «اوش» مازندران

^{۱۶۰} - مصاحبه با دبیر محترم مسعود اخگر آخایی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۳/۱۳ ه.ش، مکان مصاحبه: شرکت تعاونی فرهنگیان آمل.

است که در زمان ادیان کهن، مانند مهرپرستان و شاید زرتشتیان، اجساد مردگان را در چنین دخمه‌هایی قرار می‌دادند تا خوراک لاشخواران شود.

تفنگاه

قبل از ورود به تونل وانا از سمت تهران در نقطه‌ای به نام «شکل شاه» در کنار نهر هراز، آثاری از سنگ چین ساختمانی به چشم می‌خورد که به تفنگاه مشهور است. با توجه به نام این ساختمان و دقت در ظاهر و معماری آن به نظر می‌رسد به عنوان قلعه و برج دیده‌بانی از آن در قرون گذشته استفاده می‌شد. این ساختمان امروزه روی به نابودی و تخریب است.



تصویر برج تمنگاه وانا.

قلعه‌ی پنج‌او

بنا بر اظهار بومیان روستای پنج او [پنجاب / عبدالله آباد] بر بلندای کوه شمالی آبادی عبدالله آباد، در زمینی مسطح حدود پنج هکتار آثار قلعه‌ای مشاهده می‌شود که این قلعه به نظر می‌رسد مسکونی بوده است. امروزه قسمتی از دیوار بارو و ساختمان حاکم نشین قابل مشاهده است.^{۱۶۱}



محل استقرار قلعه پنج او. (۱۳۹۸/۷/۲۷.ش)

قلعه‌ی لومار

^{۱۶۱} - مصاحبه با جناب نیما غفوریان، دانشجو، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۸/۷/۲۷.ش. مکان مصاحبه: روستای عبدالله آباد لاریجان.

قلعه‌ی «لومار»^{۱۶۲} از قلاع تاریخی آمل و لاریجان می‌باشد که در زمان مرعشیان، شاهد حوادث تاریخی فراوانی بوده است. این قلعه بین سد لار و رینه قرار داشت و امروزه به کلی تخریب گشت. میر ظهردالدین مرعشی در کتابش از این قلعه نام برده است.^{۱۶۳}

قلعه‌ی لوندر

مرعشی در جریان تسخیر سید فخرالدین در رینه از این قلعه نام برده، ولی مشخصات و موقعیت آن را بیان نکرده است. در کتاب «نگاهی تازه به تاریخ و جغرافیا و سوابق فرهنگی لاریجان» چند سطر از این قلعه گزارش شده است که این گزارش نمی‌تواند مکان دقیقی این قلعه را در رینه مشخص نماید. (لسانی، ۱۳۹۴: ۴۱)

قلعه‌ی گلندان / گل اندام

هم چنین در همین کتاب از قلعه‌ای به نام قلعه‌ی گلندان نام برده شده است که این قلعه را در مرتع «آملاء سر راه لاسم به نوا بر سر راه قدیمی لاسم به نوا» گزارش شده و به گلندان مشهور است. (لسانی، ۱۳۹۴: ۴۰).

قلعه‌ی دختر

^{۱۶۲} - لومار به معنی بلندی (لو) که خورشید پشت آن غروب (مار) می‌کند.
^{۱۶۳} - به نقل از مصطفی راعی اسکی. (۱۳۹۸/۴/۱۰ ه.ش)، مکان مصاحبه آمل.

این قلعه امروزه بر بالای کوه تونل جدید پلور به مشاء قرار دارد که آثار آن تاکنون پا بر جاست. «بنای قلعه بر دو سطح سنگی است. سطح سنگی غربی بالاتر و سطح سنگی شرقی پایین تر می‌افتد در این قلعه آثار آب انباری به چشم می‌خورد و قطر دیوارهای قلعه به ۱۲۰ سانتیمتر می‌رسد.» (راعی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).



نمایی از قلعه‌ی دختر پلور. (عکاس: منوچهر فیروزی). عکس اهدایی از مصطفی راعی.



دیوارهای آب انبار قلعه دختر. (منبع عکس: ستوده، ۱۳۶۶: ۴۰۱)

قلعه‌ی مازیار

«مازیار» یکی از فرمانروایان مازندران است که همواره سر ناسازگاری و تمرد با نمایندگان خلفای عرب در ایران و مازندران داشته است. مازیار به منظور نابودی و راندن اعراب از مازندران به ساخت قلاع فراوانی در نقاط مختلف این نقطه پرداخته است و برخی از این قلاع به نام او تا به امروز مشهور است. قلعه‌ی «مزیار» یا قلعه‌ی مازیار در بخش «امیری» لاریجان، یکی از صدها قلعه‌ی ساخته شده توسط ایشان می‌باشد.



قسمتی از دیوار قلعه‌ی مازیار. (منبع عکس: ستوده، ۱۳۶۶: ۴۴۱ مجلد سوم)

قلعه‌ی قارن

در نزدیکی مرتع «کِنْدُل» بخش امیری لاریجان آثار قلعه‌ای وجود دارد که به قلعه‌ی «قارن» مشهور است. این قلعه دارای ۱۱ زاغه بوده و بومیان روایت می‌کنند که این زاغه‌ها محلّ دیده‌بانی و پاسبانی سپاهیان لاریجان بوده است. اطلاعات موثقی درباره‌ی این قلعه و زاغه‌های آن وجود ندارد.^{۱۶۴}

قلعه‌ی ایلال

برخی منابع خبر از وجود قلعه‌ای به نام «ایلال» در لاریجان می‌دهند که این قلعه در حدود سال (۶۱۷ه.ق)، مدتی پناهگاه «ترکان خاتون» همسر سلطان محمد خوارزمشاه و تعدادی از فرزندان او در زمان حمله‌ی مغولان به ایران بوده است. ولی منابع تاریخی نشانی دقیق این قلعه را ارائه نداده‌اند. شیخ علی گیلانی مولف «تاریخ مازندران» محلّ این قلعه را در سواد کوه می‌داند و آن را به نام قلعه «اولاد» می‌شناسد. «ولی در تاریخ جهانگشای جوینی» که در زمان مغولان نوشته شده است، قلعه ایلال را در لاریجان ذکر کرده است. «کوهی، ۱۳۹۳: ۵۰»

^{۱۶۴} - مصاحبه با دبیر محترم مسعود اخگر آخایی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۳/۱۳ ه.ش. مکان مصاحبه: شرکت تعاونی فرهنگیان آمل

قلعه‌ی روخان

«شیخ علی گیلانی در سال ۱۰۴۴ ق از این قلعه یاد کرده است. داعی صغیر به تعقیب ناصرالحق پرداخته و وی را بگرفت و جمیع اموال او را به تاراج داد و در قلعه‌ی روخان لاریجان فرستاده و محبوس ساخت.» (لسانی، ۱۳۹۴: ۴۲). موقعیت این قلعه نامشخص است.

قلعه‌ی مون

بقایای قلعه‌ای قدیمی، میان دو آبادی «مون» و «رینه» به چشم می‌خورد که با توجه به مساحت بنا، کاربری نظامی داشته است. امروزه آثاری از آن باقی مانده و «این آثار بر سر گردنه‌ی کمر کیلی واقع شده است.» (همان: ۴۰)

قلعه‌ی مرجانه

این قلعه در روستای مریجان قرار داشت که امروزه فقط نامی از آن باقی مانده است.

قلعه‌ی انگمار

بر بلندای کوه مرتع انگمار نشانه‌هایی از یک قلعه به چشم می‌خورد که قدمت آن نامشخص است. این قلعه به قلعه‌ی انگمار مشهور است.

قلعه‌ی آفنه سر

آثار قلعه‌ای مخروبه و قدیمی - که کاربری نظامی و دیده‌بانی محیط داشته است، در مرتع «قلا پشت» به چشم می‌خورد.



دیوار قلا پشت آفنه‌سر، (منبع: کانال تلگرامی دوستداران بهرستاق، تاریخ بازدید: ۱۳۹۸/۹/۲۶ ه.ش).

قلعه‌ی محمد علی بیگ

بر بلندای کوهی ما بین دو مرتع «بستک» و «گل و گچ» لار آثاری از سنگ و گچ و ساروج به چشم می‌خورد که اهالی آن را بنای قلعه‌ای به نام «ممدعلی بگ» یا محمد علی بیگ می‌دانند.

قلعه‌ی اوش نیاک / قلا اوش نیاک

آثار قلعه‌ای قدیمی، بر کناره‌ی آب هراز، نزدیک پُل ورودی^{۱۶۵} به طرف دهکده «نیاک»، بر بالای قلّه‌ای سنگی کم ارتفاعی به چشم می‌خورد که این قلعه با توجه به نامش، فرض بر آن است که به عنوان «استودان»^{۱۶۶} پیروان مذاهب کهن کاربرد داشته و گزارش شده است این قلعه دارای سه زاغه بوده است. «دو زاغه‌ی آن رو به غرب و یکی رو به جنوب است» (لسانی، ۱۳۹۴:

(۴۰

قلعه‌ی محمد علی بیگ

^{۱۶۵} - معروف به تخته پل می‌باشد که امروزه این پل فلزی - بتونی شده است.
^{۱۶۶} - کلمه‌ی «استودان» تلفظ ساده‌ی «استخوان دان» است که پیروان ادیان کهن، از جمله زرتشتیان، اجساد مردگان را در آن قرار می‌دادند تا خوراک پرندگان، از جمله لاشخوران شود و استخوان‌ها در آن دخمه‌ی قلعه مانند قرار می‌گیرد. در مناطق جنوبی ایران، نمونه‌های فراوانی از استودان‌ها به چشم می‌خورد؛ مانند استودان شهرستان ممسنی.

بر بلندای کوهی ما بین دو مرتع «بستک» و «گل و گچ» لار آثاری از سنگ و گچ و ساروج به چشم می‌خورد که اهالی آن را بنای قلعه‌ای به نام «ممدعلی بگ» یا محمد علی بیگ می‌دانند.

قلعه‌ی سنگ دک پلور

بنابر اشارات منابع، در ضلع جنوبی آبادی پلور، تپه‌ای با ارتفاع قابل توجه وجود دارد که به تپه‌ی «سعیدک» یا «سدک» مشهور است و برخی این نقطه را قلعه‌ی «سنگ دک» می‌نامند. وجود توده‌ای از خشت خام و سنگ‌چین در این مکان انگاره‌ی قلعه بودن این نقطه را به صحت نزدیک خواهد کرد.



قلعه‌ی سنگ دک یا سعیدک پلور. (عکس: اهدایی از مصطفی راعی اسکی)

قلعه‌ی خاص پلور



دور نمایی از آثار قلعه‌ی خاص پلور. (۱۳۹۹/۳/۹ خورشیدی)

(عکاس: مصطفی راعی اسکی)

آثار قلعه‌ی خاص در بستر اراضی شمالی روستای پلور قرار دارد. از وسعت و گستردگی این قلعه بر می‌آید که کاربری نظامی - مسکونی داشته است. برخی افراد اذاعن داشته‌اند که در بستر و اطراف این قلعه سفال فراوانی به چشم می‌خورد که مربوط به دوره‌ی اسلامی می‌باشد.^{۱۶۷}

قلعه‌ی اوش شیخ محله

^{۱۶۷} - جناب مصطفی راعی اسکی بیان داشتند: تصویر تعدادی از این سفال‌ها را برای جناب میثم فلاح ارسال داشته تا قدمت‌شنسی شود، گویا نظر ایشان این بود که این سفال‌ها مربوط به دوران اسلامی است. (مصاحبه با مصطفی راعی اسکی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۳/۱۹ خورشیدی، مکان مصاحبه: دبستان غیر دولتی اعتصام آمل).

در اراضی بین دو روستای شیخ محله و «دو زور» [دو ظهور] نمارستاق آثار تپه‌ای مرتفع به چشم می‌خورد که به قلا اوش مشهور است.^{۱۶۸}

قلاع ناشناخته

منابع و متون تاریخی از چند قلعه در آمل نام می‌برند که موقعیت آنها مشخص نمی‌باشد. معرفی این قلاع می‌تواند خط‌نمای پژوهش‌های آتی علاقمندان باشد.

دژگاه

نام این قلعه در منابع تاریخی اشاره شده است و در اطراف آمل قرار داشت. منابع تاریخی درباره‌ی این قلعه و حوادث مربوط به آن در سال (۳۱۱ه.ق) گزارش می‌دهند: «داعی که از ساری گریخته بود و کس ندانست که به کدام راه رفته است، چون به کهستان [کوهستان] اسپهبد «شروین» رسید، ایست کرد و سپاهیان او رفته رفته به دور و بر او گرد آمدند و در این گاه بود که شنید پدر زنش «ابوالحسن احمد ناصر» در آمل در گذشته است. داعی از کهستان سرازیر شد و به پیرامون [اطراف] آمل در محلی که آن را «دژگاه» می‌خوانند لنگر انداخت و ...» (برزگر، ۱۳۸۷: ۴۳۱).

^{۱۶۸} - مصاحبه با حاج عزت‌الله بشار. (شیخ‌محله نمارستاق)

قلعه‌ی شعبو دشت

«شعبو دشت» نام آبادی و قلعه‌ای قدیمی است که جایگاه آن مشخص نمی‌باشد. ابن اسفندیار در تاریخش از این نقطه نام می‌برد؛ اما رابینو در ضمیمه‌ی اوّل سفرنامه‌اش «شعبو دشت» را همان «سِلش کوه» یا «سلسله» کوه می‌داند که محلّ چراگاه دام‌های سنگسری‌ها می‌باشد. (رابینو، ۱۳۸۳: ۲۰۰) میرظهرالدین سلش کوه را «شلس کوه» ثبت کرده است. (همان).

فصل دهم: نگاره‌ها



قلعه تبعیدی کوکده



قلعه شدره سوا



قلعه امام دشت‌سر



بر بلندای قلعه امام دشت‌سر. [روستای قلعه]



نمونه سفال‌های مشاهده شده در روستای تیار چلاو



سفال مربع ابرقوی هلی چال لیتکوه

سفال مربع ابرقوی هلی چال لیتکوه. (اهدایی: شهرام محمدی سنگ کوبی)



قلعهٔ پیل در خوشواش. (۱۳۹۹/۵/۲۲ ش. (عکس: اهدایی از سیف‌الله غلامی)



تپه نورالشهدای خشوآش



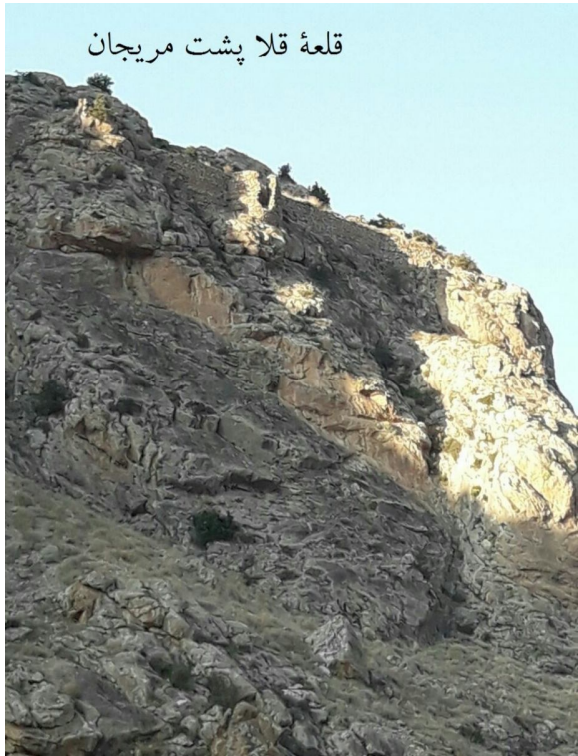
برفراز روستای فیروزکلا. (عکاس: حسن رحیمی)



بر فراز قلعهٔ مریجان



پژوهش میدانی نویسنده در روستای پرن. (۱۳۹۷/۳/۱۱-خورشیدی).



قلعه قلا پشت مریجان



قلعه کاس در چا او سر محله. (۱۳۹۵/۸/۹ ه.ش.)



قلعه کاس چا او سر به جهت تعیین ارتفاع، نویسنده کنار آن قرار گرفت. (۱۳۹۵/۸/۹ ه.ش.)



قلعه چلاو به جهت تعیین ارتفاع، جوانی روی آن قرار گرفت. (۱۳۹۷/۵/۳۱.ش)



کند و کاوهای غیرمجاز بر بدنه‌ی قلعه چلاو (۱۳۹۷/۵/۳۱.ش).



فرنی تپه سنگچال. (۱۳۹۷/۶/۲۲ ه.ش.)



سفال‌های مکشوفه در فرنی تپه سنگچال. (۱۳۹۷/۶/۲۲ ه.ش.)



سفال‌های مکشوفه در محوطه امامزاده ولی (ع) تیار. (۱۳۹۷/۶/۲۲ ه.ش)



تونی تپه، مکانی مقدس، در جنوب روستای قلعه‌کش. (۱۳۹۶/۷/۲۸ ه.ش)



مرتع «کنت کاس کنی» (تیر ۱۳۹۵ ه.ش)



نمای قلعه جالی کلا. (۱۳۹۷/۴/۳ ه.ش).



نمای دور از شیر قلعه سوآ. (۱۳/۴/۱۳۹۷ ه.ش). عکاس: ماریا طبری.



نمای دور از شیر قلعه سوآ. (۹/۳/۱۳۹۹ ه.ش).



نمونه سفال‌های کشف شده در تجن جار
سفال‌های کشف شده در روستای تجن جار، (زمستان ۱۳۹۵ خورشیدی). سفال‌ها اهدایی از شهرام محمدی سنگ کوبی.



سفال‌های اطراف قلعه خاص پلور، (۱۳۹۹/۳/۹ ه.ش). عکس: اهدایی از مصطفی راعی اسکی



خشت کشف شده در خشکروود لیتکوه. (ابعاد و خوش قالبی آن مورد توجه است).
(ش. ۱۳۹۷/۶/۱۶ه.ش)



سفال‌های مشاهده شده در خشکروود لیتکوه. (۱۳۹۷/۶/۱۶ه.ش)



بستر قلعه خاص پلور. (۱۳۹۹/۳/۹). عکس: اهدایی از مصطفی راعی اسکی



دیوار قلعه خاص پلور. (۱۳۹۹/۳/۹). عکس: اهدایی از مصطفی راعی اسکی.



ساختمان احتمالی قلعه و هرام ده. ۱۳/۱/۱۳۹۲ ش. عکاس: ستار محمدی



ساختمان احتمالی قلعه و هرام ده. آبان ۱۳۹۸ ه. ش. عکاس: میثم غفارنژاد.



دیوار قلعه سوا



نمای شمالی امام قلعه دشت سر



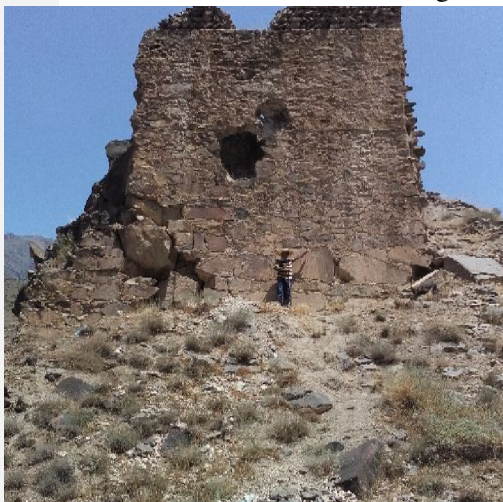
سفال مشاهده شده در مرتع اشلتک نمارستاق. (۱۳۹۹/۴/۱۳). عکاس: کوثر محمدی

—



سفال‌های بستر قلعه سوآ نمارستاق. (۱۳۹۹/۵/۳). ش

↓ دیوار ضلع غربی قلعه سوآ. (۱۳۹۹/۵/۳. ش.).





پژوهش میدانی نویسنده در بستر قلعه سوآ.. (۱۳۹۹/۵/۳ خورشیدی).

منابع و ماخذ

منابع

أجاکه، علی اکبر. (۱۳۸۲ه.ش). **تاریخچه روستای گرجی محله و داستان محمد جبه**. چاپ اول، ساری: مهر ساجده.

آذری دمیرچی، علاءالدین. (۱۳۵۳ه.ش). **نظری کوتاه به مازندران و آثار تاریخی آن و آمل منطقه‌ای سرشار از آثار باستانی و از کانون‌های نخستین ذوب آهن**. ماهنامه‌ی هنر و مردم، بدون شماره: ۲۵-۳۲.

آملی، اولیاء الله. (۱۳۱۳ه.ش). **تاریخ رویان**. تصحیح عباس خلیلی، چاپ اول، تهران: کتابخانه‌ی اقبال.

آملی، اولیاء الله. (۱۲۸۳ه.ش). **تاریخ تبرستان**. مصحح عباس خلیلی، چاپ اول، تهران: انتشارات اقبال.

ابن‌اسفندیار، محمد کاتب. (۱۳۲۰ه.ش). **تاریخ تبرستان**. به کوشش عباس اقبال، چاپ اول، تهران: نشر پدیده خاور.

ابی یعقوبی، احمد. (۱۳۴۷ه.ش). **البلدان**. ترجمه و تصحیح دکتر محمد ابراهیم آیتی، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اشراقی، احسان. (بی تا). **چشم اندازی به قلعه‌های اصطخر و فهقه در روزگار صفویه**. مجله‌ی هنر و مردم، شماره‌ی ۲۳: ۱۴۲-۱۶.

اسکو، صدرالله. (۱۳۹۴ه.ش). **از اسکو تا اسکومحله**. چاپ اول، آمل: انتشارات وارث وا.

اصطخری، ابواسحاق. (۱۳۸۳ه.ش). **کهن شهرها**. به کوشش جواد صفی نژاد، چاپ اول، تهران: موسسه‌ی فرهنگی اهل قلم..

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۷۷ه.ش). **روزنامه‌ی خاطرات اعتماد السلطنه**. به کوشش ایرج افشار، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۷۳ه.ش). **التدوین فی احوال جبال شروین**. تصحیح مصطفی احمد زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات فکر روز.

افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۹۲ه.ش). **فرهنگ شهرها و استان‌های ایران**. جلد اول، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه.

اکبری، یونس. (۱۳۹۳ه.ش). **دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو: گذر از تاریخ‌نگاری متداول**. فصلنامه‌ی تاریخ نو، شماره‌ی ۷: ۵۰-۲۴.

امیرکلایی، ابراهیم؛ مسعودی، آرمان. (۱۳۹۳ه.ش). **گزارش گمانه زنی به منظور تعیین حریم محوطه قلعه کش دابودشت شهرستان آمل**. مجله‌ی انسان‌شناسی و فرهنگ، اینترنتی.

ایاز، محمود. (۱۳۸۴ه.ش). **تاریخ هزاره آمل و لاریجان**. چاپ اول، آمل: چاپ محسن آمل.

بحرینی، سید حسین؛ طیبیان، منوچهر. [بی تا]. **مدل ارزیابی کیفیت محیط زیستی شهری**. مجله‌ی محیط‌شناسی، شماره‌ی ۲۲-۲۱: ۵۶-۴۱.

برزگر، اردشیر. (۱۳۸۷ه.ش). **تاریخ تبرستان**. جلد ۱، تصحیح محمد شکری فومشی، چاپ اول، تهران: نشر رسانش.

بشار، نصرت‌الله. (۱۳۹۶ه.ش). **نوشته‌هایی از نمارستاق**. چاپ اول، تهران: نشر انتخاب.

بناگر، جهانبخش. (۱۳۸۴ ه.ش). **فیروزکلا**. هفته‌نامه‌ی پیام آمل، سال اول، شماره‌ی ۷: ۳.

بوهرلر. (۱۳۵۷ ه.ش). **سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندر ان**. به کوشش م. ت. جکتاجی، چاپ اول، لاهیجان: انتشارات گیل.

بهرلر. (۱۳۵۶ ه.ش). **سفرنامه بهار (جغرافیای رشت و مازندران)**. به کوشش علی اکبر خداپرست، چاپ اول، تهران: نشر توس.

پناهیان، محمود. (۱۹۷۳ میلادی). **فرهنگ جغرافیایی ملی ترکان ایران زمین**، جلد دوم، چاپ اول، تهران: بی نام.

پور داود، ابراهیم. (۱۳۸۱ ه.ش). **یاد داشت‌های گات‌ها**. چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.

پهلوان، چنگیز. (۱۳۶۸ ه.ش). **در زمینه‌ی ایرانشناسی**. چاپ اول، تهران: مولف.

پیرنیا، حسن. (۱۳۴۴ ه.ش). **ایران باستان، لشگرکشی اسکندر به هند**. جلد هفتم، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا.

پیرنیا، حسن. (۱۳۷۵ ه.ش). **تاریخ ایران باستان**. چاپ هشتم، تهران: دنیای کتاب.

پیروز، غلامرضا. (۱۳۸۵ه.ش). **مازندران در دنیای اساطیر**. فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال هفتم، شماره‌ی ۴: ۱۴۵-۱۲۵.

پیگولوسکایا، نیناویکتورونا. (۱۳۷۲ه.ش). **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**. چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ترزبان، صادق؛ هادیان، سیدعلی‌اصغر؛ شهدایی، سید حامد؛ جانبازی قبادی، غلامرضا؛ پزشکی، محمد؛ کاظم‌بیگی، محمدعلی. کاظمی کاورودی، محمد مهدی؛ سلیمانی بشلی، محمد رضا؛ دابویی، ریحانه. (۱۳۹۱ه.ش). **استان شناسی مازندران** (اجرای آزمایشی). چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

تسلیمی، نصرالله؛ نیکویی، مجید؛ منوچهری، ماندانا. (۱۳۹۵ه.ش). **تاریخ هنر ایران**. چاپ اول، کتاب درسی پایه‌ی دهم، دوره‌ی دوم متوسطه، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

جنیدی، فریدون. (۱۳۷۵ه.ش). **زندگی و مهاجرت آریانیان بر پایه‌ی گفتارهای ایرانی**. چاپ اول، تهران: بنیاد نیشابور.

جوانچی، شمس‌العلماء، جی مدی، جمشید. (بی تا). **زاد و بوم زرتشت** (۲). ترجمه‌ی رشید شهردان، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، سال دهم، شماره‌ی ۵: ۱۴۶-۱۰۹.

حاتمی، مطهره السادات. (۱۳۹۵ه.ش). **معرفی نشن سکه‌ی غرب تبرستان**. فصلنامه فصل فرهنگ، ۹: ۲۱۰-۱۹۱.

حجازی کناری، سید حسن. (۱۳۷۲ه.ش). **پژوهشی بر نام‌های باستانی مازندران**. چاپ اول، [الف]

حجازی کناری، سید حسن. (۱۳۷۲ه.ش). **یادگاری‌های دینی و تاریخی باستانی مازندران**. چاپ اول، تهران: نشر انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج کشور. [ب]

خسرویگی، هوشنگ؛ ایزدیار پیربستی، آسیه. (۱۳۹۴ه.ش). **علل استمرار حکومت آل دابویه در طبرستان**. مجله‌ی مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ. سال ۴۷، شماره‌ی ۹۴: ۱۱۲-۹۲.

خلعتری، الهیار؛ پناهی، عباس. (بی تا). **قلاع تنکابن**. پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، [بی شماره]: ۱۶-۱.

خلیلی، احسان. (بی تا). **سکه‌های اولیه تیرستان**. نسخه‌ی الکترونیکی.

www.Irqalam.com.

دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۵ه.ش). **آستانه‌های مازندران**. مجله‌ی معارف اسلامی، ۲: ۶۴-۵۶.

دریایی، تورج. (۱۳۸۸ه.ش). **شهرستان‌های ایران‌شهر**. ترجمه‌ی شهران [شهرام] جلیلیان، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.

دهخدا، علی اکبر. (بی سال). **نغمه‌نامه دهخدا** چاپ اول، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائم اصفهان. (نسخه‌ی الکترونیکی).

ذال، محمدحسن؛ نیستانی، جواد؛ هژبری نویری، علیرضا. (۱۳۹۲ه.ش). **بازسازی مراکز و مرزهای سیاسی و راه‌های تجاری مازندران بر اساس مکان‌یابی قلعه‌ها و پادگان‌های نظامی بازمانده از دوره‌ی ساسانی تا دوران اسلامی**. رساله‌ی دوره‌ی دکتری باستان‌شناسی، گرایش دوران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده‌ی علوم انسانی.

ذبیحی، علی. (۱۳۹۱ه.ش). **آمل**. چاپ دوم، تهران: نشر رسانش نوین.

رابینو، یاسنت لوئی. (۱۳۸۳ ه.ش). **مازندران و استراباد**. ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

رابینو، یاسنت لوئی. (۱۳۶۵ ه.ش). **مازندران و استراباد**. ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

رابینو، هل. [بی سال]. **تاریخ مازندران و فرمانروایان آن سامان**. ترجمه‌ی باقر امیرخانی، چاپ اول، سال سیزدهم. [نسخه‌ی الکترونیکی]. رازی، عبدالله. (۱۳۷۹ ه.ش). **تاریخ کامل ایران**. چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات اقبال.

رازی، اسفندیار. (۱۳۷۸ ه.ش). **پژوهشی در زمینه تاریخ و جغرافیای شهرستان بابل**. چاپ اول، بابل: انتشارات مبعث.

رازی، سید مرتضی. [بی تا]. **بحرالانساب**. نسخه‌ی خطی، الکترونیکی. راعی اسکمی، مصطفی. (۱۳۹۳ ه.ش). **محلات لاریجان آمل**. چاپ اول، تهران: نشر انتخاب.

رضا، عنایت. [بی تا]. **موسی خورنی، تاریخ نگار ارمنی عهد ساسانی**. مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، سال هفتم، شماره‌ی ۲: ۴۹-۵۰.

رضایی، زهرا. (۱۳۹۷ه.ش). **شهر آمل**. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی انسان شناسی شهری، دانشگاه تهران.

رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۸۱ه.ش). **تاریخ ده هزار ساله ایران**. جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات اقبال.

روح الله زاده کردی، ماهرخ؛ پرگاری، محمد صالح؛ مجد، مصطفی. (۱۳۸۳ ه.ش). **جغرافیای تاریخی آمل از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه**. پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

سادات اسمعیلان، کمال. (۱۳۹۰ه.ش). **زراعت عمومی**. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات پیام نور.

ستوده، منوچهر. (۱۳۶۶ه.ش). **از آستارا تا آستارا باد**. مجلد سوم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - اداره کل انتشارات و تبلیغات.

سروش، محمدرضا؛ نصرآبادی، علیرضا؛ زعفرانلو، رقیه. (۱۳۸۶ه.ش). **دو آمدی بر مطالعات باستان‌شناسی قلاع اسماعلیه قهستان**. فصلنامه‌ی علمی و ترویجی اثر، شماره‌های ۴۲ و ۴۳: ۱۲۸-۱۱۲.

سعادت، محسن؛ ناصری صومعه، حسن. (۱۳۹۷ه.ش). **بررسی وضعیت نظام پولی در دوره سلجوقی (فتوحات سکه)**. روزنامه‌ی صبح ایران، مورخه ۱۳/۳/۱۳۹۷ه.ش، شماره ۴۳۴۴: ۳۰.

سعیدی شاهاندشتی، ناصر. (۱۳۹۰ه.ش). **جامعه شناسی تاریخی آمل**. چاپ اول، ساری: انتشارات ساغر سازان.

سورتیچی، سامان. (۱۳۸۱ه.ش). **قلاع باستانی مازندران از رود «سور خانی تا «جر» کلباد**. چاپ اول، تهران: اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی.

شاهسوارانی، وحید؛ صف کیش، حمیدرضا؛ (۱۳۹۴ه.ش). **چیستی و ماهیت سفال منصوب^{۱۶۹} به نوع آمل**. دبیرخانه‌ی دائمی همایش‌های ملی باستان‌شناسی ایران، مجموعه‌ی مقالات دومین همایش باستان‌شناسی. [نسخه‌ی الکترونیکی].

شایان، عباس. (۱۳۲۷ه.ش) **مازندران**. چاپ اول، تهران: چاپخانه‌ی ایران.

^{۱۶۹}- به نظر می‌رسد شکل واژه‌ی «منصوب» از لحاظ املائی و با توجه به معنی عنوان این پژوهش اشتباه بوده و رسم الخط درست آن «منسوب» می‌باشد. (یاد داشت نویسنده)

شجاع شفیعی، محمد مهدی. (۱۳۷۷). **تاریخ هزار ساله اسلام در نواحی شمالی ایران (از قرن دوم تا دوازدهم هجری قمری)**، چاپ اول، تهران: نشر اشاره.

شریف کاظمی، خدیجه؛ عنانی، بهرام؛ محمدیان، فخرالدین. (۱۳۹۴.ه.ش). **شناخت ساختار کالبدی و کارکردهای قلعه‌های دوره قاجار در شهرستان بشرویه**. مجموعه مقالات دومین همایش باستان‌شناسی ایران، دبیرخانه‌ی همایش‌های ملی باستان‌شناسی ایران. [نسخه‌ی الکترونیکی].

شکاری نیری، جواد. (بی سال) **دژهای صخره‌ای مستحکم‌ترین بناهای دفاعی: دژهای کرفتو و اشکفت فرهاد**. فصلنامه‌ی بسیج، بی شماره.

شعرباف، مرضیه؛ نظری، سامر. (۱۳۹۶). **بررسی سنت‌های تدفینی در دوره ساسانی بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی ایران**. مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره اول: ۱۸۱-۱۶۳.

صادقی، ملیحه؛ اشرفی، عباس. (۱۳۹۵.ه.ش). **بررسی و شناخت جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی استان مازندران**،

شهرستان آمل و راهکار استفاده از آن. فصلنامه پژوهش‌های نوین

علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، شماره ۲: ۶۶-۲۲.

ظفری، داود. (۱۳۷۹ ه.ش). **تاریخ نامل**. چاپ اول، نور: ناشر مولف.

علامه، صمصام‌الدین. (۱۳۲۸). **یادگار فرهنگ آمل**. چاپ اول، تهران:

نشر رسانش.

علی احمدی، علیرضا، غفاریان، وفا. (۱۳۸۲ ه.ش). اصول شناخت و

روش تحقیق. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهرا

(س)، سال سیزدهم، شماره ۴۷-۴۶: ۲۶۶-۲۴۱.

عمادی، عبدالرحمان. (۱۳۸۸ ه.ش). **آسمانکت (چند رسم مردمی)**.

چاپ اول، تهران: نشر اموت.

عمید، حسن. (۱۳۶۹ ه.ش). **فرهنگ عمید**. چاپ سوم، تهران: موسسه

مطبوعاتی امیر کبیر.

غلامی، حسینعلی؛ قریب، پرویز؛ ابراهیمی، سید حسن؛ باقری، علی اصغر؛

فرامرزی، محمدعلی. (۱۳۸۴). **چشم‌اندازی بر صنایع و مشاغل**

مازندران. چاپ اول. بی نام.

فرجیه‌ای قزوینی، محمدحسین؛ نورمحمدی، محمد؛ بیاتلو،

حسین. (۱۳۹۲ ه.ش). **نقش ادوات پرتابی در جنگ‌های قلعه‌ای در**

سرزمین‌های اسلامی پیش از ابداع توپ. مجله‌ی تاریخ و تمدن

اسلامی، سال نهم، شماره‌ی ۱۸: ۸۹-۶۱.

فرهنگستان زبان پارسی. (۱۳۹۱.ش). واژه‌نامه‌ی کوچک پارسی میانه.

چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان پارسی ایران.

فلاح، میثم. (۱۳۹۵.ه.ش). جغرافیای تاریخی محمودآباد، سرزمینی

سه هزار ساله میراث دار تمدن منطقه باستانی تاریخی اهلم.

فصلنامه‌ی فصل فرهنگ، شماره ۹: ۱۷۸-۱۵۳.

فومنی، عبدالفتاح. (۱۲۷۴.ه.ق). تاریخ گیلان. به کوشش برنهارد دارن،

چاپ اول، پترزبورگ: چاپخانه آکادمی.

قدکساز، محمدرضا. (۱۳۷۵.ه.ش). وجه تسمیه شهرهای ایران. چاپ

اول، تهران: انتشارات گل‌گشت.

کاظم بیگی، محمدعلی. (۱۳۸۴.ه.ش). نابودی آثار تاریخی آمل.

نشریه‌ی تاریخ و تمدن اسلامی، شماره‌ی اول: ۱۰۹-۹۳.

کشاوری، عسگر. (۱۳۹۱.ه.ش). فرهنگ و جغرافیای روستای

پاشاکلای آمل. چاپ اول، تهران: پازینه.

کوهی، مصطفی. (۱۳۹۳.ش). **لاریجان**. چاپ دوم، تهران: انتشارات نخل دانش.

کیانی، بهاره؛ کرمان، غلامرضا. (۱۳۹۶.ش). **بررسی سکه‌های ساسانی طبرستان**. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی باستان‌شناسی گرایش تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.

گملین، ساموئل گتلیب. (۱۳۹۳.ش). **سفر به شمال ایران**. ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، چاپ اول، رشت: انتشارات ایلیا. گور فرانسوی، ژان. (۱۳۷۹.ش). **خواجۀ تاجدار**. ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصوری، جلد اول و دوم، چاپ بیستم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

گیلانی، ملا شیخعلی. (۱۳۵۲.ش). **تاریخ مازندران**. تصحیح دکتر منوچهر ستوده، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

لسانی، سید محمدعلی. (۱۳۹۳.ش). **نگاهی تازه به تاریخ و جغرافیا و سوابق فرهنگی لاریجان**. چاپ اول، آمل: انتشارات طالب آملی.

مجیدی، داود؛ گیوه‌چی، سعید؛ نوری کرمانی، علی. (۱۳۹۰.ش). **به کارگیری اصول پدافند غیرعامل در شهرها و دژها در ایران باستان**. فصلنامه‌ی مطالعات شهر اسلامی - ایرانی، شماره‌ی ۴: ۴۸-۳۷.

محمدی، غفار. (۱۳۸۷ه.ش) **اسطوره شناسی مازندران**. هفته نامه‌ی پیام آمل سال ۴- شماره ۱۳۸: ۴.

محمدی، محمدهادی؛ حاجی نصرالله، شکوه. (۱۳۸۵). **فراز و فرود از حمله اسکندر مقدونی تا پایان شاهنشاهی ساسانی**. چاپ اول، تهران: نشر افق.

محمدی گنگرج، حسین. (۱۳۹۶ه.ش). **تاریخ و جغرافیای چلاو**. چاپ اول، آمل: انتشارات وارث‌وا.

محمدی لیتکوهی، رشید. (۱۳۹۸ه.ش). **بازیابی نشانگان آئین مهرپرستی و زرتشتی در نقاط جغرافیایی آمل**. دو فصلنامه‌ی فصل فرهنگ تبرستان، مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی فرهنگ و هنر آمل، سال دوم، شماره‌ی ۳: ۷۲-۵۴.

محمدی لیتکوهی، رشید؛ طبری، ماریا. (۱۳۹۶ه.ش). **تاریخ مدارس و اوضاع مراکز آموزشی آمل از عصر خوارزمشاهیان تا زمان تاسیس دارالفنون**. تاریخ آموزش و پرورش شهرستان آمل، به کوشش نصرالله هومند، چاپ اول، آمل، انتشارات طالب آملی، مجموعه‌ی آمل شناسی (۲): ۸۵-۵۳.

محمدی لیتکوهی، رشید. (۱۳۹۷ه.ش). **قلعه‌های تاریخی آمل**. فصلنامه‌ی فصل فرهنگ تبرستان، سال اول، شماره‌ی ۲: ۳۱-۱۲.

محمدی لیتکوهی، رشید. (۱۳۸۷ه.ش). **خشواش**. هفته‌ی نامه پیام آمل، سال ۴- شماره‌ی ۱۴۲

محمدی لیتکوهی، رشید. (۱۳۸۶ه.ش). **تاریخ و جغرافیای سرزمین‌های غرب آمل**، چاپ اول، آمل: انتشارات وارث وا.

محمدی لیتکوهی، رشید. (۱۳۸۶ه.ش). **چائو سر محله**. هفته‌ی نامه پیام آمل، سال ۳- شماره‌ی ۱۱۸: ۸

مشکور، محمد جواد. (۱۳۷۸ه.ش). **نامه باستان** (مجموعه مقالات). به کوشش سعید میرمحمدی صادق و نادره جلالی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.

مشکور، جواد. (۱۳۲۵ه.ش). **گفتاری درباره دینکرد**. چاپ اول، تهران: نشر اسپند.

مرعشی، میر تیمور. (۱۳۶۴ه.ش). **تاریخ خاندان مرعشی مازندران**. تصحیح دکتر منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

مرعشی، سید ظهیرالدین. (۱۳۶۳ه.ش). **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**. به کوشش برنهارد دارن، چاپ اول، تهران: نشر گستره.

ملازاده، کاظم؛ محمدی، مریم. (۱۳۸۵ه.ش). **قلاع و استحکامات نظامی در دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره**

اسلامی. جلد ششم، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران: انتشارات سوره مهر.

ملگونف، گریگوری. (۱۳۷۶ه.ش). **کرانه‌های جنوبی دریای خزر.** ترجمه‌ی امیر هوشنگ امینی، چاپ اول، تهران: نشر کتاب‌سرا. موسوی، سید محمد. (۱۳۷۲ه.ش). **توس شهر خفته در تاریخ.** چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی.

مولف نامعلوم، (۱۳۱۸ه.ش). **مجمع‌التواریخ و قصص.** به کوشش و تصحیح ملک الشعراى بهار و محمد رمضانى، چاپ [۴]، تهران: نشر کلاله خاور.

مهبجوری، اسمعیل. (۱۳۸۱ه.ش). **تاریخ مازندران.** جلد اول، تهران: انتشارات توس.

میرجعفری، حسین. (۱۳۸۳ه.ش). **حملة تیمور به مازندران و عوامل سقوط مرعشیان.** مجله‌ی علمی و پژوهشی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره‌ی دوم، شماره‌های ۳۶ و ۳۷: ۳۶-۱۷.

نیستانی، جواد؛ تقوی، عابد. (۱۳۸۹ه.ش). **مکان یابی پادگان‌های نظامی تبرستان در صدر اسلام بر اساس منابع مکتوب.** دانشنامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۴: ۱۴۳-۱۲۷.

هدایت، صادق. (۱۳۱۰ه.ش). **سایه مغول**. نسخه‌ی pdf و الکترونیکی. به نشانی www.zoon.ir.

هومند، نصرالله. (۱۳۶۹ه.ش). **پژوهشی در زبان تبری**، چاپ اول، انتشارات دانش.

یاری، احمد علی. (۱۳۸۱ه.ش). **استفاده از بانک اطلاعات رایانه‌ای در کاوش‌های باستان‌شناسی**. مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، [نسخه‌ی الکترونیکی]: ۲۶۰-۲۴۱.

یوسف جمالی، محمد کریم؛ حبیبی نوده، علی اصغر. (۱۳۹۰ه.ش). **ناهمخوانی رفتارهای شاه اسماعیل اول با مذهب تشیع در حوادث قلعه‌ی استای مازندران**. پژوهش‌نامه‌ی تاریخ، سال هفتم، شماره‌ی ۲۷: ۱۷۳-۱۵۹.

یوسفی، صَفَر (۱۳۹۱ه.ش). **جغرافیای تاریخی نور**. چاپ اول، تهران: نشر رسانش نوین.

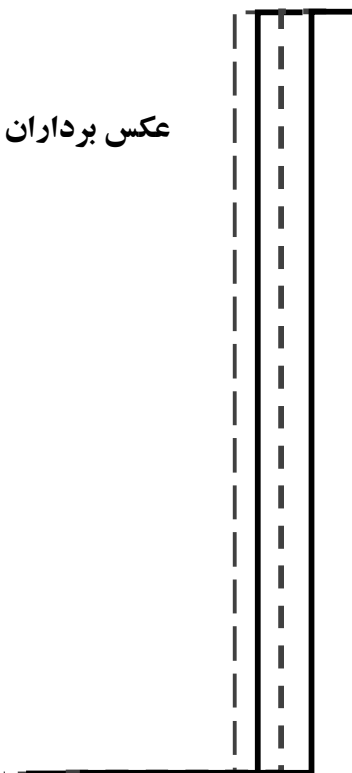
یوسفی‌فر، شهرام؛ یدالله‌پور؛ معصومه. (۱۳۹۵ه.ش). **درهم‌تندگی باورهای مذهبی و فعالیت‌های اقتصادی (نمونه‌ی موردی: کاروانسراهای وقفی شهر آمل)**. فصلنامه‌ی وقف میراث جاویدان، سال ۲۴، شماره‌ی ۹۳: ۹۸-۷۹.

مصاحبه شوندگان

اسامی افرادی که در جمع آوری اطلاعات از آنان مصاحبه به عمل آمد.

نام، نام خانوادگی	موضوع	نام، نام خانوادگی	موضوع
حاج محمد محمدی	لپتکوه	مرحوم رضا موسوی	تجن چار
نصرالله هومند	آمل	مرحوم رضا توکلی	اییاک محله
حاج مصطفی راعی	لاریجان	مرحوم حیدر حیدری	بالا لپتکوه
مهدی نیک پور	دیوران	مرحوم علینقی محمدی	سوته کلا
علی امان زاده	نشل	مرحوم علی اصغر طبری	فیروز کلا
علی خرمی	نشل	مرحوم صدرالله اسکو	بالاخیا بان
حاج ظهیر عمرانی	بلیران	اسماعیل پور	ورام ده
حاج ذبیح الله پاشایی	میله	مختار حسینی	آغوزین
رضا صفایی	چائوسر	یزدان شاهزیدی	شاهزید
مصطفی منفردی	کاسمده	ناصر آرمند	ورکاده
مرتضی فلاح	سرخ کلا	قاسم رنجبر	کوک ده
مجتبی رجبعلی زاده	زارون ده	حسینعلی حسن زاده	چلاو
حسن خیری	هرازپی	ابوالقاسم فنبری	هرازپی
حاج مسعود اخگر	امیری	غلامرضا اکبری	پاشاکلاهراز
علی رضانی	هشتل	زلفعلی محمدی	بالا خیا بان
حاج عزت الله بنشار	نمارستاق	محمود حیدری	سرخ کلا
نصرت الله بنشار	نمارستاق	عباسعلی محمدی	خششواش
نیما غفوریان	پنجاب	حبیب الله رنجبر	چال کیاده

عکس برداران



اسامی کسانی که در تهیه‌ی تصاویر و عکس‌های این کتاب نقش داشتند:

نام، نام خانوادگی	موضوع	نام، نام خانوادگی	موضوع
ماریا طبری	قلعه سوآه	مر نضی فلاح	دیو قلعه
علی محمودزاده	قلعه فرنگیس	رضا ایران زاده	قلعه کاس
مصطفی راعی	قلعه خاص	منوچهر فیروزی	قلعه دختر
ستار محمدی	قلعه وره‌رام	غفار محمدی	قلعه وره‌رام
شهرام محمدی	کن کاس کتی	میثم اخی	پل آتش رود
عباس طبری	دینه کتی	کوثر محمدی	قلعه کاس
سیف‌الله غلامی	پیل تپه	کیمیا محمدی	سنگ کوبی

نمایه

(نقاط جغرافیایی، اشخاص، طوایف، سلسله‌ها، کتاب‌ها و ...)

اسکو..... ۱۵۰, ۱۶۱, ۱۷۱, ۳۱۴
 اسکوئش..... ۷۹
 اسکو محله..... ۱۶۰, ۱۶۱, ۳۱۴
 اسگر افیاتو..... ۵۴
 اسلام..... ۵۴, ۶۰, ۶۱, ۷۰, ۷۱, ۷۸,
 ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۳, ۱۸۲, ۲۴۹
 ۲۲۹, ۳۲۲, ۲۷۵, ۲۵۰
 اسماعیلیان..... ۷۰, ۸۴, ۱۰۱, ۱۰۲, ۱۰۳,
 ۲۰۹
 اشک..... ۷۶, ۷۷, ۷۹
 اشکانیان..... ۳۴, ۷۶, ۷۷, ۷۹, ۹۱, ۲۳۱
 اصطخری..... ۱۲۱, ۳۱۴
 اصفهان..... ۳۱۹, ۳۲۹
 اعتماد السلطنه..... ۱۰۷, ۱۴۴, ۲۴۹,
 ۳۱۴, ۲۵۲
 اعتماد السلطنه ۱۴۴, ۱۹۸, ۲۴۶, ۲۶۷,
 ۳۱۴
 اغوزین..... ۱۲۸, ۱۶۷, ۱۷۸, ۳۳۳
 افراسیاب ۸۱, ۲۰۲, ۲۵۰, ۲۵۴, ۲۵۸
 افشاری سیستانی..... ۳۳
 اکیاتان..... ۹۹
 الیرز..... ۳۰, ۹۹
 الم ده..... ۲۳۵
 الم لور رار..... ۲۳۵
 الیستان..... ۲۴۵
 ام القراء..... ۴۰
 ام اللبلاد..... ۴۰
 ام اللبلاد..... ۴۰
 امام زاده عباس (ع)..... ۱۵۱
 امام زاده عبدالله (ع)..... ۱۵۹, ۳۱
 امام زاده قاسم (ع)..... ۱۵۱

ابن اسفندیار..... ۳۶, ۳۷, ۱۰۱, ۱۲۱,
 ۱۲۳, ۱۲۵, ۱۲۶, ۱۵۹, ۱۶۸,
 ۱۹۶, ۲۰۲, ۲۰۳, ۲۰۵, ۲۴۶,
 ۲۵۰, ۲۵۱, ۲۵۹, ۲۶۰, ۳۱۳
 ابیباک..... ۱۵۱, ۱۹۱
 ابیباک محله..... ۱۹۱
 اخگر..... ۲۶۸, ۲۷۶, ۲۸۴, ۳۳۳
 ارشیر..... ۳۷, ۴۵, ۲۱۳, ۲۱۴, ۳۱۵
 ارشیر برزگر..... ۳۷
 ارشیران..... ۲۱۳
 ارشیرون..... ۲۱۳
 ارمستان..... ۳۳
 اروپایی..... ۳۳, ۷۸
 ارومیه..... ۶۵
 آزار..... ۷۷
 اسپاتسرا..... ۳۶
 اسپینت..... ۱۷۰
 اسپهبد اعلاء..... ۱۰۳
 استرابون..... ۷۸
 استرآباد..... ۱۲۹, ۲۵۸, ۳۱۹
 استودان..... ۲۸۷
 اسحاق..... ۱۵۰
 اسک..... ۳۴, ۷۹, ۱۳۵, ۱۳۷
 اسکندر..... ۷۳, ۷۴, ۷۵, ۸۱, ۸۲, ۱۰۱,
 ۱۷۹, ۲۵۰, ۲۵۵, ۳۱۶, ۳۲۶
 اسکندر مقدونی..... ۷۳, ۷۴, ۷۵, ۱۰۱,
 ۲۵۵, ۳۲۶

ایزد خواست..... ۹۷، ۱۳۴	امام زاده محسن(ع)..... ۲۳۶
ایلال..... ۲۸۴	امام صادق(ع)..... ۱۰۱
ایلخانان..... ۶۶	امام قلعه..... ۲۱۱
	امامزاده عبدالله(ع)..... ۲۰۴، ۳۱
	امامزاده عسگری(ع)..... ۲۴۰
	امامزاده قاسم(ع)..... ۲۵۸، ۱۹۶
	امامزاده محمد(ع)..... ۱۶۰
	آملاء..... ۲۸۰
	اموی..... ۶۵، ۳۳، ۶۰
	امینوارکوه..... ۱۰۲
	امیر یازواری..... ۱۵۶، ۱۰۰
	امیر مسعود..... ۱۷۹
	امیرکلایی..... ۳۱۵، ۲۱۰، ۵۰
	امیری..... ۲۷۶، ۲۶۸، ۱۰۳، ۱۰۲، ۷۲
 ۳۳۳، ۲۸۴، ۲۸۳
	انجه پل..... ۱۸۱
	آنکتی..... ۱۸۴، ۱۷۷، ۱۲۸
	آنگرکلا..... ۱۲۸
	انگمار..... ۲۸۶
	آنوش..... ۱۳۵
	او کران..... ۲۶۸
	اوجی‌آباد..... ۲۳۶
	اوش..... ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۵۷، ۱۳۶، ۱۳۵
 ۲۸۶، ۲۷۷، ۲۷۶
	اهلرود..... ۱۹۸
	ایران ۱۹..... ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۰
 ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۱، ۵۰، ۴۸، ۴۷
 ۱۰۶، ۹۹، ۹۱، ۸۰، ۷۷، ۷۰
 ۱۴۳، ۱۳۵، ۱۲۹، ۱۱۴، ۱۰۷
 ۲۵۴، ۲۴۵، ۱۸۳، ۱۷۱، ۱۴۴
 ۳۱۴، ۲۸۷، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۶۹
 ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۷، ۳۱۶
 ۳۲۸، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳
 ۳۳۶
	ایران‌شهر..... ۳۱۹، ۱۶۹

آ

آخا..... ۲۶۸
آذر دمیرچی..... ۵۱
آذر و لاش..... ۲۱۹
آذربایجان..... ۵۵
آرش..... ۱۲۳، ۳۰
آریان..... ۷۸
آریایی..... ۲۱۲، ۷۶
آغامحمد خان..... ۱۷۷
آغوزین..... ۵۴
آقا دار..... ۱۷۶
آق‌کند..... ۵۴
آل بویه..... ۵۴، ۵۳
آلش رود..... ۱۵۰
آمارد..... ۷۸، ۷۷، ۷۴، ۷۳، ۴۵، ۳۳، ۳۲
..... ۱۷۶، ۱۷۵
آمرد..... ۱۷۶، ۳۳
آمردی..... ۳۳
آمل ۳، ۴..... ۲۹، ۲۷، ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۰
..... ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷
..... ۴۸، ۴۶، ۴۵، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۷
..... ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹
..... ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۰، ۵۹، ۵۷، ۵۶
..... ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷
..... ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴
..... ۸۹، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱
..... ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸
..... ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵
..... ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰

بابل... ۲۹، ۷۵، ۷۶، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۳۲۰، ۳۲۰، ۳۲۰، ۳۰۴	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۵۷، ۳۵۸
بابلس..... ۲۲۰	آمل چارجوی..... ۷۹
بحرب..... ۱۳۵	آمل زم..... ۷۹
بحرب لاریجانی..... ۱۳۵	آمله..... ۳۳
بار فروش..... ۲۲۰، ۲۰۴	آمله..... ۳۲
باقر سلطان نوری..... ۱۸۰	آمونی..... ۶۵
باکنجار..... ۱۳۸	آهن‌کئی..... ۱۸۴، ۱۷۷، ۱۲۸
بالا خیابان..... ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۰۰، ۳۱	آهو نشت..... ۳۹، ۳۸، ۳۷
بالا خیابان لیتکوه..... ۱۷۲، ۱۴۹	
بالا قلعه نشت..... ۱۶۵، ۱۶۴	
بالمان..... ۲۱۴	
بامکتی..... ۱۳۰، ۱۲۸	
بانصرکلا..... ۱۲۸	
باورود..... ۲۰۴، ۲۰۲	
بولوندیان..... ۲۴۰	
بخارا..... ۷۹	
بختیارکتی..... ۲۴۱، ۱۳۰، ۱۲۸	
بختیارکتی..... ۲۴۱	
برزن..... ۷۵	
بستک..... ۲۸۷	
بلدهی نور..... ۲۹	
بلوار پاسداران..... ۱۶۳	
بلیران..... ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۰۰، ۴۹	
بندرکلانه..... ۳۳۳، ۲۱۴	
بنک..... ۱۱۳	
بوسفال..... ۲۶۰	
به‌دشت..... ۷۴	
بهرام دیه..... ۳۸، ۳۷	
بهرستاق..... ۱۶۸	
بهار..... ۲۸۶، ۱۵۵	
بیشه‌کلا..... ۳۱۶، ۱۰۸	
بیمارستان امام علی..... ۲۳۸	
..... ۱۶۵	

ب

باب البحر..... ۱۲۵
باب الجبل..... ۱۲۵

پهلوی ۳۳، ۶۰، ۶۱، ۱۲۸، ۱۸۱، ۱۸۲،
۲۳۹، ۲۲۸، ۱۸۳
۱۰۸..... بیت کت
۱۰۸..... بیت کت
۳۱۶، ۲۰۸، ۷۹..... پیرنیا
۱۸۱، ۱۷۱، ۱۷۰..... پیل تبه

بیه ماه..... ۲۵۵
بنو رو..... ۲۰۴

پ

پادگان «تایران»..... ۱۵۸
پاریمه..... ۲۴۵
پاشا کلا..... ۲۴۵
پاشاکلا..... ۱۲۸
پای دشت..... ۳۷، ۳۶
پایدشت..... ۳۹، ۳۸، ۳۷
پایین بازار..... ۱۲۵
پایین خیابان..... ۲۲، ۳۱، ۱۳۰، ۱۵۱
۱۶۷، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۳۵
پایین خیابان لیتکوه..... ۳۱، ۲۳۵
پایین قلعه دشت..... ۱۶۴، ۱۶۵
پرسب..... ۲۵۹
پرن..... ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۷، ۳۰۹
پغلا..... ۲۷۲
پل الشرود..... ۱۶۹
پل هراز..... ۱۴۴
پلا نس..... ۲۷۶
پلمکتی..... ۲۲۸
پلمکتی..... ۲۲۸
پلنگکتی..... ۲۲۵
پلوچ..... ۲۱۴
پلور..... ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۶، ۲۸۰، ۲۸۱
۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۰۲، ۳۰۴
پلمکتی..... ۲۲۸
پناهیهان..... ۳۱۶
پنج او..... ۲۷۹، ۲۷۸
پنجاب..... ۲۷۸
پهلوان..... ۳۱۶، ۴۰

ت

تاپور..... ۷۴
تازیک..... ۱۷۹
تالش..... ۱۵۰
تیرستان..... ۱۹، ۳۶، ۳۷، ۶۰، ۶۳، ۶۵،
۶۶، ۶۹، ۷۴، ۷۶، ۱۰۱، ۱۲۹،
۱۶۳، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۵۱، ۲۷۴
۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۷، ۳۲۹
تپور..... ۷۴
تجن‌جار..... ۳۳، ۳۰۲، ۱۲۶
تخت شاه طهماسب..... ۲۷۶
تخت فریدون..... ۱۶۷
ترزبان..... ۳۲، ۳۱۷
ترکان خاتون..... ۲۸۴
ترکستان..... ۸۲
ترویجان..... ۲۲۵
تفنگاه..... ۲۷۷
تلیران..... ۷۱، ۱۵۸، ۱۵۹
تلیک سر..... ۱۲۶
تمسک..... ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۳۶
تمسکی دشت..... ۱۹۵
تمیشه..... ۲۱۴
تنکابین..... ۷۷، ۳۱۸
تهران..... ۲۹، ۱۲۵، ۲۷۷، ۳۱۳، ۳۱۴،
۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹،
۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴

چلاو ۳۱، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۶۳،
 ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۳۶، ۲۴۳، ۲۴۵،
 ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱،
 ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶،
 ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۹۷، ۳۲۶، ۳۳۳
 چلاو رود ۲۵۰، ۲۵۱
 چلویان ۸۱، ۸۵، ۲۴۹، ۲۵۸
 چلو رود ۲۵۰
 چمستان ۲۹، ۳۷، ۳۸، ۵۵، ۱۰۵
 چمپین ۲۴۵
 چندر محله ۱۵۸
 چندر محله ۱۶۲
 چنگ میان ۲۰۰

ح

حاره ۷۲
 حسین‌کیای چلاوی ۲۵۴
 حمام‌سر ۲۰۶

خ

خرک ۱۴۱
 خُرَم ۲۶۰
 خرم ۲۶۰
 خرمازر ۲۵۹، ۲۶۰
 خزر ۳۰، ۴۶، ۷۹، ۱۰۶، ۲۲۰، ۳۲۸
 خسرو اول ۶۵
 خسرو دوم ۶۰، ۶۲، ۶۳
 خسروی هفتم ۶۵
 خسراآباد ۲۰۲
 خشک رود ۵۶
 خشک‌رود ۷۱، ۳۰۳
 خشواش ۵۷، ۱۰۰، ۱۷۰، ۱۷۱، ۳۲۷

۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹،
 ۳۳۰
 تهمورث ۳۶
 تیار ۱۱۷، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۷
 ۲۵۸، ۲۹۹
 تیزویجان ۱۱۰، ۲۲۵، ۲۲۶
 تیلاب ۲۴۶
 تیمور ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۲۲۱،
 ۲۲۳، ۲۵۰، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۲۹
 تیموریان ۸۰، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۵۸

ج

جالی‌کلا ۲۲۹
 جرجان ۵۳، ۱۲۵
 جُرْجَان ۵۰
 جعفرآباد ۲۳۷
 جعفرقلی‌خان ۲۳۷
 جلالک از رک ۲۲۰
 جلولا ۲۱۹
 جنیدی ۱۴۹، ۳۱۷
 جوینی ۲۸۴
 جهنم درّه ۲۴۶
 جُئینه ۲۱۴
 جیمز فریزر ۱۰۶

چ

چا او سر ۵۷، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۷۷،
 ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۹۶
 چا اوسر ۱۸۸
 چالامکی ۷۱، ۱۶۷
 چشمه «پنج انگیس» ۱۷۱
 چلا ۲۵۱

دژ ۹۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۴۳، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۷۱	خمینی..... ۲۰ خوارزمشاه..... ۲۸۴، ۸۰ خورتاب..... ۲۶۰
دژک گیاشکلا..... ۲۳۰	
دژگاه..... ۲۹۰	
دشت بوران..... ۱۹۷	
دشت سر ۳۱، ۱۲۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۲۰	
دشت سر سفلی..... ۳۱	
دشت سر شرقی..... ۳۱	
دشت سر غربی..... ۳۱	
دشت سه هزار..... ۲۲۰	
دشت سر..... ۱۰۰، ۷۲، ۶۶، ۵۴، ۵۰، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۵۶، ۱۰۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹	
نقیانوسکلا..... ۲۳۰	
دلارستانق..... ۱۰۳، ۱۶۷، ۲۷۲	
مورگان..... ۲۶۷	
نو تیره..... ۲۲۷	
دوازده چشمه..... ۱۰۷، ۱۴۳	
دوناکا..... ۲۴۰	
دهخدا..... ۹۱، ۱۶۱، ۳۱۹	
دیلمان..... ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۹	
دیلمستان..... ۱۲۹	
دین میترایی..... ۶۹	
دینه تپه..... ۲۰۷	
دیوان تپه..... ۲۰۶	
دیوران..... ۲۷۵، ۲۷۶، ۳۳۳	
دیوقلعه..... ۱۰۰، ۳۳۶	
دیوکتی..... ۱۰۰	
	دابو ۵۰، ۵۴، ۱۰۳، ۱۳۰، ۱۸۱، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۵
	دابودشت..... ۳۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۳۱۵
	دابوی بزرگ..... ۸۲، ۲۰۰، ۲۲۰، ۲۳۵
	دابوی جنوبی..... ۳۱، ۲۲۵
	دابوی شمالی..... ۲۳۱
	دابوی میانی..... ۳۱
	دابوییه..... ۱۶۳، ۲۱۹، ۳۱۸
	دابوییان..... ۶۵
	دانمهر..... ۶۵
	داربوش..... ۲۵۵
	داعی صغیر..... ۲۸۵
	داناکان..... ۲۴۰
	داود ظفیری..... ۳۶
	درز..... ۱۵۵
	درز..... ۵۴، ۱۵۰
	درزی دشت..... ۵۴، ۱۷۸، ۱۸۰
	درمکلا..... ۱۲۸
	دروازه کوه..... ۱۲۵
	دروازه‌ی بارفروش..... ۱۲۵
	دروازه‌ی طهران..... ۱۲۵
	درویش خانیسار..... ۲۳۵
	درویش خیل..... ۷۰
	دریای مازندران..... ۴۶

ژ

ژاک دمرگان..... ۳۵

س

ساری... ۵۳، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۶، ۲۱۳، ۲۹۰، ۳۱۳، ۲۹۰
 ساسانی... ۵۳، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۱۶۹، ۲۱۹، ۲۲۱، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۵
 ساسانیان... ۳۳، ۶۰، ۶۵، ۹۷، ۱۳۴، ۳۱۷
 سامان دره... ۱۵۹
 سامانی... ۵۳، ۵۱
 سامانیان... ۵۴
 سائنج محله... ۵۴، ۱۸۰
 سائنج محله... ۱۶۷، ۱۷۸
 سبز مکتا... ۲۱۱
 سبزه میدان... ۱۴۴
 ستوده... ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۴۴، ۲۱۰، ۲۰۶، ۱۵۸، ۱۵۶، ۱۴۴، ۲۵۱، ۲۴۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۱۱، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۲، ۳۲۸، ۳۲۶، ۳۲۱، ۲۵۹
 سَنَدک... ۲۸۸
 سُرخ‌رود... ۸۲
 سیرن‌کتی... ۱۷۷، ۱۲۸، ۱۸۱
 سرهنگ‌کتی... ۱۷۷، ۱۸۱
 سعادت آباد... ۳۹
 سعیدک... ۲۸۸
 سعیدی شاهانشستی... ۳۲۱، ۷۱
 سفید رود... ۳۲

ر

رابینو... ۱۰۲، ۱۴۳، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۷۱، ۲۹۱، ۳۱۹، ۳۲۰
 رزان... ۱۵۵، ۲۷۲
 رزک... ۱۵۵
 رزکی... ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۶۰
 رزن... ۱۵۵
 رستم‌دار... ۱۷۹، ۲۱۹
 رشید محمدی لیتکوهی... ۲، ۳، ۲۵
 رضانی... ۳۱، ۳۲۹، ۳۳۳
 روبست... ۱۲۸
 روح بن حاتم... ۶۴
 رودبار... ۱۹۷، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۷، ۲۵۶
 رویان... ۵۵، ۲۷۴، ۳۱۳، ۳۲۸
 ری... ۵۰، ۲۱۴، ۲۶۶
 رینه... ۳۱، ۲۷۹، ۲۸۰
 رینه... ۲۸۵

ز

زر خنی... ۲۴۵
 زَر دره... ۲۶۸
 زرتشت... ۷۶، ۱۳۶، ۲۶۹، ۳۱۷
 زرتشتی... ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۶۰، ۲۴۸، ۳۲۶
 زرينگول... ۲۰۶
 زنجان... ۵۳

شاهسون.....	۱۰۴	سلجوقی.....	۳۲۱, ۵۱
شیر درّه.....	۲۷۳	سیلش کوه.....	۲۹۱
شیرم کتی.....	۲۲۸	سلطان نکش.....	۲۱۴
شروانشاه.....	۱۰۴	سلطان سنجر.....	۲۵۵, ۱۸۲
شروین.....	۲۹۰, ۲۹۰	سلطان محمد خدابنده.....	۲۰۱
شعبو نشت.....	۲۹۱, ۲۹۰, ۱۹۷	سمنان.....	۷۹
شکل شاه.....	۲۷۷	سنگ بست.....	۱۳۰
شلاب.....	۲۵۱, ۲۴۶, ۲۴۵	سنگ چال.....	۲۴۹
شلو.....	۲۵۱	سنگ‌بست.....	۱۲۸
شومیا.....	۱۹۰	سنگ‌چال.....	۲۹۸, ۲۵۷, ۲۵۶
شونا نشت.....	۲۶۸, ۲۶۶, ۱۱۹, ۹۲	سنگ‌کوبی ۵۲, ۵۴, ۱۵۹, ۱۶۲, ۱۶۵.....	
شهر بند.....	۳۹, ۳۸	سواد کوه.....	۳۰۲, ۱۸۴, ۱۷۸, ۱۷۲
شهرستانه مرز.....	۳۶	سوا.....	۲۸۴, ۲۴۶, ۱۱۹, ۱۱۲, ۱۱۰, ۱۰۳, ۲۷۳
شهرستانه مرز.....	۳۹, ۳۸, ۳۷	سواه.....	۳۰۱, ۲۷۴
شهرکتی.....	۲۲۷	سوتامکلا.....	۳۳۶, ۲۷۳, ۲۶۶
شهرکش.....	۳۹	سوریه.....	۳۳۳, ۱۵۱, ۱۴۹, ۱۲۸
شیخ علی گیلانی.....	۲۶۰, ۲۵۹, ۱۴۹	سه طاق.....	۲۷۰, ۲۶۹, ۲۶۸
شیرامه.....	۲۸۵, ۲۸۴	سیاه‌نشت.....	۱۰۲
شیران کتی.....	۱۵۰	سید فخر الدین.....	۲۸۰, ۲۷۱
شیرکاج.....	۱۷۸, ۵۴	سید فخر الدین مرعشی.....	۲۷۱
		سنج‌محله.....	۱۸۳

ص

صدرالله اسکو.....	۳۳۳
صفر یوسفی.....	۳۸, ۳۶
صفویان.....	۲۳۵, ۱۹۸, ۱۰۴

ط

طبرستان.....	۳۱۸, ۲۵۲, ۲۱۹, ۱۰۴
طبری.....	۳۵۸, ۳۲۸, ۳۲۵
طبری.....	۳۲۷, ۲۰۳, ۱۳۸, ۸۲, ۳۲
	۳۳۶

ش

شادوف.....	۱۴۰, ۱۴۱
شاهستانه مرز.....	۳۷
شاه اسماعیل.....	۳۳۰, ۲۵۴, ۱۰۴
شاه عباس.....	۲۶۶, ۱۰۵, ۱۰۴
شاه غازی رستم.....	۲۵۹, ۲۴۹, ۱۰۳
شاه موزی‌بین.....	۲۰۲, ۱۵۶
شاهان نشت.....	۲۶۷
شاهان‌نشت.....	۱۱۰

فربدون .. ۶۵, ۱۲۰, ۱۴۹, ۱۶۶, ۱۶۷,
 ۳۱۷, ۲۹۵, ۲۴۵, ۱۹۰,
 فربدون جنیدی .. ۱۴۹, ۱۹۰, ۲۹۵,
 فربدون کنار .. ۲۹, ۲۲۰,
 قل ۲۰۶
 فلاح ... ۱۰۰, ۲۰۷, ۲۰۸, ۲۲۲, ۲۲۳,
 ۲۸۹, ۳۲۴, ۳۲۳, ۳۳۶,
 فیروز ... ۳۲, ۱۲۲, ۲۰۱, ۲۰۳, ۲۰۴,
 ۲۰۵, ۲۱۴,
 فیروز خسرو .. ۱۲۲, ۲۰۱,
 فیروز خسره .. ۱۲۲, ۲۰۱, ۲۰۳, ۲۰۴,
 فیروز شاه .. ۳۲, ۲۰۱, ۲۰۵,
 فیروزآباد .. ۱۲۲, ۱۳۳, ۱۴۱,
 فیروزجاه .. ۲۰۱,
 فیروزشاه .. ۲۰۱, ۲۰۲,
 فیروزکلا .. ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۸, ۱۴۱,
 ۲۰۰, ۲۰۲, ۲۰۳, ۲۰۴, ۳۱۵,
 ۳۳۳,
 فیروزکوه .. ۱۵۵, ۱۶۰, ۲۶۶,

ق

قاجار ... ۷۰, ۱۰۸, ۱۲۵, ۱۴۴, ۱۵۱,
 ۱۷۷, ۱۹۸, ۲۳۶, ۳۲۲,
 قاجار محله .. ۱۷۷,
 قادی‌کلا .. ۱۲۸,
 قازن .. ۲۸۴,
 قجر محله .. ۱۷۷,
 قدور .. ۱۴۲,
 قراکلا .. ۱۲۸,
 قفقاع .. ۱۲۲,
 قلا ۲۳, ۱۰۰, ۱۳۶, ۱۵۶, ۱۵۹,
 ۱۶۸, ۲۳۱, ۲۵۷, ۲۵۸, ۲۶۰,
 ۲۸۶, ۲۷۲

ع

عامی محله .. ۱۷۱, ۱۷۲,
 عباس‌کنی .. ۱۲۸, ۱۸۲,
 عباسی .. ۶۰,
 عبدالله آباد .. ۲۷۸,
 عبدالملک بن قفقاع .. ۱۲۱,
 علاالدوله .. ۱۳۵,
 علمده .. ۲۳۵,
 علویان .. ۷۰, ۸۴, ۱۰۲,
 علی یازی .. ۴۶, ۶۹,
 علی‌آباد .. ۱۶۹,
 عمر بن اعلاء .. ۶۴,
 عمید .. ۴۰, ۳۲۴,
 عوامه کوی .. ۱۲۵,

غ

غزنویان .. ۱۷۹,
 غقارشاه .. ۱۶۳,
 غفاریان .. ۴۶, ۶۹, ۳۲۳,
 غول تپه .. ۲۲۸,
 غیاث‌کلا .. ۲۳۰, ۲۳۱,

ف

فرح‌آباد .. ۲۳۹,
 فرخان .. ۱۲۳, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۶۴, ۲۰۳,
 فردوسی .. ۹۱, ۱۴۹,
 فرنگیس .. ۱۵۶, ۱۵۷, ۳۳۶,
 فرهاد .. ۷۳, ۷۴, ۷۷, ۷۸, ۳۲۳, ۷۹,
 فرهاد اول .. ۷۳, ۷۷, ۷۹,

۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱،	۲۷۲.....	قلا شروین.....
۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳،	۱۳۶.....	قلا گوش.....
۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹،	۱۲۸.....	قلاین.....
۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱،	۲۸۶.....	قلاپشت.....
۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶،	۴۶، ۴۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۹،	قلاع.....
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۶،	۵۴، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۶۷، ۶۸،	
۲۶۷، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵،	۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۸۶،	
۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۴،	۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰،	
۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹،	۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸،	
۲۹۰، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۳۶،	۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳،	
قلعه «ارولاد»..... ۲۸۴	۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹،	
قلعه کوه..... ۲۷۵، ۲۷۶	۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،	
قلعه‌کش..... ۲۱۱، ۲۰۹، ۷۲، ۷۰، ۵۰،	۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷،	
۲۹۹	۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۶،	
قلعه‌ی «استنا»..... ۲۵۴	۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷،	
قلعه‌ی «پلنگ لی»..... ۲۲۵	۱۷۰، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲،	
قلعه‌ی «مرعش»..... ۱۵۶	۱۸۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۴،	
قلعه‌ی «نمارستاق»..... ۲۷۴	۲۲۵، ۲۳۱، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲،	
قلعه‌ی اردشیران..... ۲۱۴، ۲۱۳	۲۵۴، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۶۸،	
قلعه‌ی اسپند..... ۱۷۰	۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۵،	
قلعه‌ی انگمار..... ۲۸۶، ۲۸۵	۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۸،	
قلعه‌ی ایلال..... ۲۸۴، ۱۰۳	۳۷۵.....	قلاکوه.....
قلعه‌ی آمل..... ۲۱۰، ۱۰۸، ۱۰۶، ۳۰، ۳۰	۱۹، ۲۰، ۲۳، ۳۸، ۴۰، ۵۸، ۶۶،	قلعه... ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۳۸، ۴۰، ۵۸، ۶۶،
قلعه‌ی باو رود..... ۲۰۲	۷۰، ۷۱، ۸۲، ۸۵، ۹۱، ۹۶، ۹۹،	
قلعه‌ی بیه ماه..... ۲۵۵	۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶،	
قلعه‌ی یغلا..... ۲۷۲	۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷،	
قلعه‌ی پلنگ لی..... ۲۲۵	۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۱،	
قلعه‌ی تابران..... ۱۵۸	۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶،	
قلعه‌ی تبعیدی..... ۳۰۶، ۱۸۵، ۱۱۰، ۱۰۲، ۱۰۲	۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۴،	
قلعه‌ی تسکا سرا..... ۲۱۵	۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹،	
قلعه‌ی جالی‌کلا..... ۳۰، ۲۲۹	۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷،	
قلعه‌ی چال‌کیاده..... ۱۶۷	۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲،	
قلعه‌ی چندر محله..... ۱۵۸	۱۷۷، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲،	
قلعه‌ی خاص..... ۳۰۲، ۲۸۹، ۲۸۸	۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸،	
قلعه‌ی خرم..... ۲۵۹	۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶،	

۲۸۳.....	قلعه‌ی مازیار.....	۲۱۵.....	قلعه‌ی خشت‌سی چشمه.....
۸۵.....	قلعه‌ی ماهان‌سر.....	۲۵۶, ۲۵۵, ۲۴۹.....	قلعه‌ی دارا.....
۲۸۷.....	قلعه‌ی محمد علی بیگ.....	۲۸۱, ۲۸۰, ۱۱۵.....	قلعه‌ی نختر.....
۲۸۵.....	قلعه‌ی مرجانه.....	۲۳۰.....	قلعه‌ی دزک.....
۲۳۱.....	قلعه‌ی مریج محله.....	۲۶۷.....	قلعه‌ی نشمنگور.....
۲۸۳.....	قلعه‌ی مزیار.....	۲۲۷.....	قلعه‌ی دو تیره.....
۲۶۶, ۱۱۵, ۱۱۰.....	قلعه‌ی ملک بهمن.....	۲۴۰, ۱۱۶.....	قلعه‌ی دونکا.....
۲۶۷.....	قلعه‌ی نشل.....	۲۰۸, ۲۰۷, ۲۰۶.....	قلعه‌ی دین تپه.....
۲۱۰.....	قلعه‌ی نوده عطایون.....	۱۱۸.....	قلعه‌ی ذکریا.....
۲۶۰.....	قلعه‌ی نی شیل.....	۲۸۵, ۲۸۴.....	قلعه‌ی روخان.....
۱۶۷.....	قلعه‌ی ورام ده.....	۱۵۵.....	قلعه‌ی زکریا.....
۱۶۰.....	قلعه‌ی وشت.....	۲۵۷.....	قلعه‌ی سام.....
۱۶۴.....	قلعه‌ی وله بن.....	۲۵۶.....	قلعه‌ی سامان.....
۲۱۵.....	قلعه‌ی هلیا.....	۱۶۲.....	قلعه‌ی سر از دار.....
۲۸۶.....	قلعه‌ی افنه سر.....	۲۸۸, ۲۸۷.....	قلعه‌ی سنگ دک.....
۱۳۳.....	قلعه‌ی کافر.....	۱۶۲.....	قلعه‌ی سنگر.....
۹۲, ۹۱.....	قهنذر.....	۱۹۱.....	قلعه‌ی سیاه لشت.....
		۲۷۵, ۲۷۴, ۲۷۳.....	قلعه‌ی شیر.....
		۱۱۹.....	قلعه‌ی شر دره.....
		۲۷۳.....	قلعه‌ی شیر دره.....
		۱۸۲.....	قلعه‌ی عباس.....
		۱۷۲.....	قلعه‌ی فتنه جا.....
		۱۵۶, ۱۱۸.....	قلعه‌ی فرنگیس.....
		۲۸۳.....	قلعه‌ی قارن.....
		۱, ۱۸۶, ۱۳۳, ۵۷, ۵۱.....	قلعه‌ی کاس.....
		۲۹۶, ۱۹۰, ۱۸۷.....	قلعه‌ی کافر.....
		۲۱۱, ۲۰۸, ۱۰۳, ۷۱.....	قلعه‌ی کن کاس.....
		۱۸۱.....	قلعه‌ی کهرود.....
		۲۷۱.....	قلعه‌ی گلندان.....
		۲۸۰.....	قلعه‌ی لاریجان.....
		۲۶۶.....	قلعه‌ی لاکتکی.....
		۲۰۶.....	قلعه‌ی لومار.....
		۲۷۹.....	قلعه‌ی لوندر.....
		۲۷۹.....	قلعه‌ی لیکنانی.....
		۱۱۵.....	قلعه‌ی لیکنانی.....

ک

۷۷.....	کادوسیان.....
۱۵۹, ۱۲۶.....	کارچی کلا.....
۴۰.....	کارنامک.....
۲۷۱.....	کارو.....
۱, ۱۵۵, ۱۱۰, ۱۰۰, ۵۶, ۴۵.....	کاس.....
۳۳۶, ۳۰۰, ۱۸۴, ۱۸۲.....	کاسب محله.....
۱۸۴.....	کاسم مهر.....
۶۷.....	کاس محله.....
۱۵۰.....	کاسه‌گر محله.....
۲۳۱.....	کافر قلعه.....
۲۱۱, ۷۰.....	کافر کلی.....
۱۳۵.....	کالج.....
۵۵.....	کالج.....

گ	
گاو باره.....	۲۶۶..... کاپوس
گاو بارگان.....	۱۷۱..... کپین
گازی.....	۱۰۵..... کت پشت
گتکلا.....	۲۰۵..... کت سرا
گرگان.....	۲۰۵, ۲۰۳..... کتل کش
گرم رو.....	۱۲۲..... کتلکش
گروس.....	کتی ۵۶, ۸۲, ۱۲۸, ۱۳۰, ۱۵۰, ۱۵۹,
گزنک.....	۱۸۱, ۱۸۲, ۱۹۱, ۲۰۵, ۲۰۶,
گل محله.....	۲۲۲, ۲۲۸, ۲۳۰, ۲۴۱,
گلان.....	۳۳۶, ۳۰۰
گل‌مزار.....	کجور..... ۲۱۴, ۱۴۹
گملین.....	گرد..... ۱۵۰
گنگرج.....	گرد چالک..... ۲۷۷, ۲۷۶, ۱۳۶
گنگرج کلا.....	گردچلک..... ۱۳۶
گنگرج کلا.....	گره سنگ..... ۱۵۵
گیل.....	کله بست..... ۱۳۰
گیلان.....	کمال‌الدین..... ۱۲۴
گیل محله.....	کمانگر کلا..... ۱۲۸
	کنئل..... ۲۸۴
	کنسی..... ۲۰۶
	کن‌کنس کتی..... ۱۷۷, ۱۲۸, ۵۲
	کوز مگر..... ۵۵
	کوس..... ۱۹۰, ۱۵۵, ۱۴۹, ۱۲۲
	کوس‌رز..... ۱۵۵
	کوس محله..... ۱۴۹
	کوس‌مرز..... ۱۹۰, ۱۴۹
	کوفی..... ۶۰, ۵۴
	کوکده..... ۳۰۶, ۱۸۵, ۱۱۰
	کهرود..... ۲۷۱, ۲۶۶
	کپنه‌دان..... ۲۴۱, ۲۴۰
	کیکاسوس..... ۹۹
	کینه برخاست کتی..... ۱۸۲, ۱۲۸
ل	
لار.....	۲۸۷, ۲۷۹
لاریجان.....	۲۵۹
لاریجان ۳, ۴, ۳۱, ۵۴, ۷۲, ۷۹, ۸۰,	
۹۹, ۹۲, ۱۰۲, ۱۰۳, ۱۱۰, ۱۱۹,	
۱۲۵, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۶۷,	
۲۲۱, ۲۳۷, ۲۶۱, ۲۶۳, ۲۶۶,	
۲۶۷, ۲۶۸, ۲۷۰, ۲۷۱, ۲۷۲,	
۲۷۶, ۲۷۸, ۲۷۹, ۲۸۰, ۲۸۳,	

۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹،	۲۸۴، ۲۸۵، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۵،
۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸،	۳۲۶، ۳۳۳، ۳۵۷
۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۵،	لاریجان سفلی..... ۳۱
۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹،	لاریجانی..... ۲۳۷
۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۷،	لاسم..... ۲۸۰
۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۴،	لالمزار..... ۲۱۲
۳۱۳، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹،	لزیرک..... ۱۳۵
۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۶،	لقور..... ۲۵۱
۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۵۸،	لکونی..... ۱۶۶
مازیار..... ۴۵، ۱۰۱، ۱۲۲، ۲۸۳	لومار..... ۲۷۹
مالک دشت..... ۱۹۷	لیتکانی..... ۱۶۶، ۱۵۰
مالکه دشت..... ۱۹۷	لیتکوه..... ۲۲، ۳۱، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۶۸،
ماهانه‌سر..... ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۱۱۶، ۱۲۲،	۷۱، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۲۲، ۱۲۵،
۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۱	۱۳۰، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱،
متروپولتین..... ۵۱	۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱،
مجمع‌التواریخ و قصص..... ۳۰، ۳۲۹	۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۲،
محمد محمدی..... ۱۴۴، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۷۸،	۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۳،
۱۸۴، ۲۱۴، ۳۳۳	۱۸۷، ۲۳۵، ۳۰۳، ۳۳۳، ۳۵۸
محمد محمدی..... ۲۲	لیتکانی..... ۱۱۵، ۱۵۱، ۱۶۵، ۱۶۶
محمدتقی دانش‌پژوه..... ۱۹۸	
محمدحسین خان قوانلو..... ۱۸۰	
محمدرضا شاه..... ۱۴۴	
محمدی لیتکوهی..... ۶۸، ۸۲، ۸۷، ۱۲۷، ۱۴۹،	
۱۵۱، ۱۷۸، ۱۸۷، ۳۲۶، ۳۲۷	
محمدی لیتکوهی..... ۵۵، ۳۲۷	
محمودآباد..... ۲۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۳۲۲	
۳۲۴، ۳۳۸	
مداین..... ۲۱۹	
مژآمده..... ۱۰۲	
مرتج «باج جا»..... ۱۷۲	
مرتج امیر و گوهر..... ۱۸۰	
مرتج رستلک..... ۲۵۶	
مرتج زکریا..... ۱۵۵	
مرج محله..... ۲۳۱	
مرزنگو..... ۲۲۰	
	م
	مادها..... ۹۱، ۱۰۰
	مارد..... ۷۷، ۷۸
	مارکوارت..... ۳۴
	مازیاطبری..... ۲۲، ۱۱۰، ۲۷۴، ۳۰۱،
	۳۳۶
	مازندران..... ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۴۵،
	۴۶، ۵۱، ۵۵، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴،
	۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۱، ۸۲،
	۸۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴،
	۱۰۸، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۹،
	۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۵۰،
	۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۷۹،

مه خوران..... ۱۵۸	مرعشیان ۷۰، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۱۰۴،
مهجوری..... ۱۳۵، ۱۳۸، ۲۱۳، ۲۵۵،	۱۲۴، ۱۵۶، ۲۲۰، ۲۲۱،
۲۶۶، ۳۲۹	۲۲۴، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۰،
مهخوران..... ۱۵۰	۳۲۹، ۳۷۹
مه‌ر ۴۵، ۶۷، ۱۰۰، ۱۷۵، ۱۹۰، ۳۱۳،	مرعشی..... ۶۴
۳۲۸	مرکتی..... ۱۳۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷
مه‌رپرستی ۶۸، ۷۱، ۱۰۰، ۱۶۰، ۲۴۸،	مرو..... ۵۹
۲۷۳، ۳۲۶	مریجان..... ۲۸۵
مه‌رکتی..... ۱۷۸	مریج‌محلہ..... ۲۳۱
میان‌رود..... ۵۵، ۱۵۹، ۲۰۵	مزدیسنا..... ۷۶
میترائی..... ۶۷، ۶۸	مزرس..... ۲۰۰
میر ظهیرالدین مرعشی..... ۲۷۹	مسیح (ع)..... ۳۵
میرانده..... ۱۰۲	مشاء..... ۲۸۰
میرظهیرالدین مرعشی..... ۳۷، ۸۵، ۱۷۸،	مشکور..... ۶۴، ۶۹، ۷۹، ۲۲۰، ۳۲۸
۲۷۴، ۲۵۶، ۲۴۰	مصر..... ۲۷۱
میرقوام‌الدین..... ۱۲۴	مصطفی راعی اسکی..... ۱۱۵، ۲۶۵،
میلہ..... ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۳۳۳،	۲۷۹، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۰۲، ۳۰۴
۶۴	مصطفی کوهی..... ۲۷۲

ن

نادر..... ۱۰۶	مغول..... ۸۰، ۲۳۷، ۳۲۹
نادرشاه..... ۱۴۳	مغولان..... ۷۹، ۸۰، ۱۰۳، ۲۳۷، ۲۸۴
ناصرالحق..... ۲۸۵	ملک کیومرث..... ۲۷۱، ۲۶۶
ناصرالدین شاه ۳۱، ۱۰۸، ۱۵۰، ۱۹۸،	ملکشاهیان..... ۱۵۰
۱۹۹	ملگونف..... ۱۲۶، ۱۹۸، ۳۲۸
نَجَّار کلا..... ۲۴۵	ملگونوف..... ۱۲۵، ۱۹۸
نرم..... ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۳	مله..... ۲۰۶
نشئل..... ۷۶، ۲۶۰، ۳۳۳	منجلیق ۹۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲،
نشئل..... ۷۵	۲۱۴، ۲۱۳
نصرت سنگ..... ۲۱۴	منگل..... ۲۵۱، ۲۵۵
نمارستاق..... ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۳۶،	منوچهر..... ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۵۸، ۲۵۹،
۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۳۰۷، ۳۱۵،	۲۷۱، ۲۸۱، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۶،
۳۳۳	۳۲۸، ۳۳۶
	موسی خورنی..... ۳۳، ۳۲۰
	مون..... ۲۸۵

از این نویسنده منتشر شد:

- تاریخ و جغرافیای سرزمین‌های غرب آمل (۱۳۸۶ه.ش)
- تاریخ آموزش و پرورش آمل، (کار گروهی به کوشش نصرالله هومند، ۱۳۹۶ه.ش)
- ملا نظر فانی مازندرانی، (ادبیات مازندران (۱)، ۱۳۹۹ه.ش).
- قلعه‌های تاریخی آمل و لاریجان، (۱۳۹۹ه.ش).

از این نویسنده به زودی منتشر می‌شود:

- **تاریخ آبادی‌های آمل ۶ جلدی** – آمل شناسی ۴:
جلد اول: کلیاتی از تاریخ و جغرافیای شهرستان آمل.
جلد دوم: تاریخ آبادی‌های لیتکوه.
جلد سوم: تاریخ آبادی‌های دشت‌سر.
جلد چهارم: تاریخ آبادی‌های دابو.
جلد پنجم: تاریخ آبادی‌های هرازپی.
جلد ششم: عکس‌های ماندگار از آبادی‌های آمل.
- **امام طبرستان، شیخ ابوالعباس قصاب آملی**؛ ادبیات مازندران (۲) (آماده ویرایش)
- **جغرافیای تاریخی روستای سوته کلای لیتکوه (آماده ویرایش)**
- **سفرنامه از آمل تا دلوار**. (از شهر آرش کمانگیر تا شهر رئیسعلی دلواری) (آماده چاپ)

Formatted: Centered, Indent: Before: 0",
Line spacing: Multiple 1.15 li

Formatted: Font: 12 pt, Bold, Complex Script
Font: B Zar, 12 pt, Bold

این نویسنده در حال پژوهش موضوعات زیر می‌باشد:

- بررسی منظومه طالب و زهره بر اساس نظریه عشق زیک رابین. (ادبیات مازندران ۳)
- بررسی رنگ و تصاویر سفال‌های آمل بر اساس تئوری‌های روان‌شناسی رنگ و نقاشی.

یاد داشت‌های ضروری خواننده
